

Resource: Familiarization, Internalization, Articulation (Fia)

Familiarization, Internalization, Articulation (FIA) Translation Guide © 2023 SRV Partners Released under CC BY-SA 4.0 license. Familiarization, Internalization, Articulation (FIA) Translation Guide has been adapted in the following languages Tok Pisin, عربي, Français, हिंदी, Bahasa Indonesia, Português, Русский, Español, Kiswahili, 简体中文 from Familiarization, Internalization, Articulation (FIA) © 2023 SRV Partners Released under CC BY-SA 4.0 license by Mission Mutual

Familiarization, Internalization, Articulation (Fia)

MRK

مرقس 1:13-8

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 1:13 — 8)

آیات مرقس 1:13 — 8 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 1:13 — 8)

یک بار دیگر وبا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 1:13 — 8 گوش دهید

در این متن عیسی به مردم در رابطه با رویدادهای زمان آینده تعلیم می‌دهد. عیسی برای شرح این داستان‌ها از جملاتی استفاده می‌کند که در زمان بیان داستان از آنها استفاده می‌شد

این داستان پس از داستانی اتفاق افتاد که در آن بیوه‌زنی دو سگه کوچک را به داخل صندوق انداخته بود و عیسی و شاگردانش در این زمان حیاط معبد را ترک می‌کنند. بر اساس داستان قبلی، تمامی شاگردان در معبد نزد عیسی حضور داشتند و در زمان ترک آنجا یکی از آنها با دیدن اندازه و عظمت معبد حیرت‌زده می‌شود. این شاگرد احتمالاً در این زمان در رابطه با دیوارهای بزرگ و سنگ‌های عظیم سفید رنگ آن صحبت می‌کرد. هرکدام از این سنگ‌های موجود در دیوار احتمالاً 12 متر طول و 4 متر ارتفاع و 6 متر عمق داشتند. هرچند که هنوز کار ساخت معبد تمام نشده بود، اما مردم کشورهای دیگر در رابطه با ابعاد و زیبایی آن سخنان بسیاری شنیده بودند

در اینجا مکث کنید و تصویری از معبدی که در زمان عیسی وجود داشت را به حاضرین نشان بدهید. همچنین تصویر برخی سنگ‌هایی که با همان ابعاد می‌باشند را نیز می‌توانید به حاضرین نشان بدهید تا آنها را با ابعاد سنگ‌های به کار رفته در معبد بیشتر آشنا کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

شاگردان عیسی را "استاد" صدا می‌کردند و بدین طریق احترام خود را نسبت به او نشان می‌دادند. این شاگرد می‌دانست که عیسی این قدرت و اختیار را دارد تا در رابطه با مسایل الهی تعلیم دهد. عیسی نیز به شکل عجیبی به او پاسخ داد و در ابتدا سوالی از او پرسید که نیازی به پاسخ نداشت

"در برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس این جمله به شکل مثبت ترجمه شده است و بدین صورت نوشته شده که: "به این ساختمان‌های بزرگ نگاه کن عیسی اشاره می‌کند که این ساختمان‌ها کاملاً ویران خواهند شد و هیچ سنگی بر روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند. عیسی در اینجا از زبان تاکید استفاده می‌کند تا نشان بدهد که ساختمان معبد کاملاً ویران خواهد شد. به ابعاد و سنگینی این سنگ‌ها توجه کنید. عیسی با اشاره بر اینکه هیچ کدام از این سنگ‌ها بر دیگری باقی نخواهد ماند به ویرانی کامل و مملو از خشونت معبد در زمان آینده اشاره می‌کند

در اینجا مکث کنید و با گروه ترجمه خود در رابطه با این موضوع تبادل نظر کنید: داستانی را در رابطه با ویران شدن ساختمانی مهم بیان کنید. آیا این ساختمان توسط یک بلای طبیعی ویران شده و یا در طول یک جنگ به این روز افتاده است؟ به لحن بیان فرد در زمان اشاره به ویرانی ساختمان توجه کنید. فردی که این داستان را بیان می‌کند از چه کلماتی برای نشان دادن ویرانی کامل آن استفاده می‌کند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

در داستان‌های پیشین انجیل مرقس، عیسی در رابطه با داوری قوم اسرائیل تعلیم داده بود و در رابطه با درخت انجیری که خشک شده بود صحبت کرد. عیسی در رابطه با صاحب تاکستانی که مستاجران شرور را کشت و آن را به دیگران داد نیز صحبت کرد. تمامی این موارد به داوری اسرائیل اشاره می‌کنند و عیسی در نظر داشت تا شاگردانش به درستی درک کنند که ویرانی معبد نتیجه شورش مردم اسرائیل است.

عیسی به همراه شاگردانش از معبد خارج شده و به سوی دره‌ای رفتند و این همان مکانی بود که کوه زیتون در آن قرار داشت. دلیل نام گذاری این کوه این بود که درختان زیتون بسیاری در دامنه آن وجود داشتند. در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از معبد اورشلیم و دره میان معبد و کوه زیتون را نشان بدهید. همچنین تصویری از معبد را نشان بدهید که از طرف کوه زیتون گرفته شده است تا از این طریق مترجمان بتوانند به درستی درک کنند که عیسی و شاگردانش چه منظره‌ای را مشاهده کرده‌اند. همچنین تصویری از درختان زیتون را نشان بدهید که محصول زیتون بر خود دارند. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

جایی که عیسی و شاگردانش نشسته بودند نزدیک همان جایی بود که شب‌ها را در آنجا سپری می‌کردند. آنها درحقیقت بر روی دامنه کوه و روبروی معبد نشسته بودند و آنها در تمام مدت زمان سپری کردن مسیر خود از اورشلیم به سوی کوه زیتون معبد را می‌دیدند. در این زمان عیسی صحبتی خصوصی با چهار نفر از شاگردانش به نام‌های پطرس، یعقوب، یوحنا و اندریاس داشت. آنها به تنهایی نزد عیسی آمده بودند و در رابطه با سخنان عیسی دو سوال از او پرسیدند. هر دو این سوالات دارای معنای مشابهی بودند و آنها پرسیدند که: "به ما بگو این در چه وقت اتفاق خواهد افتاد؟ و علامت نزدیک بودن وقوع این امور چه خواهد بود؟" شاگردان متوجه شدند که ویران شدن معبد تنها اتفاق بدی نخواهد بود که قرار است اتفاق بیفتد و مشکلات دیگری نیز در آن زمان در جهان روی خواهند داد.

شاگردان از عیسی پرسیدند که چه نشانه و علامتی نزدیک بودن آن زمان را نشان خواهد داد؟ اما منظور از نشانه عمل خاصی از سوی خدا و یا روی دادن اتفاقی غیر عادی است. این نشانه و یا اتفاقی خاص می‌تواند نشان بدهد که قرار است تا اتفاق دیگری در آینده روی بدهد. نشانه به ما هشدار می‌دهد تا برای اتفاقی که قرار است بیفتد خودمان را آماده کنیم. به عنوان مثال، وقتی که شما رعد و برق را در آسمان مشاهده می‌کنید، می‌دانید که قرار است تا چند ثانیه بعد صدای آن را هم بشنوید. شاگردان نیز می‌خواستند بدانند که چه نشانه‌هایی خبر از وقوع اتفاقاتی که عیسی به آنها اشاره می‌کند دارند.

عیسی شاگردانش را نه تنها برای زمان ویرانی معبد، بلکه برای زمان‌های آخر نیز آماده می‌کند. عیسی در اینجا تعلیم طولانی خود را با تکرار عبارتی که بارها آن را تکرار کرده است آغاز می‌کند و می‌گوید: "مواظب باشید". عیسی نمی‌خواست تا شاگردانش فریب چیزی را بخورند که حقیقت ندارد و دروغین است.

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موارد تبادل نظر داشته باشید: داستانی را در آن بیان کنید که فردی به دیگران در رابطه با خطری قریب الوقوع هشدار می‌دهد. این خطر می‌تواند یک توفان و یا یک جنگ باشد. این فرد از چه نوع عبارات و یا کلمات خاصی برای جلب توجه مخاطبان خود استفاده می‌کند. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی به آنها هشدار داد که بسیاری به نام "او" خواهند آمد و این بدان معنی است که این افراد سعی خواهند کرد تا عنوان و اعتباری که متعلق به او است را بر خودشان گیرند. آنها سعی خواهند کرد تا خودشان را به جای عیسی و یا همان "مسیح موعود" جا بزنند. منظور عیسی از اینکه آنها خواهند گفت که: "من او هستم" یعنی اینکه آنها اعلام خواهند کرد که مسیح موعود هستند. کلمه مسیح موعود در این متن کتاب مقدس دیده نمی‌شود اما شما باید آن را در این متن داستان قرار بدهید تا از این طریق نشان بدهید که آن دسته از افراد خودشان را به جای مسیح موعود جا می‌زنند.

همچنین عیسی به شاگردانش یادآوری می‌کند که جنگ‌هایی میان مردمان و مملکت‌ها اتفاق خواهند افتاد، اما این بدان معنی نیست که زمان‌های آخر فرا رسیده است. همچنین بلایای طبیعی مانند زلزله و خشکسالی نیز اتفاق خواهند افتاد. عیسی اشاره می‌کند که این اتفاقات آغاز درد زایمان هستند. عیسی بدین طریق اشاره می‌کند که این رویدادها تنها آغاز یک دوره طولانی جنگ و ویرانی هستند. این دوره از جنگ‌ها و دشواری‌ها در جهان همانند آغاز درد زایمان زنان است و بدین معنی نیست که کودک درون شکم مادر مشکل دارد بلکه تنها به این حقیقت اشاره دارد که پایان جهان به شکل فوری و آنی اتفاق نمی‌افتد.

عیسی از واژه درد زایمان به عنوان مثالی برای بیان این اتفاقات استفاده می‌کند. وقتی که زمان زایمان زنی فرا می‌رسد، درد زایمان او به آرامی فرا می‌رسد و رفته رفته بیشتر می‌شود. سپس ساعت‌ها این درد افزایش می‌یابد تا اینکه فرزندش به دنیا می‌آید. از آنجایی که اکثر افراد در رابطه با درد زایمان اطلاع دارند، در نتیجه عیسی از این تصویر برای اشاره به بلایایی که قرار است به آرامی آغاز شده و رفته رفته شدت یابد استفاده می‌کند. عیسی اشاره می‌کند که اولین بلایا و جنگ‌ها همانند درد آغازین زایمان هستند.

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع تبادل نظر داشته باشید: آیا در فرهنگ شما نکته‌ای را با زایمان یک زن مقایسه می‌کنند؟ شما در چه زمانی و به چه شکلی در رابطه با زایمان یک زن و به دنیا آمدن فرزندی صحبت می‌کنید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 1:13 — 8

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای دو صحنه است

در صحنه اول: در اولین صحنه، عیسی و شاگردانش در حال ترک معبد هستند. شاگردان با دیدن ابعاد و زیبایی ساختمان معبد شگفت‌زده شده‌اند و عیسی به آنها می‌گوید که تمامی این معبد روزی ویران خواهد شد

در صحنه دوم: عیسی مشغول صحبت با چهار نفر از شاگردانش است و در این زمان آنها بر کوه زیتون و در برابر دره‌ای که روبروی معبد اورشلیم است نشسته‌اند و عیسی به شاگردانش توضیح می‌دهد که پیش از اینکه دنیا به آخر برسد چه اتفاقاتی خواهند افتاد

شخصیت‌های این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان (تنها پطرس، اندریاس، یعقوب و یوحنا حضور دارند)
- افراد بسیاری که ادعا می‌کنند که مسیح موعود هستند

به شکل گروهی به این قسمت‌های ساختار داستان توجه کنید: پیش از تصویرسازی داستان، زمانی را برای تصویرسازی ساختمان معبد صرف کنید

در اینجا مکث کنید و تصویری از ساختمان معبد در زمان عیسی را نشان بدهید. به تصویر برخی از سنگ‌هایی که ابعاد بزرگی داشتند و باعث شگفتی مردم می‌شدند نگاهی بیاندازید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: در فرهنگ شما ساختمان‌های بزرگ را چگونه می‌سازند؟ آنها در ساخت چنین ساختمان‌هایی از چه مصالحی استفاده می‌کنند؟ اگر شما از سنگ در ساخت ساختمان‌های خود استفاده نمی‌کنید، آنگاه به چه شکلی می‌توانید ساختمان معبد و سنگ‌های بزرگ موجود در ساختمان آن را به شنوندگان شرح دهید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

در صحنه اول، عیسی و شاگردانش مشغول ترک معبد هستند تا به خانه‌ی دوستان در روستای بیت عنیا در خارج از اورشلیم برگردند. آنها از اورشلیم خارج می‌شوند و به پائین دره می‌روند و سپس به بالای کوه زیتون می‌روند. وقتی که مشغول بالا رفتن از کوه بودند، یکی از شاگردان شروع به صحبت با عیسی می‌کند و او را "ای استاد" خطاب می‌کند و سپس در رابطه با زیبایی‌های ساختمان معبد صحبت می‌کند. در همین زمان عیسی به او می‌گوید "که: "بلی، به این ساختمان‌ها نگاه کن، تمامی آنها کاملاً ویران خواهند شد"

در صحنه دوم، عیسی و شاگردانش به بالای کوه زیتون می‌رسند و در آنجا می‌نشینند. آنها از جایی که نشسته بودند قادر بودند تا معبد را ببینند و در این زمان چهار نفر از شاگردان به شکل خصوصی با او صحبت می‌کردند و این بدان معنی است که دیگر شاگردان قادر به شنیدن سخنان آنها نبودند. به احتمال زیاد دیگر شاگردان نیز در آنجا حضور داشتند اما از عیسی و آن چهار شاگرد دیگر دور بودند

در اینجا مکث کنید و تصویری از کوه زیتون مشرف به دره و ساختمان معبد را نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

آن چهار شاگرد دو سوال با معناهای مشابه از مسیح پرسیدند. این سوالات در حقیقت به سخنانی مربوط بود که عیسی چندی پیش در رابطه با ویرانی ساختمان معبد گفته بود. شاگردان از او پرسیدند که: "چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد؟" و "نشانه‌های این زمان چه چیزهایی خواهند بود؟" شاگردان به دنبال نشانه‌هایی بودند که نشان بدهند که ویرانی معبد فرا خواهد رسید

عیسی شروع به توضیح دادن می‌کند و به آنها در رابطه با آن واقیع هشدار می‌دهد. "هشدار دادن" بدین معنا است که آنها باید "مراقب باشند". سپس عیسی فهرستی از اتفاقاتی که قرار است بیفتند را بیان می‌کند و در رابطه با جنگ‌ها و شایعات مربوط به آنها سخن می‌گوید. همچنین او در رابطه با زمین لرزه‌ها و خشکسالی‌ها نیز صحبت می‌کند و اشاره می‌کند که این رویدادها به آرامی آغاز خواهند شد و به تدریج با تعداد و شدت بیشتری اتفاق خواهند افتاد. عیسی اشاره می‌کند که این رویدادها بدین معنی نیستند که پایان دنیا به سرعت اتفاق خواهد افتاد، بلکه وقوع این اتفاقات نشان می‌دهند که قرار است تا در ادامه اتفاقات بیشتری نیز روی بدهند

سپس عیسی این رویدادها را با درد زایمان مقایسه می‌کند. وقتی که زنی چنین دردی دارد، بدان معنی است که هنوز زمان زیادی برای به دنیا آمدن نوزاد وجود دارد و این دردها معمولاً به آرامی آغاز می‌شوند و در ابتدا دارای شدت کمتری هستند اما وقتی که روند زایمان ادامه می‌یابد، درد زایمان شدت می‌یابد و تا زمان به دنیا آمدن نوزاد این زایمان شدت بیشتری می‌یابد. به همین صورت نیز پیش از پایان جهان اتفاقات بسیار خواهند افتاد

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 1:13 — 8)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند

این داستان دارای دو صحنه است

شخصیت‌های این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان (تنها پطرس، اندریاس، یعقوب و یوحنا حضور دارند)
- افراد بسیاری که ادعا می‌کنند که مسیح موعود هستند

به شکل گروهی به این قسمت‌های داستان توجه کنید

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

در صحنه اول، عیسی و شاگردانش مشغول ترک معبد اورشلیم هستند و این در حالی است که چند لحظه قبل بیوه زنی را دیده بودند که دو سکه به داخل صندوق انداخته بود. یکی از این شاگردان در زمان ترک معبد به عیسی می‌گوید که "ای استاد به این سنگ‌های بزرگ دیوارها نگاه کن." عیسی نیز به او پاسخ می‌دهد که: "آری این ساختمان‌های بزرگ را می‌بینی؟ هیچ سنگی از آنها بر سنگ دیگری باقی نخواهد ماند و همه آنها ویران خواهند شد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "وقتی که عیسی این سخنان را بر زبان آورد چه حسی به آنها دست داد؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "گیج شده‌ایم. چگونه ممکن است که چنین سنگ‌های بزرگی جا به جا شوند؟ از اینکه شاید روزی معبد خراب شود ناراحت هستم، اصلاً منظور عیسی از این سخنان چیست؟ همه مردم این معبد زیبا را تحسین می‌کنند و ما الان با هیچ کشور دیگری در جنگ نیستیم با شنیدن ای سخنان عیسی می‌ترسیم." همچنین از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حسی دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "در رابطه با اتفاقاتی که قرار است تا در آینده اتفاق بیفتند ناراحت هستم. قرار است تا این اتفاقات بیفتند و هنوز مردم سخنان من را به درستی درک نمی‌کنند. سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

در صحنه دوم، عیسی و شاگردانش به خارج اورشلیم می‌روند و از دره مقابل آن عبور کرده و به بالای کوه زیتون می‌رسند. آنها بر دامنه مشرف به سمت معبد اورشلیم می‌نشینند و در این زمان چهار شاگرد او به نام‌های پطرس، یعقوب، یوحنا و اندریاس عیسی را به کناری می‌کشند و از او می‌پرسند به ما بگو که این اتفاقات چه زمانی روی خواهند داد؟ چه علامت‌هایی زمان روی دادن این اتفاقات را به ما نشان خواهند داد؟ **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از این چهار شاگرد بپرسید که: "چه حسی دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "خیلی نگران هستیم، می‌خواهیم تا بدانیم که این اتفاقات چه زمانی روی خواهند داد تا برای آن آمادگی داشته باشیم. و یا "شنیدن چنین چیزهایی سبب می‌شوند تا بترسیم. چگونه ممکن است تا لشکری بتواند این ساختمان را ویران کند؟ سنگ‌های بسیار بزرگی روی دیواره آن قرار دارند و یا می‌دانیم که خدا پیش از این اتفاقات نشانه‌هایی خواهد فرستاد و می‌خواهیم تا از آن نشانه‌ها آگاه شویم." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

عیسی به آنها پاسخ می‌دهد که: "مراقب باشید، افراد بسیاری آمده و اعلام خواهند کرد که مسیح موعود هستند و بسیاری را فریب خواهند داد. اما پایان جهان به شکل فوری و آتی روی نخواهد داد و ملت‌ها با هم جنگ خواهند کرد و یک کشور با کشور دیگری وارد جنگ خواهد شد و زمین لرزه‌هایی روی خواهند داد و خشکسالی اتفاق خواهد افتاد به حدی که مردم غذایی برای خوردن نداشته باشند. اما این تنها آغاز ویرانی و مانند آغاز درد زایمان است و اتفاقات بیشتری روی خواهند داد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش آن چهار شاگرد را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حسی دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "ترسیده و ناراحت هستیم، به نظرمی آید که قرار است تا اتفاقات وحشتناکی بیفتند. از اینکه عیسی در رابطه با معلمین دروغین ما را راهنمایی کرد خوشحال هستیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حسی دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "می‌دانم که هنوز سخنان من را درک نمی‌کنند، الان همه چیز آرام است و آنها هنوز به درستی متوجه نشده‌اند که مسیح موعود قرار است تاجه کاری انجام دهد. من به تعلیم آنها ادامه خواهم داد تا آنها در آینده این تعلیمات را به یاد بیاورند و این اتفاقات را درک کنند." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 13: 1 — 8

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 13: 1 — 8 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

عیسی و شاگردانش **حیات معبد** را ترک کردند. از همان واژه‌ای برای اشاره به معبد و شاگردان استفاده کنید که در داستان‌های پیشین انجیل مرقس استفاده کرده بودند و در فرهنگ لغات نیز موجود می‌باشد

شاگردان عیسی را استاد خطاب می‌کردند. از همان واژه‌ای برای اشاره به استاد استفاده کنید که در داستان‌های پیشین انجیل مرقس استفاده کرده بودند و در فرهنگ لغات نیز موجود می‌باشد.

عیسی پاسخ شاگرد خود را با پرسیدن سوالی داد که نیازی به پاسخ نداشت. شاید در این زمان شما تصمیم بگیرید تا به دلیل راحت تر بودن ترجمه، سوال "را به شکل مثبت بپرسید. عیسی به آن شاگرد گفت که: "به این ساختمان‌ها نگاه کن

عیسی و شاگردانش از میان درّه کوهی که معبد اورشلیم بر آن قرار داشت و کوه زیتون عبور کردند. کوه زیتون در شرق اورشلیم قرار داشت و مشرف بر آن شهر بود. کوه زیتون نام خود را از درختان زیتونی داشت که بر دامنه آن رشد کرده بودند.

در این زمان شاگردان عیسی نشانه‌ای در رابطه با زمان ویران شدن معبد از او خواستند. منظور از نشانه علامتی است که بر اساس آن قرار است تا رویدادی اتفاق بیفتد. نشانه می‌تواند هشداری در رابطه با اتفاقات آینده باشد. از همان واژه‌ای برای اشاره به نشانه استفاده کنید که در داستان‌های پیشین انجیل مرقس استفاده کرده بودید و در فرهنگ لغات نیز موجود می‌باشد.

یکی از نشانه‌هایی که عیسی به آن اشاره کرد این بود که در آن زمان افراد بسیاری به نام من خواهند آمد و خودشان را به جای من معرفی خواهند کرد. عیسی کلمه مسیح موعود را در اینجا بر زبان نیاورد، بلکه وقتی که فردی خودش را به جای عیسی معرفی می‌کند، در حقیقت اشاره می‌کند که من همان مسیح موعود هستم و به همه مردم خودش را همان مسیح موعودی معرفی می‌کند که از جانب خدا فرستاده شده است. اگر در این قسمت تصمیم دارید تا از واژه مسیح موعود استفاده کنید، از همان واژه‌ای استفاده کنید که در داستان‌های پیشین مرقس به کار برده بودید و در فرهنگ لغات نیز موجود می‌باشد. منظور عیسی از بیان اینکه افرادی به نام من خواهند آمد، این است که آنها سعی خواهند داشت با همان قدرت و اختیاری که عیسی دارد خودشان را معرفی کنند.

عیسی اشاره می‌کند که ملتی با ملتی دیگر و پادشاهی با پادشاهی دیگر جنگ خواهد کرد. منظور از ملت قومیت و یا افراد یک کشور هستند. پادشاهی قلمرویی است که فردی بر آن پادشاهی می‌کند. شما در اینجا می‌توانید این جمله را اینگونه ترجمه کنید که مردمی از یک پادشاهی با مردمانی از یک پادشاهی دیگر جنگ خواهند کرد. هر دو واژه ملت و یا پادشاهی در فرهنگ لغات موجود می‌باشند.

مرقس 9:13-23

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 9:13 — 23)

آیات مرقس 9:13 — 23 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 9:13 — 23)

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 9:13 — 23 گوش دهید.

عیسی و شاگردانش بر دامنه کوه زیتون نشسته‌اند و از آنجا می‌توانند ساختمان معبد را مشاهده کنند. عیسی به پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس تعلیم می‌داد که چه اتفاقاتی قرار است تا در آینده بیفتند. در این متن عیسی تعلیم پیشین خود را به این شاگردان ادامه می‌دهد و باید اشاره داشت که این متن در حقیقت به شکل داستانی بیان شده است.

پس از اینکه عیسی در رابطه با رویدادهای آخرالزمان سخن گفت، به شاگردانش هشدار داد تا از خطراتی که در آینده با آنها مواجه خواهند شد برحذر باشند. عیسی بار دیگر اشاره می‌کند که "مواظب باشید". در اینجا مکتب کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موارد تبادیل نظر داشته باشید: داستانی را در رابطه با فردی بیان کنید که سعی دارد تا به مردم روستایی در مورد اتفاق بدی که قرار است به کلمات و جملاتی که در زمان بیان این داستان جهت هشدار به مردم روستا استفاده می‌شود توجه کنید. عیسی در ابتدا و انتهای سخنان خود به آنها می‌گوید که: "مواظب باشید" و آیا شما نیز از چنین واژه‌ای برای هشدار به مردم استفاده می‌کنید؟ ضبط صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی در این سخنان خود بارها از کلماتی مانند "کشاندن" و "بردن" استفاده می‌کند تا از این طریق تأکید کند که شاگردان دستگیر شده و به دادگاه برده خواهند شد. افراد قدرتمند شاگردان را به دلیل پیروی آنها از عیسی و دادن خبر خوش دستگیر خواهند کرد. عیسی اشاره می‌کند که برخی از این افراد قدرتمند عضو همان شوراهای محلی خواهند بود. شوراهای محلی گروه‌های سیاسی هستند که در روستا و یا شهرهای کوچک تشکیل می‌شوند. سپس عیسی اشاره کرد که شاگردان در کنیسه کتک خواهند خورد. کنیسه مکانی بود که یهودیان در روستاها و یا شهرها در آن مکان دعا می‌خواندند. عیسی اشاره می‌کند که حاکمان و پادشاهان آنها را داوری خواهند کرد. در اینجا حاکمان می‌تواند به رهبران محلی رومی اشاره داشته باشد و پادشاهان نیز می‌تواند به پادشاهانی مانند هیروдіس که بر تمامی قوم حکومت می‌کرد اشاره کند. توجه داشته باشید که این مشکلاتی که برای شاگردان پیش خواهند آمد از سوی چهار گروه مختلف شکل خواهند گرفت که عبارتند از: روسای بومی، رهبران مذهبی بومی، حاکمان و یا رهبران مذهبی و پادشاهانی که بر قوم‌ها حکومت می‌کردند.

عیسی در ادامه تعلیمات خود اشاره می‌کند که حاکمان و پادشاهان شاگردان را دستگیر کرده و در دادگاه محاکمه خواهند کرد. اما او در ادامه بیان می‌کند که این دادگاه‌ها در برابر حاکمان فرصتی برای شاگردان هستند تا به مردم در رابطه با نجاتی که عیسی مسیح بر زمین آورد و خبر خوش نجات او بشارت دهند. بدین طریق خبر خوش و یا همان مژده انجیل به همه مردم در سرتاسر جهان موعظه خواهد شد. همچنین عیسی اشاره می‌کند که مژده نجات انجیل در ابتدا باید پیش از به پایان رسیدن این جهان برای تمامی ملت‌ها موعظه شود. یک ملت عبارت از گروهی از مردم است که قلمرو و حاکمیت خود را دارند. اما عیسی در ادامه نیز بیان می‌کند که آنها نباید نگران باشند، زیرا وقتی که دستگیر شوند، روح القدس به شاگردان خواهد گفت که چه باید بگویند. روح القدس همان روح خدا است که در قلب‌های افرادی که از عیسی پیروی می‌کنند حضور دارد. عیسی اشاره می‌کند که روح القدس به این پیروان کمک خواهد کرد تا در زمان بازجویی از سوی رهبران و حاکمان پاسخ آنها را به خوبی بدهند. در اینجا مکث کنید و در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: در اینجا باید برخی از اعضای تیم ترجمه شهادتی را از زمانی که روح القدس به آنها کمک کرده تا سخنان مناسبی بر زبان بیاورند را ارائه دهند. از همان واژه‌ای برای اشاره به روح القدس در زمان ترجمه استفاده کنید که در متن‌های پیشین استفاده کرده بودید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی بیان می‌کند که حتی اعضای خانواده نیز مانند برادران، پدران، و فرزندان ممکن است که در برابر آنها مقاومت کنند و آنها را به ریاسات تسلیم کنند تا کشته شوند. عیسی با اشاره به اعضای خانواده مانند پدران و برادران در حقیقت نشان می‌دهد که حتی مردمی که شما را دوست دارند نیز ممکن است که به شما خیانت کنند. از آنجایی که شاگردان از عیسی مسیح پیروی می‌کنند، مردم از آنها نفرت خواهند داشت، اما شاگردانی که تا زمان مرگ با ایمان و وفاداری از عیسی پیروی کنند نجات خواهند یافت. آنها در پایان این جهان به آسمان رفته و با خدا خواهند بود. در اینجا مکث کنید و در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: تیم ترجمه باید داستان‌هایی در رابطه با افرادی که تحت جفا بوده و یا بخاطر ایمانشان کشته شده‌اند را بیان کنند. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

حال عیسی در ادامه در رابطه با دشواری‌های دیگری که قرار است تا برایشان اتفاق بیفتد سخن می‌گوید. عیسی بیان می‌کند که شرایط به حدی بد خواهد بود که مردم دست به فرار خواهند زد. عیسی در اینجا از واژه‌ای به نام "مکروه ویرانی" استفاده می‌کند. در حقیقت عیسی در اینجا از واژه‌ای استفاده می‌کند که فرشته خداوند در زمان توصیف رویدادهای زمان آینده به دانیال نبی استفاده کرده بود. همچنین در کتاب دانیال نیز بر چیزی اشاره شده است که معبد خدا را ناپاک خواهد کرد. ما اطلاعات زیادی در رابطه با این چیز نداریم و تمامی آنچه که می‌دانیم این است که این چیزی نفرت‌انگیز و شریرانه است که سبب خواهد شد که خدا معبد خود را ترک کند و خدا برای این موضوع قوم اسرائیل را داوری خواهد کرد. خوانندگان اولیه این آیات بر این باور بودند که این اتفاقات به زودی خواهند افتاد. اکثر افراد نیز اعتقاد دارند که این چیز بد فردی خواهد بود که کار بدی را نسبت به و یا در معبد خدا انجام خواهد داد. مرقس در این قسمت از انجیل خود متنی را اضافه می‌کند که می‌گوید: "خواننده بدانند مقصود چیست" و او از این طریق سعی دارد تا به مردم نشان بدهد که منظور عیسی از فرار بسیار جدی است. در اینجا مکث کنید و با گروه ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: "داستانی در رابطه با فردی که در مورد بسیار مهمی هشدار می‌دهد را بیان کنید. در میان این داستان فرد راوی باید مکث کرده و مستقیماً به شنوندگان بگوید که "توجه کنید." سپس ادامه داستان خود را بیان کند. حال به نظر شما واژه "توجه کنید"، چگونه سبب می‌شود تا شنوندگان ادامه داستان را به دقت گوش دهند؟

پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

چند سال بعد افراد مختلفی به معبد خدا در اورشلیم توهین کردند و سپس خدا اجازه داد تا اورشلیم در سال 70 میلادی کاملاً ویران شود. مردم بر این باور بودند که این اتفاق در حقیقت انجام همین نبوت است. اما در آینده نیز اتفاقات مشابه بسیاری افتاد. معمولاً نبوت‌ها اندکی پس از آنکه بیان می‌شدند اتفاق می‌افتادند و گاهی اوقات نیز سالها بعد دوباره آن اتفاقات روی می‌دادند. اما نکته مهمی که باید به یاد داشته باشیم این است که عیسی در اینجا به شاگردانش یادآوری می‌کند که وقتی که خدا اورشلیم و اسرائیل را داوری می‌کند، این بدان معنی نیست که پایان جهان فوراً در آن زمان اتفاق خواهد افتاد و این پایان جهان دارای پروسه‌ای طولانی است.

اورشلیم بر دامنه کوه‌ها و در منطقه یهودا بنا شده است. عیسی اشاره می‌کند که افرادی که در یهودا حضور دارند باید به کوه‌های دیگری که خارج از این منطقه هستند فرار کنند. سپس عیسی مثالی دقیق‌تر از فراری که باید در زمان روی دادن این اتفاق بد در معبد انجام دهند را بیان می‌کند. عیسی اشاره می‌کند که کسی که در پشت بام است باید حتی بدون جمع کردن وسایلش فرار کند. پشت بام خانه‌ها در آن زمان صاف بودند و مردم معمولاً در این پشت بام‌ها دعا می‌خواندند. پله‌کان بیرونی هم وجود داشت که مردم می‌توانستند با استفاده از آنها به راحتی به بالای پشت بام بروند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از خانه‌هایی با پشت بام‌ها صاف و پله‌کان‌های آنها را نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی بیان می‌کند که اگر کسی مشغول کار در مزرعه است، باید فوراً آنجا را ترک کند و حتی نباید برای برداشتن ردا و یا لباسش بازگردد. ردا بخش مهمی از لباس آن زمان بود و شب‌ها در زمانی که هوا سرد بود به جای پتواز آن استفاده می‌کردند و در طول روز نیز وقتی که هوا گرم بود و مشغول کار بودند ردا را در کنار مزرعه می‌گذاشتند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از ردا و لباس آن دوران را به حاضرین نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی در ادامه دو مثال دیگر را نیز بیان می‌کند تا از این طریق نشان بدهد که مردم در آن زمان باید فوراً دست به فرار بزنند.

عیسی دشواری که در آن زمان بسیاری از مردم با آن مواجه خواهند شد را شرح می‌دهد و بیان می‌کند که زنان باردار و زنانی که به فرزندانشان شیر می‌دهند دشواری زیادی متحمل خواهد شد زیرا برای زن باردار فرار با سرعت زیاد کار دشواری است و همچنین زنانی نیز که فرزندان کوچکی دارند نیز به سختی قادر خواهند بود تا با سرعت زیاد فرار کنند. هوای فصل زمستان در اسرائیل بسیار سرد است و بارندگی بسیاری در آن فصل وجود دارد گاهی اوقات در کوه‌ها برف می‌باشد و رودخانه‌هایی که در تابستان خشک بودند در طول فصل زمستان پر از آب می‌شوند و در نتیجه فرار کردن و عبور از عرض رودخانه‌ها در فصل زمستان کار دشواری است. وقتی که باران می‌بارد رودخانه‌ها سریع پر از آب می‌شوند و گاهی اوقات مردم اصلاً اطلاع ندارند که در بیابان باران باریده و آب بسیاری وارد رودخانه شده و به سوی آنها در جریان است و در زمانی که آنها مشغول عبور از عرض رودخانه هستند گرفتار سیل می‌شوند. در اینجا مکث کنید و داستان‌هایی را با تیم ترجمه در میان بگذارید. به آنها در رابطه با زمانی که مجبور بودید تا از دست توفانی سهمگین و یا آتش و یا سیلی عظیم فرار کنید توضیح بدهید. به آنها شرح بدهید که فراری سریع بدون جمع کردن وسایل و از دست دادن آنچه که در طول سال‌ها جمع کرده بودید چه حسی دارد. در رابطه با افرادی صحبت کنید که با دشواری بسیاری در این زمان‌ها مواجه شده‌اند. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی اشاره می‌کند که این روزها بسیار دشوار خواهند بود و افراد بسیاری کشته خواهند شد. اما خدا این دوره رنج و سختی را کوتاه خواهد کرد تا برخی از مردم نجات یابند. مردمی که نجات می‌یابند از سوی خدا انتخاب شده‌اند. خدا پر از رحمت است و برخی از این توصیفات عیسی شبیه توصیفات آخرالزمانی هستند که در کتاب دانیال نبی بیان شده‌اند. عیسی از دو عنوان برای اشاره به خدا استفاده می‌کند و او را خدا و سپس خداوند می‌خواند. اما توجه داشته باشید که هر دو این کلمات به خدا اشاره دارند. اینها همان کلماتی هستند که شما برای اشاره به خدا استفاده کرده‌اید و در این زمان خداوند همان خدا است.

سپس عیسی به پیروانش هشدار می‌دهد و می‌گوید: "پس اگر کسی به شما بگوید: نگاه کن مسیح اینجا و یا آنجاست! باور نکنید." عیسی اشاره می‌کند که انبیای دروغین افرادی که خودشان را مسیح معرفی می‌کنند خواهند آمد و معجزاتی را انجام خواهند داد تا از این طریق حتی ایمانداران را فریب دهند تا به جای ایمان به خدا و مسیح حقیقی، به آنها ایمان داشته باشند. این انبیای دروغین و افرادی که به دروغ خودشان را مسیح معرفی می‌کنند نشانه‌ها و اعمال شگفت انگیزی انجام خواهند داد تا از این طریق مردم را فریب دهند. نشانه به ما خبر از وقوع اتفاقی می‌دهد و کارهای شگفت انگیز مانند معجزه اعمالی هستند که افراد عادی قادر به انجام آنها نیستند.

نهایتاً عیسی به سوالی که شاگردانش در متن قبلی پرسیده بودند که: "این اتفاقات چه زمانی روی خواهند داد و نشانه وقوع آنها چه مواردی هستند؟" پاسخ می‌دهد و آن نشانه‌ها را شرح می‌دهد. حال عیسی بیان می‌کند که: "مواظب خودتان باشید من شما را از همه این چیزها قبلاً باخبر کرده‌ام." در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع گفتگو کنید: آیا در فرهنگ شما داستانی در رابطه با آخرالزمان وجود دارد؟ نمونه‌هایی از این داستان‌ها را با هم در میان بگذارید. مردم در رابطه با این داستان‌ها چه احساسی دارند؟

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 13:9 — 23

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای دو صحنه است

صحنه اول: عیسی به تعلیم شاگردان ادامه می‌دهد و به آنها می‌گوید که آگاه باشند که اتفاق بدی روی خواهند داد و آنها دستگیر شده و با ناعدالتی با آنها رفتار خواهد شد. عیسی همچنین به آنان هشدار می‌دهد که همه مردم از آنان نفرت خواهند داشت

صحنه دوم: در این صحنه شاهد بخش دوم تعلیمات مسیح هستیم که در آن عیسی از چیز نفرت انگیزی صحبت می‌کند که سبب خواهد شد تا خدا معبد را ترک کند و در آن زمان ایمانداران فرار کرده و زندگی بسیار دشوار خواهد شد. افرادی که به دروغ خودشان را مسیح موعود معرفی می‌کنند و انبیای دروغین نیز سعی خواهند کرد تا مردم را فریب دهند

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان (البته پطرس، یعقوب، یوحنا و اندریاس به شکل خصوصی با عیسی صحبت می‌کردند)
- حکمرانانی که پیروان عیسی را دستگیر کرده، کتک زده و می‌کشند
- خانواده‌هایی که به اعضای خانواده خود خیانت می‌کنند
- افرادی که از یهودیه به کوه‌ها فرار می‌کنند
- افراد بسیاری که به دروغ ادعا می‌کنند که مسیح هستند

به شکل گروهی به این قسمت‌های داستان توجه کنید

در صحنه اول عیسی و چهار نفر از شاگردانش بر دامنه کوه زیتون نشسته و مشغول صحبت هستند و دیگر شاگردان نیز در نزدیکی آنها حضور دارند اما آنقدر نزدیک نیستند که سخنان عیسی با دیگر شاگردان را بشنوند. شاگردان در داستان پیشین از عیسی پرسیده بودند که: "این ویرانی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ و چه نشانه‌های به ما از وقوع این ویرانی هشدار خواهند داد؟" عیسی در این بخش مشغول پاسخ به این سوال است.

عیسی در ابتدای این بخش از انجیل مرقس گفت: "مواظب باشید." و ادامه می‌دهد که گروه‌های مختلفی از مردم با پیروان او رفتار بدی خواهند داشت و آنها را به دادگاه‌های محلی خواهند برد. و رهبران مذهبی محلی آنان را در کنیسه کتک خواهند زد. حکمرانان و پادشاهان دادگاه‌های ناعادلانه‌ای برگزار خواهند کرد و سپس برادران، پدران، و فرزندان نیز به اعضای خانواده خود که پیرو مسیح هستند خیانت خواهند کرد و آنان را به حکمرانی تسلیم خواهند کرد تا بکشند.

عیسی اشاره می‌کند که این دادگاه‌ها فرصتی برای ایمانداران خواهند بود تا مژده نجات انجیل در رابطه با عیسی مسیح را به حکمرانان بشارت دهند. ایمانداران باید خبر خوش نجات را پیش از پایان جهان به تمامی ملت‌ها و مردم بشارت دهند. باید به یاد داشته باشید که عیسی اشاره می‌کند که در آن زمان نباید نگران باشند که چه چیزی بگویند زیرا این روح القدس است که به جای آنها سخن خواهد گفت.

عیسی اشاره می‌کند که همه از ایمانداران به دلیل پیروی آنها از او نفرت خواهند داشت و در پایان تمامی ایمانداران نجات خواهند یافت. این بدان معنی است که آنها تا به ابد با خدا در آسمان زندگی خواهند کرد زیرا تا به زمان مرگ خود نسبت به پیرویشان از عیسی مسیح وفادار ماندند.

در صحنه دوم عیسی یک چیز ناپاک و نفرت‌انگیز را توصیف می‌کند که سبب ویرانی می‌شود و در آن زمان حضور خدا معبد را ترک می‌کند. این چیز نفرت‌انگیز احتمالاً به مانند انسانی است که در معبد می‌ایستد و اعمال ممنوع شده‌ای را در آنجا انجام می‌داد. مرقس در اینجا با جمله‌ای خاص به خوانندگان اشاره می‌کند که "خواننده بدانند مقصود چیست." سپس عیسی اشاره می‌کند که آنانی که در یهودیه (منطقه اطراف اورشلیم) هستند باید به کوه‌ها فرار کنند. فردی که در بالای پشت بام است باید بدون برداشتن وسایلش فرار کند و فردی که در مزرعه است باید حتی بدون برداشتن ردایش که احتمالاً در کنار مزرعه قرار داده است فرار کند. این دوران برای زنان باردار و زنانی که به فرزندانشان شیر می‌دهند بسیار دشوار خواهد بود. عیسی بیان می‌کند که "دعا کنید" (یعنی با خدا حرف بزنید) و از او بخواهید تا این اتفاقات در زمستان روی ندهند زیرا که آب و هوا در فصل زمستان بسیار بد و سرد است. عیسی بیان می‌کند که ای روزها بیش از هر روز دیگری در خلقت دشوار خواهند بود، اما خدا این زمان‌های درد و سختی را کوتاه خواهد نمود تا همه مردم کشته نشوند. عیسی اشاره می‌کند که خدا این کار را برای افرادی که انتخاب کرده و از او پیروی می‌کنند انجام می‌دهد.

همچنین او در ادامه بیان می‌کند که "فریب کسی که خودش را مسیح موعود معرفی می‌کند نخورید." انبیای دروغین و افرادی که به دروغ خودشان را مسیح معرفی می‌کنند نزد شما خواهند آمد و معجزاتی انجام خواهند داد تا از این طریق شما را فریب دهند.

عیسی در پایان نیز بیان می‌کند که "مواظب خودتان باشید من شما را از همه این چیزها قبلاً باخبر کرده‌ام." درحقیقت عیسی در اینجا پاسخ سوال شاگردان را داد که در متن پیشین از او پرسیده بودند که: "این ویرانی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ و چه نشانه‌های به ما از وقوع این ویرانی هشدار خواهند داد؟"

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 13:9 — 23)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای دو صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان (البته پطرس، یعقوب، یوحنا و اندریاس به شکل خصوصی با عیسی صحبت می‌کردند)
- حکمرانانی که پیروان عیسی را دستگیر کرده، کتک زده و می‌کشند
- خانواده‌هایی که به اعضای خانواده خود خیانت می‌کنند
- افرادی که از یهودیه به کوه‌ها فرار می‌کنند
- افراد بسیاری که به دروغ ادعا می‌کنند که مسیح هستند

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند.

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند.

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم.

در صحنه اول عیسی تعلیم خود به چهار نفر از شاگردان نزدیکش را بر دامنه کوه زیتون ادامه می‌دهد و می‌گوید: "مواظب باشید." مردم شما را به حکمرانان تسلیم خواهند کرد و آنها شما را در کنیسه‌ها کتک خواهند زد. شما در برابر حاکمان و پادشاهان به دادگاه برده خواهید شد، اما شما در این زمان فرصت خواهید داشت تا خبر خوش نجات من را با دیگران در میان بگذارید. در ابتدا باید این خبر خوش با تمامی امت‌ها در میان گذاشته شود، وقتی که شما دستگیر می‌شوید، و یا به دادگاه برده می‌شوید، نگران نباشید که چه باید بگویید و تنها آنچه را که خدا به شما می‌گوید را بر زبان بیاورید زیرا این روح القدس است که به شما می‌گوید که چه باید بگویید. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که "چه حسی دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "ترسیده‌ایم، به نظر اتفاقات بسیار بدی خواهند افتاد"، و یا "نگران هستیم که مبادا در زمان دستگیری حرف اشتباهی بزنیم، اما به نظر می‌رسد که روح القدس در این زمان به ما کمک خواهد کرد و در نتیجه کمی احساس آرامش می‌کنیم و یا "خوشحال هستیم که همه امت‌ها خبر خوش نجات خداوند را خواهند شنید." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که "چه حسی دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "شاگردان به من گوش می‌دهند و سعی می‌کنند تا سخنان من را درک کنند. می‌دانم که الان به درستی نمی‌توانند این سخنان را درک کنند، اما در زمانی که این اتفاقات روی دهند امیدوارم که این تعلیمات را به یاد بیاورند و احساس آرامش کنند." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید.

عیسی به تعلیماتش ادامه می‌دهد و به شاگردان می‌گوید: "برادر، برادر را تسلیم مرگ خواهد کرد و پدر، فرزند را. فرزندان علیه والدین خود طغیان خواهند کرد و آنان را به کشتن خواهند داد. همه مردم به خاطر اینکه نام من بر شماست، از شما روی گردان خواهند شد. اما هر که تا به آخر پایدار بماند نجات خواهد یافت." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "وقتی که فکر می‌کنیم که اعضای خانواده‌مان با ما چنین کاری خواهند کرد ناراحت می‌شویم" و یا "نگران اعضای خانواده‌مان هستیم" و یا "با شنیدن این سخنان گیج شده‌ایم و نمی‌توانیم تصور کنیم که چنین اتفاقات وحشتناکی روی خواهند داد." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید.

در صحنه دوم مرقس که این انجیل را نوشته نکته‌ای را اضافه می‌کند و می‌گوید: "خواننده بداند مقصود چیست." سپس عیسی به سخنان خود ادامه می‌دهد و به شاگردانش می‌گوید: "روزی شما آن مکروه ویرانی را در جایی که نباید باشد، مستقر خواهید دید و در آن زمان کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند و اگر کسی در پشت بام خانه است، نباید برای بردن چیزی پایین بیاید و وارد خانه شود و اگر در مزرعه است، نباید برای برداشتن لباس برگردد. آن روزها برای زن‌های آبستن و یا شیرده وحشتناک خواهد بود! و آن روزها آن چنان دشوار خواهند بود که از زمان خلقت هرگز چنین نبوده است و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ جاندار، جان سالم بدر نمی‌برد. اما خدا به خاطر برگزیدگان خود که از او اطاعت می‌کنند آن روزها را کوتاه کرده است." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که "چه حسی دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که "با شنیدن این سخنان بسیار ناراحت می‌شویم، به نظر می‌رسد که اتفاقات بسیار بدی روی خواهند داد" و یا "نگران اعضای خانواده و دوستان خود هستیم، اما خوب است که در آن دوران پایان جهان ما با خدا خواهیم بود." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید.

عیسی به تعلیم خود ادامه می‌دهد و می‌گوید "اگر کسی بگوید که نگاه کنید مسیح اینجا و یا آنجا است، حرفش را باور نکنید. افرادی به دروغ آمده خودشان را مسیح معرفی خواهند کرد و معجزاتی انجام خواهند داد تا بتوانند از این طریق ایمانداران به خدا را که انتخاب شده‌اند تا از او پیروی کنند فریب دهند مراقب باشید، من در رابطه با همه این اتفاقات به شما هشدار دادم" **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حسی دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "انبیای دروغین سبب عصبانیت ما می‌شوند، آنها با چه جراتی می‌خواهند تا مردم را فریب دهند" و یا "می‌ترسیم که مبادا ما نیز فریب بخوریم. باید مراقب باشیم و سخنان عیسی را به انجام برسانیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حسی دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "آنها به خوبی به سخنان من گوش می‌دهند. فکر می‌کنم که آنها حالا به خوبی سخنان من را درک می‌کنند، البته امیدوارم که اینطور باشد." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید.

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 9:13 — 23

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 9:13 — 23 گوش دهید.

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند.

عیسی هنوز بر دامنه کوه زیتون نشسته و مشغول تعلیم پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس است.

عیسی به شاگردانش می‌گوید که آنها را برای محاکمه به شوراهای خواهند کشید. در هر کدام از شهرها و یا روستاهای اسرائیل رهبران یهودی وجود داشتند که کار قضاوت را بر عهده داشتند.

مردم پیروان عیسی را مرتب در کنیسه‌ها کتک و یا شلاق می‌زدند. این شلاق‌ها تسمه‌هایی چرمی بودند که تکه‌های تیز فلزی بر آنها نصب شده بود و مردم ایمانداران را از کمر و سینه شلاق می‌زدند.

واژه **کنیسه** را به همان طریقی که در متن‌های پیشین انجیل مرقس ترجمه کرده بودید بکار ببرید و می‌توانید برای یافتن معنای آن به فرهنگ لغات مراجعه نمایید.

عیسی اشاره کرده است که پیروان او در برابر **حکمرانان و پادشاهان** خواهند ایستاد. **حکمرانان** از سوی یک پادشاه و یا رئیس منطقه‌ای جهت حکمرانی بر منطقه‌ای خاص تعیین می‌شوند. **پادشاهان** حاکمان یک کشور و یا یک منطقه هستند.

انجیل، و یا همان **خبر خوش** باید پیش از به انتها آمدن جهان به تمامی **ملت‌ها** موعظه شود. این **خبر خوش** این است که عیسی بر زمین آمد، به جهت گناهان ما گشته شد، و از مردگان قیام کرد. این همان خبر خوش نجات است و می‌توانید معنای واژه **ملت‌ها** را در فرهنگ لغات بیابید.

عیسی اشاره کرد که نباید نگران باشند که در زمان دستگیری چه حرفی بزنند، زیرا **روح القدس** به جای آنها صحبت خواهد کرد. واژه **روح القدس** را همانطور که در متن‌های پیشین ترجمه کرده بودید ترجمه کنید و می‌توانید برای یافتن معنای آن به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

عیسی اشاره می‌کند که اتفاقات بدی برای آنها خواهد افتاد و **برادر به برادر خیانت خواهد کرد**. اگر در زبانی که ترجمه می‌کنید باید حتماً به برادر بزرگتر و کوچکتر نیز اشاره کنید، آنگاه می‌توانید از واژه **کلی برادر** و یا **خواهر** برای اشاره به آن استفاده کنید.

عیسی در ادامه بیان می‌کند که وقتی که به شما خیانت شد و مردم از شما نفرت پیدا کردند، هرکسی که به او ایمان داشته باشد و بر او وفادار بماند، **نجات** خواهد یافت و این بدان معنا است که آنها تا به ابد با خدا ساکن خواهند شد. برای یافتن معنای نجات یافتن می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

عیسی اشاره می‌کند که روزی آن **مکروه ویرانی** و یا همان **چیز نامقدسی که موجب ویرانی می‌شود**، آمده و باعث ویرانی و درد در جهان خواهد شد. این چیز وحشتناک سبب خواهد شد تا حضور خدا معبد را ترک کند و خدا زمین را دوری خواهد کرد. در زبان یونانی این واژه به معنای "چیزی که مکروه و بد است و سبب ترس می‌شود" می‌باشد. تیم ترجمه شما می‌تواند این واژه را به شکل "چیز نفرت انگیزی که باعث ویرانی و ترس می‌شود" ترجمه کند.

عیسی بیان می‌کند که مردم در **یهودیه** باید به دیگر کوه‌ها فرار کنند. **یهودیه** منطقه‌ای در اورشلیم است و یکی از مناطقی است که خدا آن را به یکی از دوازده سبط اسرائیل، یعنی سبط یهودا، در زمان خروج آنها از مصر و ورودشان به سرزمین کنعان بخشید. عیسی درحقیقت می‌گوید که مردم باید از کشور خود فرار کرده و به مناطق دیگری بروند.

سپس عیسی ادامه می‌دهد و می‌گوید فردی که در مزرعه مشغول کار است باید همان موقع مزرعه را ترک کند و حتی برای برداشتن ردا و یا لباسش هم بازنگردد.

در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از ردا را نشان بدهید و به یاد داشته باشید که می‌توانید معنای آن را در فرهنگ لغات بیابید.

عیسی به آنها می‌گوید تا **دعا** کنند که این روزهای دشوار در فصل **زمستان** نباشند. دعا در عهد جدید به ارتباط با خدا اشاره دارد. اطمینان حاصل کنید که کلمه‌ای که در اینجا برای اشاره به دعا استفاده می‌کنید به ارتباطی شخصی با خدا اشاره داشته باشد.

زمستان ممکن است در فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی داشته باشد. شاید لازم تا آن را به عنوان فصل‌های بارانی، و یا فصل‌هایی که آب و هوای بدی دارند، ترجمه کنید.

«سپس عیسی اشاره می‌کند که **خداوند (و یا همان خدا)**، این زمان سختی را و دشواری را کوتاه خواهد کرد. او ساعات شبانه روز را کوتاه خواهد کرد بلکه تعداد روزها و ماه‌های سال را کوتاه خواهد نمود. واژه‌های خدا و خداوند در فرهنگ لغات اشاره شده‌اند.

خدا تعداد روزهای این فلاکت را کوتاه خواهد کرد تا همه مردم به دلیل آن روزهای دشوار کشته نشوند تا افرادی که او **انتخاب** کرده است زنده بمانند. واژه انتخاب به معنای افرادی است که خدا برگزیده است و پیرو مسیح می‌باشند.

برخی از افراد آمده و خواهند گفت که آنها **مسیح** و یا **همان مسیح** موعود هستند. به یاد داشته باشید که این واژه را باید به همان طریقی ترجمه کنید که در متن‌های پیشین ترجمه کرده بودید. می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر در این رابطه به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

انبیای **دروغین** آمده و **نشانه‌ها و اعمال** عجیبی انجام خواهند داد تا از این طریق مردم را فریب دهند و ادعا کنند که از سوی خدا آمده‌اند. از همان واژه‌ای برای اشاره به انبیا استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

نشانه‌ها و اعمال شگفت انگیز اعمالی هستند که نشان می‌دهند که امری حقیقت دارد و یا اتفاق خواهد افتاد. نشانه می‌تواند هشدار دهنده نیز باشد. اعمال شگفت انگیز و یا معجزات به کاری ماورای طبیعی و یا معجزات اشاره دارند و می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

مرقس 31-13:24

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 13: 24 — 31)

آیات مرقس 13:24 — 31 را بشنویید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 13:24 — 31)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 13:24-31 گوش دهید.

در متن پیشین کتاب مقدس عیسی به شاگردانش در رابطه با زمان‌های دشواری که پیروانش با آنها مواجه خواهند شد تعلیم داد و در این قسمت نیز او هنوز در کنار شاگردانش نشسته و دیگر شاگردان با فاصله کمی دورتر از آنها بر دامنه کوه زیتون حضور دارند. عیسی در این قسمت تعلیم خود را به شکل شاعرانه آغاز می‌کند و در انتها نیز دوباره در رابطه با رویدادهای آینده با شاگردان تعلیم می‌دهد.

در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از دامنه کوه زیتون را نشان بدهید و در ادامه با هم در مورد نحوه نشان دادن نگرانی مردم در رابطه با درد و رنجی که قرار است اتفاق بیفتد با هم تبادل نظر کنید. عیسی در اینجا به همان رنج و دشواری اشاره می‌کند که در متن پیشین توضیح داده بود. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

در متن پیشین و با بخش‌های قبلی این تعلیم، عیسی به آن چیز نفرت انگیزی که سبب ویرانی و ترک جلال خدا از معبد می‌شود اشاره می‌کند. حال عیسی در رابطه با روزهای دشوار رنج و سختی و عذاب صحبت می‌کند. ما نمی‌دانیم که این دوران چقدر طول خواهد کشید، در نتیجه در این بخش از کتاب مقدس عیسی اشاره می‌کند که مدتی پس از این روزهای عذاب و دشواری، هرج و مرج بسیاری در آسمان اتفاق خواهد افتاد. عیسی در اینجا به سه مورد مهم در آسمان اشاره می‌کند که عبارتند از: خورشید، ماه و ستارگان.

عیسی در اینجا اشاره می‌کند که چطور هرکدام از این عناصر تیره شده و نور خود را در آسمان از دست خواهند داد. سپس عیسی به طور خلاصه بیان می‌کند که: "نیروهای آسمان، خورشید و ماه و ستارگان، به لرزه درخواهند آمد." انبیایی همانند یونیل در عهد عتیق اشاره کرده‌اند که خورشید، ماه و ستارگان نور خود را از دست خواهند داد و در نبوت‌های عهد عتیق این اتفاقات در آسمان نشانه‌ای از اعمال خدا هستند.

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: شما در فرهنگ خود در رابطه با نبوت‌ها و یا پیشگویی‌های موجود در مذهب خود و یا در رابطه با تعلیمات مذهبی در این زمینه چه نظری دارید؟ داستانی در رابطه با پیشگویی در این زمینه را بیان کنید. به دقت به زبان فردی که داستان را بیان می‌کند توجه کنید و به نظر شما آیا وقتی که او در رابطه با نبوت‌ها و پیشگویی‌ها در زمان آینده صحبت می‌کند، زبان گفتاری‌اش تغییر می‌کند یا خیر؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

سپس عیسی در رابطه با پسر انسان توضیح می‌دهد. او گاهی اوقات در انجیل مرقس به خودش با همین واژه "پسر انسان" اشاره می‌کرد. این واژه به خوانندگان انجیل مرقس فصل هفتم کتاب دانیال نبی را یادآوری می‌کند که در آن فردی مانند پسر انسان به تخت خدا برده شده و به او قدرت و جلال و حاکمیت بر تمامی ملت‌های جهان داده می‌شود. اما عیسی در اینجا اشاره می‌کند که خودش پسر انسان است و با قدرت و جلال باز خواهد گشت. این تفاوت در این است که در این متن پسر انسان خدا نیست، بلکه همانند خدا بر زمین می‌آید. این پسر انسان فرشتگانی را خواهد فرستاد تا پیروانش را از تمامی جهان و دور دست‌های جهان جمع کنند. به عبارت دیگر هیچ کس قادر نخواهد بود تا از پسر انسان پنهان شود. فرشتگان موجوداتی ماورای طبیعی هستند که خدا را به شکل‌های مختلفی خدمت می‌کنند. جلال به معنای هیبت شگفت انگیز خدا است. تنها خدا است که "با جلال می‌آید." مخاطبان عیسی متوجه خواهند شد که این برگزیدگان از یهودیان پراکنده و مردمانی از سرزمین‌های دور دست و تمامی جهان می‌باشند و آنها همچنین درک خواهند کرد که عیسی پسر انسان را به عنوان فردی که خود خدا بود توصیف می‌کند.

در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود نقشه جهان را که اورشلیم و یا اسرائیل در میان آن قرار دارند را نشان بدهید. از آنها بخواهید تا به مکان‌های دور دست جهان بر روی نقشه اشاره کنند.

پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

به یاد داشته باشید که عیسی در این زمان به همراه شاگردانش بر دامنه کوه زیتون نشسته بود و حال او به شکل بسیار کامل‌تری به سوال اولیه آنها در ابتدای مکالمه خود از عیسی پرسیده بودند پاسخ می‌دهد: آنها از عیسی پرسیده بودند که "این اتفاقات (یعنی ویران شدن معبد و دیگر اتفاقات وحشتناک) چه زمانی روی خواهند داد؟ عیسی به شاگردانش می‌گوید که تا از رشد درخت انجیر درسی بیاموزند. درخت انجیر درختی بسیار معمولی است که در همه جای اسرائیل وجود دارد و عیسی برای این مثال خود از این درختی که محصول به بار می‌آورد مثالی می‌زند. در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از درخت انجیر و به همراه برگ‌ها و میوه‌هایش را نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

درخت انجیر درختی است که در فصل سرما برگ‌های خود را از دست می‌دهد و وقتی که شاخه‌هایش نرم شده و برگ‌های کوچکی بر آن شروع به جوانه زدن می‌کنند، حکایت از این دارد که به زودی میوه خواهد آورد. وقتی که برگ‌های درخت انجیر بر آن شروع به جوانه زدن کنند، نشان می‌دهند که فصل سرما رو به پایان است. درخت انجیر مقایسه‌ای از نشانه‌هایی است که حاکی از بروز آخرالزمان هستند. در اینجا مکث کنید و در رابطه با تغییرات آب و هوایی در کشور خود با هم تبادل نظر داشته باشید. چه نشانه‌هایی حاکی از تغییر فصل هستند؟ در کشور شما چه زمانی متوجه می‌شوید که فصل آماده کرده زمین و کشاورزی است؟ شما از کجا می‌دانید که زمان رسیدن میوه و یا انگور فرا رسیده است؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی اشاره می‌کند که "به همین طریق نیز این اتفاقات و یا دشواری‌ها اتفاق بیفتند، حکایت از بروز آخرالزمان و بازگشت مسیح دارند. همانند درخت انجیری که شکوفه زدنش نشانه‌ای است، وقتی که این رویدادهای دشوار آمدن آن مکروه ویرانی اتفاق بیفتند، و پیروان مسیح دستگیر شوند، نشانه‌ای از وقوع آخرالزمان هستند. بازگشت مسیح نزدیک است و واژه "در آستانه در" تصویری از نزدیک بودن این اتفاقات می‌باشد. وقتی که فردی در آستانه در است، متوجه می‌شویم که او بزودی داخل خانه خواهد شد. در اینجا مکث کنید و داستانی در رابطه با فردی که قرار است به زودی نزد شما بیاید و او را ملاقات کنید را بیان کنید. در این داستان باید مکان‌های مختلفی که او سفر می‌کند را نیز بیان کنید. وقتی که او به آستانه در می‌رسد و آماده است تا وارد خانه شود، می‌توانید مکث کنید و حال باید با استفاده از کلماتی نمادین و تصویری شرح دهید که او چه مسیر طولانی را پیمود تا به شما برسد. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

ترجمه این متن از کتاب مقدس کار دشواری است، زیرا نمی‌دانیم که وقتی عیسی به "این چیزها" در آیه 29 صحبت می‌کند، دقیقاً در رابطه با چه مواردی سخن می‌گوید ممکن است که او به آن مکروه ویرانی اشاره داشته باشد که موجب خرابی و ویرانی می‌شود و یا ممکن است که در رابطه با تیره شدن خورشید و ماه و ستارگان سخن بگوید. اما می‌دانیم که آن مکروه ویرانی سبب ویرانی و خرابی می‌شود و پیروان عیسی نیز پیش از به پایان رسیدن این جهان دستگیر خواهند شد. پس از این زمان دشوار، خورشید و ماه و ستارگان پیش از بازگشت دوباره مسیح و جمع کردن پیروانش و نجات آنان از این ویرانی نور خود را از دست خواهند داد.

عیسی از مردم می‌خواهد تا به دقت گوش دهند و اشاره می‌کند که: "من حقیقت را به شما می‌گویم" و یقین بدانید قبل از اینکه زندگی این نسل به سر آید همه این امور اتفاق خواهد افتاد. ما در اینجا نمی‌دانیم که منظور عیسی از اشاره به "همه این امور" چیست، اما اکثر محققان بر این باور هستند که منظور عیسی این است که آن مکروه ویرانی که موجب خرابی و ویرانی می‌شود، در طول حیات شاگردان اتفاق خواهد افتاد. اتفاقی وحشتناک در سال 70 میلادی و در طول حیات شاگردان افتاد و در طی آن معبد کاملاً ویران شد و این درحالی بود که دنیا به آخر نرسید و مسیح دوباره بر زمین بازنگشت می‌دانیم که به پایان رسیدن جهان هنوز زمانی باقی مانده و احتمالاً آن مکروه ویرانی که موجب خرابی و ویرانی شد بار دیگر خواهد آمد. معمولاً نبوت‌ها مدت زمان اندکی پس از نبوت اتفاق می‌افتادند، و سپس دوباره پس از مدتی در تاریخ دوباره تکرار می‌شدند.

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابط با این مورد صحبت کنید: شما در مذهب و یا تعلیمات روحانی خود به چه طریقی و چگونه در رابطه با نبوت‌ها سخن می‌گویید؟ داستانی را به همراه مثالی از یک نبوت در آن بیان کنید که همه با آن آشنا باشند و این داستان می‌تواند هم داستانی مسیحی و هم داستانی غیر مسیحی باشد. شما برای بیان این داستان از چه نوع شکل زبانی استفاده می‌کنید؟

مردم چگونه متوجه این نبوت‌ها می‌شوند و آیا به نظرشان این نبوت‌ها سریعاً اتفاق می‌افتند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

انبیای عهد عتیق اشاره کرده‌اند که آسمان و زمین نابود خواهند شد، اما سخنان خداوند هرگز از بین نخواهند رفت. این بدان معنی است که همه انسان‌های روی زمین روزی نابود خواهند شد، اما سخنان عیسی مسیح و آنچه که او تعلیم داد هرگز از بین نخواهند رفت. عیسی بار دیگر نشان می‌دهد که همان نجات دهنده موعود و یا همان مسیح موعود است.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 13: 24 — 31

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای دو صحنه است.

در صحنه اول: ** عیسی بر دامنه کوه زیتون به تعلیم چهار شاگردش ادامه می‌دهد و به شاگردانش توضیح می‌دهد که چگونه خورشید و ماه و ستارگان ** در ادامه تاریک شده و دیگر نوری نخواهند داشت. او اشاره می‌کند که وقتی این اتفاقات روی دهند، پسر انسان، یعنی همان عیسی مسیح، با قدرت و جلال بر زمین خواهد آمد و مردم منتخب خود را از سرتاسر زمین جمع خواهد کرد.

در صحنه دوم: عیسی به شاگردانش درسی را از درخت انجیر تعلیم می‌دهد و ما می‌دانیم که در زمان شکوفه دادن درخت انجیر دیگر آب و هوا سرد از میان رفته و هوا گرم‌تر شده است. همچنین می‌دانیم که وقتی که اتفاقات خاصی روی بدهند، نشانی از این حقیقت هستند که آخر زمان نزدیک است و دنیا رو به پایان است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان (پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس به تنهایی مشغول صحبت با عیسی هستند)
- افراد منتخب
- فرشتگان

به شکل گروهی به این بخش‌های ساختار متن توجه کنید و آنها را مورد بررسی قرار دهید: وقتی که شما صحنه اول را آغاز می‌کنید، و به پیشگویی که مسیح در رابطه با تیره شدن خورشید و ماه و ستارگان می‌پردازید، باید تصمیم بگیرید که آیا این بخش را به مانند بخشی شعرگونه اجرا کنید، و یا متن را به صورت ساده بیان کنید. در اکثر ترجمه‌های کتاب مقدس این بخش به صورت شعرگونه ترجمه شده است و این درحالی است که برخی دیگر از ترجمه‌ها نیز وجود دارند که متن را به صورت معمولی و ساده ترجمه کرده‌اند اما توجه داشته باشید که تمامی این ترجمه‌ها به نحوی بر این جملات تاکید دارند که به خوبی نشان بدهند اینها جملاتی نبوتی هستند و عیسی در رابطه با وقایع آینده صحبت می‌کند. عیسی در اینجا دو جمله بیان می‌کند که به صورت علت و معلول هستند و یا اینگونه بیان می‌شوند که بخش دوم به دلیل روی دادن بخش اول اتفاق افتاده است. ماه نور خود را از خورشید دریافت می‌کند و بنابر این اگر خورشید تیره شود، ماه نیز تیره و تاریک خواهد شد. اگر ستارگان از آسمان سقوط کنند، آنگاه همه چیز در آسمان به لرزه درخواهد آمد. در اینجا مکث کنید و این دو جمله علت و معلولی را با هم تمرین کنید تا از این طریق بتوانید تشخیص دهید که آیا زبان نظم برای بیان این بخش بهتر است و یا زبان نثر. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی در رابطه با پسر انسان صحبت می‌کند که بر ابرها باز می‌گردد. پسر انسان فرشتگانش را خواهد فرستاد تا آن افرادی را که به او تعلق دارند را از سرتاسر جهان جمع کنند. در اینجا مکث کنید و در رابطه با نحوه اجرای این قسمت با هم تبادل نظر کنید. شما چگونه این صحنه را اجرا خواهید کرد پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

به یاد داشته باشید که عیسی چهار نفر از شاگردانش هنوز بر دامنه کوه زیتون نشسته‌اند و این قسمت ادامه تعلیم پیشین عیسی است. عیسی این قسمت از تعلیم خود را با اشاره به اتفاقات وحشتناکی آغاز می‌کند که آن مکروه ویرانی بر علیه پیروان خدا انجام خواهد داد و خرابی و ویرانی را به بار خواهد آورد. حال در این متن عیسی از عباراتی از نبوت‌های عهد عتیق استفاده می‌کند تا از این طریق نشان بدهد که در آسمان چه اتفاقاتی بر نیروهای آسمان و نورهای آن مانند ماه و خورشید خواهد افتاد. سه اتفاق در آسمان روی خواهند داد: خورشید تیره خواهد شد، سپس ماه دیگر نوری نخواهد داشت و سپس ستارگان از آسمان سقوط خواهند کرد. تمامی قدرت‌های آسمان و یا درحقیقت تمامی آنچه که در آسمان است به لرزه در خواهد آمد. به یاد داشته باشید که اینها اطلاعاتی از نبوتی در عهد عتیق هستند.

عیسی اشاره می‌کند که پس از این وقایع پسر انسان با قدرت و جلال خواهد آمد. پسر انسان فرشتگانش را خواهد فرستاد تا افراد منتخب او را از تمامی جهان جمع کنند.

در صحنه دوم عیسی موضوع را عوض کرده و در رابطه با درخت انجیر تعلیم می‌دهد. عیسی از درخت انجیر به عنوان مثالی استفاده می‌کند تا به شاگردانش نشان بدهد که چگونه زمان انجام این نبوت‌ها فرا می‌رسد. سپس عیسی در رابطه با رشد درخت انجیر حرف می‌زند. وقتی که شاخه‌های درخت انجیر نرم شده و برگ‌هایش شروع به رشد می‌کنند، متوجه می‌شویم که هوای سرد به پایان رسیده و فصل رشد گیاهان فرا رسیده است. درست به مانند همین درخت انجیر نیز وقتی که شما مشاهده کنید که خورشید و ماه و ستارگان در آسمان تیره شوند و نورشان را از دست بدهند، این بدان معنی است که رویدادهایی که عیسی در رابطه با آنها صحبت کرد به زودی اتفاق خواهند افتاد.

عیسی اشاره می‌کند که "من حقیقت را به شما می‌گویم." عیسی بر این باور بود که شاگردانش به او توجه کنند و بیان می‌کند که بسیاری از آن افرادی که امروز زنده هستند تا زمان روی دادن این اتفاقات نخواهند مرد.

عیسی این تعلیم را به این جمله به پایان می‌برد که جهان و تمامی آنچه که در آن است موقتی هستند، اما تعلیمات عیسی ابدی و استوار می‌باشند.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 13:24 — 31)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای دو صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان (پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس به تنهایی مشغول صحبت با عیسی هستند)
- افراد منتخب
- فرشتگان

به شکل گروهی به این قسمت‌های داستان توجه کنید

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

در صحنه اول عیسی به همراه شاگردانش بر دامنه کوه زیتون نشسته‌اند و عیسی مشغول تعلیم آنها است. او تعلیم خود را با اشاره به چیز مکروه و نفرت انگیزی که موجب ویرانی و بروز مشکلات بسیاری برای پیروان عیسی خواهد شد آغاز می‌کند. عیسی بیان می‌کند که پس از آن دوران سختی و اضطراب برای پیروان عیسی، خورشید تیره خواهد شد و ماه نور خود را از دست خواهد داد و ستارگان از آسمان سقوط خواهند کرد و نور خود را از دست خواهند داد. درحقیقت همه چیز در آسمان به لرزه درخواهد آمد و سپس همه مشاهده خواهند کرد که پسر انسان با جلال و قدرت پرشکوهی بر ابرها می‌آید. پسر انسان فرشتگانش را خواهد فرستاد تا افراد منتخب او را که پیروانش هستند از هر گوشه جهان جمع کنند. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "از شنیدن این سخنان ترسیدیم چگونه ممکن است که خورشید نورش را از دست بدهد و ستارگان آسمان سقوط کنند؟ عیسی در رابطه با اتفاقات باورنکردنی صحبت می‌کند ما از شنیدن این سخنان وحشت زده شده‌ایم. نمی‌توانیم تصور کنیم که پسر انسان چه قدرتی خواهد داشت. به فکر افرادی هستیم که جزء منتخبان عیسی مسیح نیستند و چه اتفاقی برایشان خواهد افتاد. سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

در صحنه دوم، عیسی در رابطه با درخت انجیر صحبت می‌کند. وقتی که شاخه‌های این درخت پس از فصل زمستان نرم شوند و برگ‌هایش دوباره رشد کنند، متوجه می‌شویم که هوای سرد به پایان رسیده و زمان تولد جدیدی برای درخت فرا رسیده است. به همین طریق نیز وقتی که شما مشاهده می‌کنید که این اتفاقات روی می‌دهند، متوجه می‌شوید که پسر انسان به زودی باز خواهد گشت. این سخنان من حقیقت دارند و افراد بسیاری که امروز زنده هستند در زمان بروز این اتفاقات نیز زنده خواهند بود. همه چیز روزی بر زمین از بین خواهد رفت، اما تعلیمات من هرگز از بین نخواهند رفت. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "به نظر می‌رسد که این اتفاقات وحشتناک نشانه‌هایی هستند که نباید از وقوع آنها ترسید. خوشحالم که عیسی این اتفاقات را برایمان شرح داد. و یا ممکن است که بگویند که از شنیدن این اخبار نگران و دلوایس هستند. شاید سوال کنند که آیا واقعا می‌توان با دیدن این اتفاقات متوجه بازگشت مسیح شد؟ یعنی قرار است که عیسی از نزد ما برود، که می‌گوید روزی با جلال و شکوه باز خواهد گشت؟ نمی‌دانیم که عیسی به کجا خواهد رفت؟ آیا این بدان معنی است که عیسی در ابتدا ما را تنها خواهد گذاشت و با خودش نخواهد برد؟ به نظر هیجان انگیز است و خوشحالیم که چنین اتفاقاتی می‌افتند

حال از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که چه حس دارد و او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "تمام تلاش خودم را انجام دادم تا به بهترین نحو این اتفاقات را به شاگردان توضیح دهم، امیدوارم که آنها نیز متوجه سخنان من شده باشند. می‌دانم که در ابتدا آنها با شنیدن این سخنان گیج می‌شوند، اما روزی این تعلیمات من را به یاد خواهند آورد و معنای آنها را درک خواهند کرد." ادامه نمایش را اجرا کنید

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 13: 24 — 31

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 13: 24 — 31 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

عیسی این بخش از تعلیمات خود را با اشاره به نگرانی و با همان دوران سختی که در متن پیشین در رابطه با آن صحبت کرده بود آغاز کرد. عیسی در این زمان توضیح می‌دهد که چگونه آن مکروه ویرانی موجب خرابی و ویرانی خواهد شد و دشواری‌ها و سختی و درد و رنج بسیاری را بر سر مردم خواهد آورد

سه اتفاق در آسمان روی خواهند داد: خورشید تیره خواهد شد، سپس ماه نورش را از دست خواهد داد و ستارگان از آسمان سقوط خواهند کرد. تمامی قدرت‌های آسمان و یا هر چه که در آن است به لرزه در خواهند آمد. **آسمان‌ها** در اینجا به خود آسمان اشاره دارد و به مکان حضور خدا اشاره نمی‌کند.

عیسی این بخش از تعلیمات خود را با استفاده از یک نبوت از عهد عتیق در رابطه با خورشید، مه و ستارگان آغاز می‌کند و این بخش را به صورت شعر بیان می‌کند. شما در اینجا آزاد هستید تا این بخش را به صورت نظم و یا نثر بیان کنید.

عیسی اشاره می‌کند که **پسر انسان** با جلال و شکوه بر ابرها خواهد آمد و در اینجا از همان واژه‌ای برای اشاره به پسر انسان استفاده کنید که در متن‌های پیشین انجیل مرقس استفاده کرده بودید. به یاد داشته باشید که عیسی در اینجا به خودش اشاره می‌کند و واژه پسر انسان را می‌توانید در فرهنگ لغات بیابید. **جلال** به قدرت و حضور خدا اشاره می‌کند. برای یافتن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژه می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

عیسی **فرشتگانش** را خواهد فرستاد تا افراد **منتخب** او را از سرتاسر جهان جمع کنند. از همان واژه‌ای برای اشاره به فرشتگان استفاده کنید که در متن‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

عیسی **برگزیدگان خود** را از **چهار گوشه عالم** از دورترین نقاط زمین تا دورترین **حدود آسمان جمع خواهد کرد**. به عبارت دیگر عیسی افراد خود را از سرتاسر جهان جمع خواهد کرد. این بدان معنی است که افرادی که به او ایمان دارند و بر زمین هستند جمع خواهند شد.

سپس عیسی در رابطه با **درخت انجیر** صحبت می‌کند. درخت انجیر می‌توانست بر کوه زیتون 8 — 10 متر رشد کند و اگر عیسی این تعلیمات را یک هفته پیش از مرگ خود ارائه می‌دهد، این بدان معنی است که این درختان در آن زمان همانند توضیحات او شکوفه زده و برگ‌های کوچکی بر خود داشتند. در این زمان فصل هوای سرد دیگر به پایان رسیده است. در ابتدای فصل بهار و به دلیل گرم شدن هوا شیره‌ای از شاخه درخت تولید می‌شود و موجب نرم شدن آنها می‌گردد برگ‌های درختان دوباره رشد می‌کنند.

در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از درخت انجیر به همراه برگ‌ها و میوه انجیر بر آن را نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

تابستان زمانی است که در آن درخت انجیر شکوفه می‌زند و اگر در فرهنگ شما چنین فصلی وجود ندارد، شما می‌توانید این واژه را به شکل فصل بارانی نیز ترجمه کنید.

وقتی **تمامی این امور** اتفاق بیفتند، بدین معنی است که بازگشت عیسی بسیار نزدیک است و **بر آستانه در است**. این واژه تصویری از قریب الوقوع بودن بازگشت عیسی است.

عیسی با بیان "من حقیقت را به ما می‌گویم" بر سخنان خود تأکید می‌کند. این **نسل** و یا افرادی که زنده هستند، تا زمان بروز این اتفاقات نخواهند مرد.

عیسی اشاره می‌کند که **آسمان و زمین از بین خواهند رفت**، و این بدان معنی است که تمامی خلقت از میان خواهد رفت، اما **سخنان** او از بین نخواهند رفت و تا به ابد باقی خواهند ماند.

مرقس 32:13-37

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 13: 32 — 37)

آیات مرقس 13: 32 — 37 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوششان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوششان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 13: 32 — 37)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 13: 32 — 37 گوش دهید.

این آخرین بخش تعلیم مسیح به شاگردانش بر دامنه کوه زیتون است. عیسی به همراه چهار نفر از شاگرداش بر دامنه کوه زیتون، جایی که قادر به دیدن ساختمان معبد هستند، نشسته‌اند و دیگر شاگردان نیز در فاصله کمی از آنها حضور دارند اما قادر به شنیدن مکالمه میان شاگردان و عیسی نیستند. عیسی به پطرس و اندریاس و یعقوب و یوحنا می‌گوید که چه اتفاقاتی پیش از آمدن پرجلال پسر انسان روی خواهند داد و حال عیسی به آنها تعلیم می‌دهد که آنها در زمان انتظار برای بازگشت پسر انسان چه کاری باید انجام دهند. عیسی به شاگردانش تاکید می‌کند که آنها باید هوشیار باشند و مراقب باشند که چه زمانی عیسی بازخواهد گشت و خدا جهان را داوری خواهد نمود. البته اینها اطلاعات جدیدی نیستند و عیسی قبلاً در خدمت خود به شاگردان گفته بود که پسر انسان و یا همان خودش، روزی بازخواهد گشت. این متن دارای متنی داستانی است

در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود تصویری از کوه زیتون را نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

وقتی که عیسی مشغول تعلیم بود، به شاگردانش نشانه‌هایی که در روزهای آخر و نزدیک بازگشت او اتفاق خواهند افتاد را شرح داد. عیسی به شاگردان تعلیم می‌داد که در آن زمان چه اتفاقاتی روی خواهند داد و آنها نیز در زمان مشاهده این اتفاقات باید چه کاری انجام دهند. عیسی سعی می‌کرد تا شاگردان را برای آن دوران رنج و دشواری آماده کند. حال در این قسمت از تعلیم عیسی موضوع را عوض می‌کند و همین امر سبب می‌شود تا لحن تعلیم او نیز فرق کند و عیسی این تغییر را با بکار بردن کلمه "اما" برجسته می‌سازد

سپس عیسی به شاگردانش گفت که هیچ کس حتی فرشتگان و پسر انسان (یعنی خود عیسی) نیز از زمان دقیق بازگشت او خبر ندارند. منظور عیسی در اینجا از واژه "پسر" درواقع پسر خدا و یا همان خودش می‌باشد. در اینجا مکث کنید و داستانی در رابطه با یک پسر را برای حاضرین تعریف کنید سعی کنید تا در این داستان از واژه پسر استفاده کنید و اشاره کنید که این پسر والدینی دارد و در روستایی زندگی می‌کند کشاورز است. سعی کنید تا از راه‌های مختلف پسر بودن او را نشان بدهید و اگر در زبان مورد نظر شما بیش از یک کلمه وجود دارند که به پسر اشاره می‌کنند، آنگاه باید از واژه ای استفاده کنید که فرزند یک مادر بودن را در خود به خوبی نشان بدهد. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

تنها خدا است که از زمان بازگشت پسر (عیسی) خبر دارد. حال از آنجایی که ما از آن روز و زمان اطلاعی نداریم، در نتیجه عیسی اشاره می‌کند که مهم‌ترین کاری که باید انجام دهیم این است که مراقب باشیم، و یا کاری را که از ما درخواست کرده را انجام بدهیم. برای اشاره به واژه "آن روز و ساعت" از همان واژه‌ای استفاده کنید که در عهد عتیق خدا با استفاده از آن به زمان بازگشت خود جهت داوری این جهان استفاده می‌کند. عیسی در بخش‌های پیشین تعلیم اشاره می‌کند که وقتی که خدا برای داوری این جهان بازگردد، او در جلال و شکوه بازخواهد گشت. این نکته بسیار مهم است که ما باید مراقب باشیم و کارهایی را انجام بدهیم که خدا از ما خواسته و نباید اجازه بدهیم که کارهای کم اهمیت‌تر حواس ما را نسبت به این موضوع پرت کنند.

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: آیا در فرهنگ شما داستانی در رابطه با آخرالزمان وجود دارد؟ نمونه‌هایی از داستان‌ها و یا عباراتی که شما در زمان اشاره به رویدادهای آخرالزمان استفاده می‌کنید را نام ببرید. توجه داشته باشید که اگر زبان و روش خاصی برای اشاره به این دوران وجود دارد، باید از آن روش و زبان خاص استفاده کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

درحالی که عیسی مشغول تعلیم بود، سعی داشت تا بر اهمیت مراقب بودن تاکید کند و در نتیجه با استفاده از بیان مثل و داستان بر این موضوع تاکید نمود عیسی این داستان را اینگونه آغاز می‌کند: "مانند شخصی"، و در ادامه مشاهده می‌کنیم که این مثل داستانی روزمره در آن دوران است. عیسی در رابطه با مردی صحبت می‌کند که به مسافرت طولانی می‌رود و خادمانش را به عنوان مسئول خانه قرار می‌دهد. خادمان او باید نه تنها مراقب خانه باشند، بلکه آن را تمیز بکنند و به کارهای روزمره آن برسند. دربان خانه و یا همان نگهبان خانه باید مراقب ورود دزدان و دشمنان با خانه باشند. در اینجا مکث کنید و داستانی در رابطه با فردی بیان کنید که مشغول تعلیم دادن است. عیسی در ابتدای این داستان از واژه "مانند شخصی" استفاده می‌کند و فردی که داستان را بیان می‌کند نیز باید از چنین واژه‌ای استفاده کند. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

سپس عیسی با شاگردان صحبت می‌کند و اشاره می‌کند که باید مراقب باشید، زیرا ممکن است که او در هر زمانی حتی نیمه شب بازگردد. درحقیقت عیسی با استفاده از اصطلاحات رومی این قسمت را بیان می‌کند زیرا آنها شب را به 4 قسمت تقسیم کرده بودند. او در رابطه با شب صحبت می‌کند (ساعات 6 — 9)، سپس در رابطه با نیمه شب صحبت می‌کند (12 تا صبح 3) و در ادامه به وقت سحر اشاره می‌کند (ساعات 3 تا 6 صبح) و بعد به سپیده دم می‌پردازد (ساعات 6 — 9 صبح)

مخاطبان انجیل مرقس متوجه شدند که این داستان برایشان اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا با استفاده از واژه‌های فرهنگی آنها بیان شده است

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع تبادل نظر داشته باشید: در فرهنگ شما بخش‌های مختلف روز چگونه تقسیم می‌شوند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

عیسی به شاگردان می‌گوید تا بیدار باشند و یا به خواب نروند. منظور عیسی در اینجا این نیست که آنها نباید بخوابند، بلکه اشاره می‌کند که باید هوشیار باشند و کاری که به آنها سپرده را تا زمان بازگشتش به خوبی انجام دهند. به خواب رفتن بدین معنا است که آنها دیگر آماده نیستند و نباید بدون آمادگی منتظر بازگشت مسیح بود

در اینجا مکث کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: داستان‌هایی را در رابطه با زمانی که شما و یا یکی از نزدیکانتان کاری را که به شما سپرده را ترک کرده و آن را انجام نمی‌دهد را بیان کنید. شما چگونه به این دوست خود می‌گوئید که بر سر کار خود بازگردد و مراقب و هوشیار باشد؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

عیسی در پایان این داستان اشاره می‌کند که این دستور او مبنی بر هوشیار بودن دستوری همگانی است و تنها مختص شاگردان نیست. عیسی بیان می‌کند که شما باید همیشه آماده باشید و نباید بدون آمادگی منتظر بازگشت مسیح بمانید

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 13:32 — 37

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید

این داستان دارای دو صحنه است، اما عیسی مثل کوچکی در میان این دو صحنه تعریف می‌کند

در بخش معرفی **صحنه اول**، عیسی تأکید می‌کند که هیچ‌کس از زمان بازگشت مسیح اطلاعی ندارد. عیسی به مردم می‌گوید تا هشیار و مراقب زمان بازگشت او باشند. سپس عیسی داستان کوتاهی برای آنها تعریف می‌کند و در ادامه بار دیگر به شاگردانش هشدار می‌دهد تا مراقب باشند و کاری را که به آنها می‌گوید را انجام دهند

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان (پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس به تنهایی با عیسی مشغول صحبت هستند و دیگر شاگردان در فاصله کمی از آنها حضو دارند)
- فرشتگان
- خدای پدر
- مردی که به راه خود می‌رود
- مردی که به سفر رفته
- خادمان مردی که به سفر رفته
- دربانان مردی که به سفر رفته

به شکل گروهی با این ساختارهای متن توجه کنید

عیسی این بخش از تعلیم خود را با واژه "اما" آغاز می‌کند که نشان دهنده تغییر موضوع و یا تغییر مسیر تعلیمی او است. در اینجا مکث کنید و داستانی را برای تیم خود بیان کنید. شما باید داستانی را در رابطه با معلمی بیان کنید که به شاگردانش می‌گوید که باید چه کاری انجام دهند و در زمان بیان داستان، به کلمه و یا کلماتی که جهت جلب توجه شنوندگان بیان می‌شوند دقت کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

بکار بردن کلمه "اما" از سوی عیسی نشان می‌دهد که او موضوع را از متن پیشین که حاکی از رویدادهای وحشتناکی بود که قرار است تا در آینده اتفاق بیفتند، به بازگشت دوم خود بر زمین تغییر می‌دهد. عیسی به شاگردانش می‌گوید که هیچ کس حتی فرشتگان و خودش نیز از این زمان اطلاعی ندارند و تنها خدای پدر است که از این زمان بازگشت دوباره او بر زمین اطلاع دارد. عیسی به شاگردان گفت که از آنجایی که هیچ کس از آن زمان اطلاعی ندارد، در نتیجه آنها باید همیشه هشیار و آماده باشند عیسی بیان می‌کند که "بیدار باشید" و این روش دیگری است که عیسی با استفاده از آن به شاگردانش می‌گوید که باید آماده و مراقب باشند. یک سرباز و یا مامور پلیس همیشه مراقب و هوشیار است و عیسی در اینجا به شاگردانش می‌گوید که باید همانند همین سربازان باشند

شما باید به یاد داشته باشید که عیسی به "آن روز و ساعت" تأکید می‌کند و این واژه به روز دآوری اشاره می‌کند که تمامی یهودیان انتظارش را می‌کشیدند

عیسی پس از اینکه با شاگردانش هشدار داد تا هوشیار و مراقب باشند، داستانی را برایشان تعریف کرد. او با استفاده از واژه "مانند" داستان را آغاز می‌کند و بیان می‌کند که این امر همانند مردی است که به سفر رفته و از خادمانش خواسته تا مراقب خانه او باشند

توجه داشته باشید که هشدار می‌دهد که باید آماده باشید و کاری را که از شما خواسته را انجام بدهید. خادمان این داستان وظیفه مشخصی داشتند و آنها نباید خارج از وظایف خودشان عمل می‌کردند. درحقیقت عیسی در اینجا اشاره می‌کند که ممکن است که در هر زمانی دوباره بر زمین بازگردد و او چهار زمان مختلف شب تا صبح را در اینجا بیان می‌کند. اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و با تیم ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: در رابطه با زمان بندی‌های مختلف موجود در فرهنگ خود با هم تبادل نظر کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

پس از بیان این داستان، عیسی اشاره می‌کند که منظورش تنها شاگردان نبودند، بلکه او همه مردم را مورد خطاب قرار داده است که باید همیشه هشیار و آگاه باشند. ما نباید به شکل منفعل منتظر بازگشت مسیح باشیم، بلکه باید به شکلی فعال و با انجام وظیفه‌ای که به ما سپرده منتظر بازگشت او باشیم

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را به شکل عملی اجرا نماید

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن مرقس 13:32 — 37

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

این متن دارای یک صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان (پطرس، یعقوب و یوحنا و اندریاس به تنهایی با عیسی مشغول صحبت هستند و دیگر شاگردان در فاصله کمی از آنها حضو دارند)
- فرشتگان
- خدای پدر
- مردی که به راه خود می‌رود
- مردی که به سفر رفته
- خادمان مردی که به سفر رفته
- دربانان مردی که به سفر رفته

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

عیسی به همراه چهار نفر از شاگردان هنوز بر دامنه کوه نشسته‌اند و دیگر شاگردان نیز در فاصله کوتاهی از آنها حضور دارند، به حدی که قادر به شنیدن سخنان آنها نیستند. عیسی به تعلیم خود ادامه می‌دهد و موضوع تعلیم خود را تغییر می‌دهد و می‌گوید: "اما هیچ کس از آن روز و یا ساعت خبر ندارد." سپس فهرستی از افرادی را بیان می‌کند که آنها نیز از آن زمان خبر ندارند و اشاره می‌کند که حتی فرشتگان آسمان و خودش نیز از آن روز و ساعت خبر ندارند، اما تنها خدا است که این حقیقت را می‌داند. در ادامه بیان می‌کند که "پس مراقب باشید، زیرا نمی‌دانید که چه زمانی آن روز فرا خواهد رسید." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "گیج شده‌ایم، خودش باید می‌دانست که چه زمانی باز خواهد گشت. هنوز نمی‌دانیم که عیسی به کجا و چرا می‌رود"، و یا "چطور ممکن است که خود عیسی هم از این زمان اطلاعی نداشته باشد، او که از همه چیز باخبر است؟" و یا "ترسیده‌ایم، چطور می‌توانیم هوشیار باشیم؟ اگر مراقب و هوشیار نباشیم چه اتفاقی می‌افتد؟" سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

عیسی در ادامه داستان کوتاهی که همان مثل باشد را بیان می‌کند و می‌گوید: "آمدن آن روز، مانند شخصی است که به سفر رفته و خانه خود را به خادمان سپرده است تا هر کس کار خود را انجام دهد و به دربان سپرده است که گوش به زنگ باشد." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی نقش شاگردان را بازی می‌کردند بپرسید که چه حسی دارند؟ و آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "آیا ما همان خادمانی هستیم که باید در زمان رفتن عیسی مراقب خانه‌اش باشیم؟" فکر می‌کنم که این بدان معنی است که هر کدام از ما وظیفه متفاوتی داریم که باید انجام دهیم. باید بدانیم که چه وظیفه‌ای بر عهده ما گذاشته شده است." و یا "بسیار گیج شده‌ایم." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

سپس عیسی این مثل کوتاه خود را به طور خلاصه بیان می‌کند و می‌گوید: "پس بیدار باشید چون نمی‌دانید که صاحب خانه کی می‌آید. شب یا نصف شب، وقت سحر یا سپیده دم. مبدا او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند. آنچه را به شما می‌گویم، به همه می‌گویم: بیدار باشید." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حسی دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "امیدوارم به خواب نروند و سخنان من یادشان بماند" و یا "من به آنها موارد لازم را هشدار و تعلیم دادم"، و یا "امیدوارم که پس از رفتن من این سخنان در یادشان بمانند و آنها را جدی بگیرند"

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 13: 32 — 37

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 13: 32 — 37 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

عیسی به شاگردانش در رابطه با رنج و دشواری که نشانه‌ای از بازگشت دوباره او هستند سخن می‌گوید. حال در ادامه او موضوع را تغییر داده و در رابطه با روز و ساعت بازگشت دوباره خود صحبت می‌کند. آن روز و ساعت، روز خداوند و یا روز نهایی داوری است که در عهد عتیق توضیح داده شده است. این روز داوری در عهد جدید شامل بازگشت پر جلال و شکوهمند عیسی مسیح است. "آن ساعت" نیز به زمان دقیق روز بازگشت عیسی اشاره دارد.

فرشتگان در آسمان یعنی همان جایی که خدا حضور دارند می‌باشند و حتی آنها نیز از زمان بازگشت عیسی خبر ندارند. واژه‌های **فرشتگان** و **آسمان** را به همان طریقی ترجمه کنید که در متن‌های پیشین ترجمه کرده بودید و به یاد داشته باشید که می‌توانید برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژه‌ها به فرهنگ لغات مراجعه کنید. آسمان در این آیه به مکان حضور خدا اشاره دارد

عیسی اشاره می‌کند که **پسر** نیز حتی از این زمان خبر ندارد. در اینجا پسر به احتمال بسیار زیاد به پسر خدا اشاره دارد و اگرچه برخی از محققین بر این باور هستند که این واژه می‌تواند به پسر خدا نیز اشاره داشته باشد و باید به یقین گفت که این واژه به خود عیسی مسیح اشاره می‌کند. در برخی از زبان‌ها اگر این قسمت به طور "پسر خدا" و یا "پسر انسان" ترجمه شده باشد، آنگاه شما باید جهت شفاف‌تر شدن موضوع توضیحات بیشتری ارائه دهید

واژه **پسر خدا** بدین معنی است که عیسی هم‌ذات با خدا است و از سوی خدا آمده است. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با واژه پسر خدا می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید. از همان واژه‌ای برای اشاره به پسر خدا استفاده کنید که در متن‌های پیشین استفاده کرده بودید

تنها **پدر** از زمان بازگشت پسر خبر دارد و در اینجا پدر به خود خدا اشاره دارد. از همان واژه‌ای برای اشاره به پسر خدا استفاده کنید که در زبان خود جهت اشاره به پدر جسمانی استفاده می‌کنید. شاید در زمان ترجمه نیاز باشد تا واژه‌های خدا و پدر را برای شنوندگان شرح دهید

عیسی به شاگردانش گفت تا **مواظب باشند** و یا **مواقب**، **بیدار**، **هوشیار** باشند. این بدان معنی نیست که شاگردان از نظر فیزیکی به خواب نروند، بلکه منظور عیسی این است که آنها باید کارهایی را که عیسی و خدا به آنها گفته را انجام دهند و این یعنی که آنها باید همیشه آماده باشند

وقتی که صاحب‌خانه به مسافرت می‌رود، خانه را به **خادمانش** می‌سپارد. خادمان افرادی هستند که غلام صاحب خانه بودند و هیچ حق و حقوقی نداشتند و برای کاری که انجام می‌دادند نیز حقوقی دریافت نمی‌کردند. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژه‌ها به فرهنگ لغات مراجعه کنید

نگهبان فردی بود که از در خانه محافظت می‌کرد و اجازه نمی‌داد تا دشمنان داخل خانه شوند

عیسی به آنها یادآوری کرد که ممکن است که در هر زمانی مانند عصر، نیمه شب، و هر زمان دیگری از روز بازگردد. شما در زمان ترجمه می‌توانید از واژه‌های معمول روز و شب در زبان خود استفاده کنید

مرقس 11-14:1

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 1: 14 — 11)

آیات مرقس 1: 14 — 11 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تأثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 1:14 — 11)

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 1:14 — 11 گوش دهید

ای داستان سرآغاز درد و رنج عیسی و یا همان روزهای آخر حیات او بر زمین است. هرچقدر که بیشتر به زمان مرگ عیسی نزدیک‌تر می‌شویم مرقس این زمان‌بندی را به شکل دقیق‌تری بیان می‌کند و اشاره می‌کند که این اتفاقات دو روز پیش از عید فصح و عید نان فطیر می‌افتند. عید فصح یکی از عیدهای مذهبی یهودیان بود و هفت روز طول می‌کشید زیرا در زمان حیات عیسی این عید با عید نان فطیر ترکیب می‌شد. عید فصح مربوط به زمانی است که خدا اجداد یهودیان را از بردگی در مصر نجات داد و به مدت یک روز جشن گرفته می‌شد و بلافاصله پس از آن عید نان فطیر به مدت هفت روز تعطیل جشن گرفته می‌شد. در عید نان فطیر، مردم نان بدون خمیرمایه می‌خوردند و این نان نازکی بود که بدون خمیرمایه درست شده بود و به آنها یادآوری می‌کرد که چگونه یهودیان در زمان خروج از مصر نان بدون خمیرمایه خورده بودند. روز دقیق این هفت روز تعطیلی عید نان فطیر ناشناخته است، اما برخی از مردم بر این باور هستند که این عید ممکن است که در یک دوره 8 روزه جشن گرفته می‌شد

داستان زنی که عیسی را با عطر تذهین می‌کند در میانه داستان‌های توطئه معلمین شریعت و خیانت یهودای اسخریوطی یکی از شاگردان عیسی بر علیه او قرار داده شده است. مرقس این داستان را در این بخش قرار داده تا تناقضی را میان عمل محبت آمیز زن و خیانت مردانی که باید عیسی را دوست داشته باشند نشان بدهد

وقتی که این داستان آغاز می‌شود، معلمان شریعت مذهبی، یعنی همان سران کاهنان و کاتبان، هنوز به دنبال راهی برای دستگیری و کشتن عیسی بودند و این درحالی بود که رهبران مذهبی نمی‌خواستند تا خودشان عیسی را به قتل برسانند. آنها به دنبال این بودند تا رومیان عیسی را به همان روشی که جنایتکاران را به قتل می‌رسانند، دستگیر کرده و بکشند. معلمان شریعت مذهبی هنوز از مردم می‌ترسیدند و روزها و با هفته‌ها به این موضوع قتل عیسی فکر می‌کردند. اما در طول عید فصح، جمعیت حاضر در شهر از 50 هزار نفر به 250 هزار نفر می‌رسید و در طول این مدت آشوب و شورش امری عادی بود زیرا جمعیت بسیار زیادی از مردم به شورشیان کمک می‌کردند تا در برابر حکومت رومیان قیام کرده و دست به شورش بزنند. در این زمان مردم دست به بی‌نظمی و شورش می‌زدند و افراد بسیاری در طول این عید از جلیل شرکت می‌کردند و در اورشلیم حاضر می‌شدند و این مردم به شدت طرفدار عیسی بودند. البته مردم جلیل را ذاتاً مردمی شورش می‌شناختند و رهبران مذهبی نمی‌خواستند تا عیسی را در این محیط دستگیر کنند زیرا هراس داشتند که مبادا مردم دست به شورش بزنند

در اینجا مکث کنید و در رابطه با این سوالات با هم تبادل نظر کنید: آیا رهبران مذهبی شما نیز از مردم می‌ترسند؟ آیا آنها بر اساس نظر مردم تصمیم می‌گیرند؟ مثالی در این رابطه بزنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

وقتی که عیسی در اورشلیم بود، هر شب از آنجا به بیت‌عنیا می‌رفت تا شب را در خانه یکی از دوستانش به نام ایلعازر، مریم و مرتا بماند. بیت عنیا حدود 4 کیلومتر از اورشلیم فاصله داشت و در این روز شمعون عیسی و شاگردانش را دعوت کرد تا شام را در خانه او در بیت عنیا صرف کنند شمعون سابقاً مبتلا به جذام بود و جذام در دوران حیات عیسی یک بیماری بسیار جدی پوستی بود. اگرچه شمعون از این بیماری شفا یافته بود، اما احتمالاً مردم هنوز او را "جذامی" صدا می‌کردند

در فرهنگ آن زمان مردم در زمان خوردن غذا کنار میز غذا به بالشی تکیه می‌دادند و پایهایشان را به عقب قرار می‌دادند. عیسی نیز در کنار میز تکیه داده بود و غذا می‌خورد احتمالاً در این حالت آرنج یکی از دوستانش را به صورت تکیه‌گاه قرار داده بود

در اینجا مکث کنید و به تصویر افرادی که در زمان غذا خوردن به کنار تکیه می‌زنند نگاه کنید

با گروه ترجمه خود در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر کنید: وقتی که شما برای خوردن غذا به منزل دیگران دعوت می‌شوید، چه سنت‌هایی را باید رعایت کنید؟ در زمان احوال‌پرسی چه کارهایی انجام می‌دهید؟ چطور می‌نشینید؟ چه افرادی بر سر سفره حاضر می‌شوند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

در این زمان زنی با گلابدانی از سنگ مرمر که پر از عطرگران قیمت سنبل خالص بود وارد خانه می‌شود. در آن دوران ورود یک زن غریبه به چنین مهمانی شامی عملی غیرعادی بود. احتمالاً این زن همان مریم، خواهر مرتا و ایلعازر بود که عیسی برادرش را از مردگان زنده کرده بود. او گلابدانی از عطرگران قیمت سنبل با خودش داشت و سنگ مرمری که گلابدان از آن تهیه شده بود در آن زمان بسیار گران قیمت بود زیرا دارای کیفیت بسیار بالایی بود و از سنگ مرمر سفید و یا زیر ساخته شده بود. تنها عطرهای گران بها را در آن می‌ریختند. این گلابدان‌ها دارای گلوی باریک و درازی بودند و هیچ دستگیره‌ای نداشتند و دهانه آنها مهر می‌شد تا عطر داخل آنها به بیرون نریزد و آنها بقدری بزرگ بودند که قادر بودند مقدار بسیار زیادی عطر را در خود نگاه دارند. مردم جهت استفاده این عطر دهانه آن را می‌شکستند. گاهی اوقات این نوع از عطرها از سنبل به دست می‌آمدند و سنبل عطری روغنی بود که از ریشه این گیاه از هندوستان به دست می‌آمد. زن دهانه گلابدان را شکست و عطر داخل آن را بر سر عیسی ریخت تا از این طریق به او احترام بگذارد

در اینجا مکث کنید و به تصویری از گلابدان‌های بیاندازید که عطری از ریشه گیاه سنبل هندی در آن ریخته شده است. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

گلابدانی که از سنگ مرمر ساخته شده همانند یک گنجینه خانوادگی بود و تنها در مراسمات خاص و جهت مسح نمودن افراد جهت احترام و تقدیر از آنان استفاده می‌شد. آن زن تمامی عطرگران‌بها را بر سر مسیح ریخت و توجه داشته باشید که این روغنی معمولی نبود بلکه عطری بسیار گران‌بها بود. آن زن با انجام این کار عیسی را طوری احترام گذاشت که مردم هرگز بدین شکل مهمانانشان را مورد احترام قرار نمی‌دادند

در طول هفته عید فصح رسم بر این بود که به فقرا هدایایی می‌دادند و شاگردانی که کنار میز شام و نزد عیسی نشسته بودند احتمالاً این صحنه را مشاهده کردند و با خودشان فکر کردند که در این زمان که باید به فکر فقرا باشند، این هدیه‌ای بسیار غیر ضروری بود. این هدیه حدود 300 دینار آن زمان

ارزش داشت که معادل حقوق 300 روز یک کارگر بود. شاگردان از این کار زن عصبانی شدند و به یکدیگر گفتند که او نباید این کار را انجام می‌داد. آنها با خشونت به آن زن اعتراض کردند و این بدان معنی است که آنها عصبانیت خود را به شکل تندى به آن زن نشان دادند.

در اینجا مکث کنید و در رابطه با این سوال با هم تبادل نظر کنید: مردم در فرهنگ شما چه کارهایی انجام می‌دهند تا از دیگران تشکر کنند و به آنها احترام بگذارند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

اما عیسی معنی دیگری در این کار آن زن مشاهده کرد و مرقس در اینجا اشاره می‌کند که: "اما عیسی فرمود: عیسی اشاره می‌کند که آن زن کار خوبی انجام داده است و به شاگردانش یادآوری می‌کند که همانطور که موسی در کتاب تثنیه گفته است، آنها همیشه فقرا را نزد خود خواهند داشت، اما عیسی همیشه با آنها نخواهد بود. عیسی در حقیقت اشاره می‌کند که او نیز "فقیر" است در نتیجه خوب است تا آنها نیز محبت خود را نسبت به او نشان بدهند. اجساد مردگان در زمان خاکسپاری با عطر تدهین می‌شدند، اما در زمان مرگ تدهین نشد زیرا همانند یک جنایتکار کشته شد. در اینجا مکث کنید و این سوالات را با تیم ترجمه خود در میان بگذارید: شما در زمان خاکسپاری چه مراسمی را بر اجساد مردگان انجام می‌دهید؟ آیا آنها را تدهین می‌کنید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید. عیسی اشاره می‌کند که "یقین بدانید" و با این جمله خود نشان می‌دهد که آنچه که بر زبان می‌آورد بسیار مهم است و مردم باید به این سخنان او توجه کنند. همچنین او بیان می‌کند که خبر خوش مرگ، در قبر قرار دادن و قیام او از مردگان در تمامی جهان موعظه خواهد شد و هر زمانی که این پیغام موعظه شود، این عمل محبت‌آمیز زن و وقفی که انجام داده نیز موعظه خواهد شد. حال باید به تناقض میان محبت آن زن و خیانت یهودا توجه کنید. مرقس در اینجا نشان می‌دهد که یهودا در ادامه با همکاری کاهنان و کمک رهبران مذهبی سعی می‌کند تا عیسی را در خارج از دید مردم دستگیر کنند زیرا آنها از قیام و شورش مردم در طول عید ترس داشتند. در انجیل یوحنا نیز نوشته شده است که سران کاهنان پیغامی را می‌فرستند تا دیگران بدانند که عیسی کجا حضور دارد تا بتوانند در آنجا او را دستگیر نمایند.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14:1 — 11

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای سه صحنه است.

در صحنه اول: سران کاهنان و معلمان شریعت به دنبال دستگیری عیسی بودند و تصمیم داشتند تا این کار را در طول عید فصح انجام ندهند، زیرا از مردم می‌ترسیدند که عصبانی شده و دست به شورش بزنند.

در صحنه دوم: عیسی و شاگردانش برای صرف غذا مهمان خانه شمعون بودند و در این زمان زنی با در دست داشتن گلابدانی از مرمر سفید و عطر بسیار گران بهایی که در آن بود به داخل خانه آمد و آن را بر سر عیسی ریخت و شاگردان با دیدن این کار بسیار عصبانی شدند زیرا بر این باور بودند که آن زن با این کار خود پول بسیاری را به هدر داده است. عیسی شاگردانش را توبیخ نمود و به آنها گفت که آن زن کار نیکویی انجام داده است و او را برای تدهین کرده است.

در صحنه سوم: یهودای اسخریوطی، یکی از آن دوازده شاگرد، نزد سران کاهنان می‌رود تا به آنها پیشنهاد بدهد که در زمان مناسبی عیسی را دستگیر کنند. آنها به او قول دادند که در قبال کمک‌ای که انجام می‌دهد پولی به او بپردازند و یهودا نیز به دنبال زمان مناسبی بود تا به عیسی خیانت کند.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- معلمان شریعت مذهبی و سران کاهنان
- شاگردان، به همراه یهودای اسخریوطی
- شمعون، مردی که قبلاً به بیماری جذام مبتلا بود
- زنی که گلابدانی از عطر در دست داشت
- دیگر افراد حاضر بر سر میز غذا

به شکل گروهی به این بخش‌های متن توجه کنید: دانستن این نکته ضروری است که مرقس در ابتدای این داستان به یک دوره زمانی اشاره می‌کند و در ادامه به این نکته می‌پردازد که دو روز به عید فصح باقی مانده است. ما دقیقاً اطلاع نداریم که آیا اتفاقاتی که در این بخش از انجیل مرقس می‌افتند، دقیقاً پس از اتفاقات بخش پیشین روی می‌دهند یا خیر، زیرا عیسی هفته‌ها بود که در اورشلیم به سر می‌برد. اما می‌دانیم که این اتفاق دو روز پیش از عید فصح و در روستای بیت عنیا بر دامنه کوه زیتون اتفاق می‌افتد که چهار کیلومتر از اورشلیم فاصله داشت. همچنین شما باید به یاد داشته باشید که معلمان شریعت هنوز به دنبال دستگیری عیسی بودند تا او را به قتل برسانند، اما از مردم می‌ترسیدند، در نتیجه تصمیم داشتند تا عیسی را بی سر و صدا بکشند تا مانع شورش مردم شوند.

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که شمعون دیگر به بیماری جذام مبتلا نیست و شفا یافته است. ما می‌دانیم که او شفا یافته و زیرا شریعت موسی اجازه نمی‌داد تا افرادی که به بیماری جذام مبتلا هستند به مردم نزدیک شده و یا با آنها غذا بخورند. هرچند که شمعون پطرس شفا یافته بود، اما هنوز هم مردم

او را با نام "شمعون جذامی" می‌شناختند. در این زمان عیسی بر طبق سنت آن زمان بر بالشتی کنار میز تکیه زده بود و پاپه‌ایش را به عقب انداخته بود هر چند که به جز یهودای اسخریوطی، نامی از دیگر شاگردان در این بخش برده نشده است، اما به احتمال بسیار زیاد آنها نیز به همراه دیگر افراد در این میز نزد عیسی حضور داشتند.

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که افراد حاضر در آن خانه متوجه حضور آن زن شدند، زیرا در آن زمان ورود یک زن به اتاقی مملو از مرد امری غیرعادی به حساب می‌آمد و همچنین او کار غیرعادی نیز انجام داد و روغنی معمولی جهت مسح نمودن را بر سر عیسی نریخت، بلکه عطری را بر سر عیسی ریخت که قیمتی معادل دستمزد یک سال کارگر داشت. آن زن با این کار خود به عیسی احترام بسیار زیادی گذاشت و او را برای دفن شدن آماده نمود و این در حالی بود که خودش از عملی که انجام داده اطلاعی نداشت. او خودش را وقف عیسی کرده بود و با این عمل محبتش را نسبت به عیسی نشان داد. وقتی که عیسی اشاره می‌کند که: "با این عمل، بدن مرا پیش از وقت برای دفن آماده کرده است"، درحقیقت دلالت بر این امر دارد که عیسی می‌دانست که به همان طریقی که جنایتکاران کشته می‌شوند، او نیز کشته خواهد شد، زیرا جنایتکاران پس از کشته شدن برای دفن شدن مسح نمی‌شدند.

افرادی که بر سر میز غذا بودند و به احتمال بسیار زیاد منظور همان شاگردان عیسی است، از این کار زن عصبانی شدند.

توجه داشته باشید که عیسی به شدت از این کار آن زن دفاع می‌کند و به شاگردانش می‌گوید که: "با او کاری نداشته باشید، چرا او را ناراحت می‌کنید؟ او کار خوبی برای من کرده است. فقرا همیشه در بین شما خواهند بود و هروقت بخواهید می‌توانید به آنها کمک کنید، اما مرا همیشه نخواهید داشت. او، آنچه از دستش بر می‌آمد برای من کرد و با این عمل، بدن مرا پیش از وقت برای دفن آماده کرده است. یقین بدانید در هر جای عالم که انجیل اعلام شود، آنچه او کرده است، به یادبود او بیان خواهد شد."

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که یهودای اسخریوطی در ادامه به دیدن سران کاهنان و یا همان افرادی که مراسم قربانی مذهبی را برای مردم اسرائیل انجام می‌دهند، می‌رود تا به آنها اطلاعاتی از زمانی که عیسی تنها و دور مردم است بدهد تا بتوانند او را دستگیر کنند. کاهنان از شنیدن این خبر بسیار خوشحال شدند و به او قول دادند تا در قبال این کار پولی به وی بپردازند. یهودا نیز به دنبال فرصتی بود تا به عیسی خیانت کند و او را به دست رهبران مذهبی بسپارد. ما هیچ اطلاعی از علت این تصمیم یهودا نداریم.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14:1 — 11)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای 3 صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- معلمان شریعت مذهبی و سران کاهنان
- شاگردان، به همراه یهودای اسخریوطی
- شمعون، مردی که قبلاً به بیماری جذام مبتلا بود
- زنی که گلابدانی از عطر در دست داشت
- دیگر افراد حاضر بر سر میز غذا

به شکل گروهی به این قسمت‌های داستان توجه کنید.

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند.

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند.

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم.

گروه باید نمایش سران کاهنان و معلمان شریعت را به گونه‌ای بازی کند که نشان بدهد که آنها به دنبال دستگیری و قتل عیسی هستند. آنها تصمیم گرفته "و می‌گویند که:" ما عیسی را در طول مراسم عید فصح دستگیر نخواهیم کرد زیرا هراس داریم که مبادا مردم عصبانی شده و دست به شورش بزنند **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش سران کاهنان و معلمان شریعت را بازی می‌کنند بپرسید که چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که:" از اینکه نمی‌توانیم عیسی را دستگیر کنیم درمانده شده‌ایم"، "از جمعیت مردمی که عیسی را دوست دارند و طرفدار او هستند هراس داریم."** سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

گروه ما باید نشان بدهد که عیسی و شاگردان در روستای بیت عنیا هستند و این روستا 4 کیلومتر از اورشلیم دور است. آنها به خانه شمعون می‌روند که قبلاً به بیماری جذام مبتلا بود و بر زمین و با تکیه بر بالش‌هایی به دور میز غذا می‌نشینند. در این زمان مهمانان به بالش تکیه داده و پایهایشان را به عقب می‌اندازند. ناگهان در این حین زنی که گلابدانی زیبا در دست دارد به داخل خانه می‌آید و دهانه آن را می‌شکند و در این زمان تمامی اتاق پر از بوی خوش عطر می‌شود. زن آن عطر را بر سر عیسی می‌ریزد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که:" از دیدن این صحنه شوکه شده‌ایم، بسیار عصبانی هستیم زیرا با پول این عطر می‌توانستیم به فقرا کمک کنیم، و یا از اینکه عیسی از این کار زن خوشحال شده است تعجب کردیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی کرده بپرسید که:" چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که:" خوشحال هستم"، "شجاعت این زن را تحسین می‌کنم" سپس از زنی که وارد خانه شده است بپرسید که:" چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که:" ترسیده‌ام، اما واقعاً دلم می‌خواست تا از عیسی تشکر کنم" و یا "من تنها به عیسی فکر می‌کنم" پس ادامه نمایش را اجرا کنید

گروه باید در ادامه نمایش نشان بدهد که شاگردان از این کار زن عصبانی هستند و بگویند که: "چرا این زن عطر به این گران‌بهای را به هدر داد؟ می‌توانستیم آن را بفروشیم و پولش را به فقرا بدهیم زیرا ارزش آن معادل حقوق یک سال کارگر بود." در ادامه نمایش عیسی اشاره می‌کند که آن زن را تنها بگذارید و بطور این حرف‌ها را به او می‌زنید؟ افراد فقیر همیشه با شما هستند، اما من همیشه با شما نیستم و او تمام کاری که از دستش برمی‌آید را انجام داد و من را برای تدفین آماده کرد. هر جایی که خبر خوش مژده نجات در رابطه با من موعظه شود، این کار زن نیز گفته خواهد شد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که:" به این زن افتخار می‌کنم"، "از اینکه شاگردانم هنوز به درستی مسایل را درک نمی‌کنند عصبانی و ناراحت هستم." سپس از فردی که نقش زن را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که:" خوشحالم از اینکه عیسی از من دفاع کرد"، "از اینکه در رابطه با مرگش صحبت کرد تعجب کردم. آیا قرار است که به زودی بمیرد؟" سپس از فردی که نقش یهودای اسخریوطی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "از اینکه عیسی اجازه داد تا این زن این عطر گران قیمت را هدر بدهد عصبانی هستم"، "از اینکه عیسی هنوز قیام و ** شوری در برابر رومیان را رهبری نمی‌کند عصبانی هستم."** سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

گروه در ادامه باید نشان بدهد که یهودای اسخریوطی به تنهایی نزد سران کاهنان می‌رود و به آنها اطلاعاتی بدهد که چه زمانی عیسی تنها است و این سران کاهنان از شنیدن این اخبار بسیار خوشحال می‌شوند و به یهودا قول می‌دهند که پولی به او خواهند داد و یهودا از این زمان به بعد بسیار مراقب عیسی بود

پرو کردن جاهای خالی

پرو کردن جاهای خالی

مرقس 11: 1 — 14

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 11: 14 — 11 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

در اینجا دو روز به **عید فصح** و **عید نان فطیر** باقی مانده است. عید فصح یکی از عیدهای مذهبی یهودیان بود و در زمان عیسی این عید به مدت هفت روز برگزار می‌شد زیرا آن را با عید نان فطیر ترکیب می‌کردند و در یک زمان برگزار می‌نمودند. عید نان فصح مربوط به زمانی بود که خدا اجداد یهودیان را از بردگی از مصر نجات داده بود و خدا این کار را با فرستادن فرشته‌ای به مصر انجام داد که بر اثر آن فرعون پادشاه مصر به اجداد یهودیان اجازه داد تا آنجا را ترک کنند. یک شب آن فرشته از سوی خدا آمده و تمامی نخست زادگان مصریان را کشت، اما کاری با نخست زادگان یهودی نداشت. این عید برای یهودیان همانند جشن استقلال است

عید نان فطیر نیز جهت برداشت محصول برگزار می‌شد و مربوط به زمانی بود که اسرائیلیان در زمان فرار از مصر نان فطیر و یا همان نان بدن خمیرمایه خورده بودند. نان فطیر نان نازک و صافی بود که بدون خمیرمایه درست شده بود

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با کلمات و یا عباراتی که می‌توانید جهت اشاره به **عید فصح** و یا **عید نان فطیر** به کار ببرید با هم تبادل نظر داشته باشید. می‌توانید جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با این دو واژه به فرهنگ لغات مراجعه کنید

به تیم ترجمه خود تصویری از نان بدون خمیرمایه را نشان بدهد

پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

سران کاهنان و معلمان شریعت به دنبال فرصتی بودند تا عیسی را مخفیانه دستگیر کرده و به قتل برسانند. در اینجا از همان واژه‌هایی جهت اشاره به این موارد استفاده کنید که در متن‌های پیشین انجیل مرقس استفاده کرده بودید و می‌توانید جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

این اتفاق در خانه شمعون جذامی در بین عنیا روی می‌دهد. بیت عنیا روستای کوچکی بود که 4 کیلومتر با اورشلیم فاصله داشت و مریم و مرتا و ایلعازر نیز در آنجا زندگی می‌کردند. آنها خواهران و برادری بودند که از دوستان خوب و نزدیک عیسی به حساب می‌آمدند. عیسی و شاگردانش هر شب در آن روستا می‌ماندند و در طول روز جهت تعلیم در معبد به اورشلیم می‌رفتند.

شمعون قبلاً به جذام مبتلا بود و اژه جذام به یکی از چندین بیماری پوستی اشاره شده در کتاب مقدس اشاره دارد. این بیماری‌های پوستی سبب می‌شدند تا فرد مبتلا ناپاک به حساب بیاید و یا اینکه نتواند به راحتی وارد جامعه شود. افرادی که به این بیماری مبتلا هستند تنها می‌توانند در پشت پرده‌ای در کنیسه شرکت کرده و پرستش کنند و اگر کسی آنها را لمس نماید او نیز ناپاک خواهد شد. در شریعت عهد عتیق گفته شده است که آنها باید لباس‌هایی پاره بپوشند و موهایشان را شانه نکنند و وقتی که در مکان‌های عمومی حاضر می‌شوند فریاد بزنند "ناپاک، ناپاک". شمعون در این داستان دیگر به این بیماری مبتلا نبود و شما می‌توانید از همان واژه‌ای برای اشاره به بیماری جذام استفاده کنید که در داستان‌های پیشین استفاده کرده بودید و جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

در این زمان زنی با شیشه عطری از سنگ مرمر سفید و عطری از سنبل خالص وارد خانه می‌شود. عطر سنبل بسیار خالص است زیرا هرگز با آب و یا هیچ چیز دیگری ترکیب نمی‌شود و به همین دلیل عطر بسیار گران بهایی است. شیشه عطری از سنگ مرمر سفید و یا زرد ساخته شده بود. باید در زمان ترجمه این واژگان دقت بسیار زیادی داشته باشید.

در اینجا مکث کنید و به تصویری از شیشه عطری از سنگ مرمر سفید و همچنین تصویری از گیاه سنبل نگاهی بیاندازید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

آن عطر 300 دینار ارزش داشت که معادل حقوق 300 روز یک کارگر بود.

آن زن سر عیسی را با عطر مسح کرد. واژه مسح به معنای ریختن روغن بر فردی است تا از این طریق برای کار خاصی انتخاب شود. در عهد عتیق انبیا، کاهنان و پادشاهان در زمان انتخاب جهت انجام وظیفه خود به خدا مسح می‌شدند. کلمه مسیح نیز به معنای "مسح شده" می‌باشد. در این مورد نیز زن از روغن رایج جهت مسح نمودن عیسی استفاده نکرد، بلکه عطری گران‌بها را به برای این کار به کار برد. همچنین عیسی در اینجا به مسح نمودن خاصی که مردم بر اجساد انجام می‌دادند نیز اشاره می‌کند. آنها عطر خاصی را بر بدن مردگان می‌ریختند تا از این طریق احترام خود را نسبت به آنها نشان بدهند.

جهت اشاره به واژه مسح شدن از همان واژه‌ای استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه نمایید.

عیسی در اینجا اشاره می‌کند که هر جایی که این انجیل و یا خبر خوش موعظه شود، کار این زن نیز موعظه خواهد شد و مردم در رابطه با آن صحبت خواهند کرد. جهت اشاره به واژه مژده و خبر خوش از همان واژه‌هایی استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

یهودای اسخریوطی یکی از آن دوازده شاگرد بود. جهت اشاره به واژه شاگرد از همان واژه‌ای استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتر می‌توانید به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

مرقس 14:26-26

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14:12 — 26)

آیات مرقس 14:12 — 26 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گرو‌هی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14:12 — 26)

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14:12 — 26 گوش دهید

مرقس بار دیگر به ما نشان می‌دهد که این اتفاقات دقیقاً در چه زمانی روی می‌دهند. این اولین روز عید نان فطیر است، زمانی که برّه‌ای قربانی می‌شود تا اعضای خانواده آن را در زمان عید فصح بخورند. هر کدام از خانواده‌ها باید برّه‌ای را به معبد نزد کاهن ببرند و کاهن آن را کشته و اعضای خانواده آن را در شب عید فصح می‌خورند. شریعت یهود اشاره کرده است که غذای فصح باید در میان دیوارهای شهر اورشلیم خورده می‌شد. به دلیل وجود جزئیاتی که مرقس در رابطه با این غذا که عیسی به همراه شاگردانش به ما ارائه داده است چنین به نظر می‌رسد که این غذای خاص یهودیان بود که در زمان جشن عید فصح پخته می‌شد. محققان کتاب مقدس در رابطه با روز دقیق این واقعه اطلاع چندانی ندارند اما به احتمال بسیار زیاد این روز می‌تواند همان روز عید فصح و یا روز پیش از آن باشد.

عیسی و شاگردانش در خارج شهر اورشلیم و احتمالاً در بیت عنیا بودند، آنها شب را در این روستا به سر می‌بردند. شاگردان عیسی آماده می‌شوند تا به اورشلیم بروند تا شام عید فصح را آماده کنند. از آنجایی که عیسی و شاگردانش در اورشلیم زندگی نمی‌کردند، باید مکانی را برای شام عید آماده می‌کردند. در نتیجه شاگردان از عیسی پرسیدند که "کجا می‌خواهی شام فصح را برای تو آماده کنیم؟" و این در حالی است که خود عیسی مکان را مهیا کرده بود. عیسی دو نفر از شاگردانش را به اورشلیم فرستاد و کارهایی را که باید انجام دهند را به آنان گفت. عیسی به آنها گفت که در شهر مردی را خواهند دید که کوزه آبی را حمل می‌کند. معمولاً تنها زنان کوزه آب را حمل می‌کردند و مردان نیز مشک‌های شراب را حمل می‌نمودند. احتمالاً این مرد کوزه آب را بر شانه‌اش حمل می‌کرد و عیسی در این زمان به شاگردانش گفت تا با آن مرد صحبت نکنند، بلکه فقط او را تعقیب کنند و به خانه‌ای که می‌رود بروند. احتمالاً دلیل اینکه عیسی به آنها نگفت تا با آن مرد حرف بزنند این بود که او می‌دانست که سران کاهنان و رهبران مذهبی به دنبال یافتن او هستند و این در حالی است که عیسی می‌خواست تا مخفی بماند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از کوزه آب، و تصویری از مردی که کوزه آب را بر شانه‌های خود حمل می‌کند نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی به آنها گفت که وقتی وارد اورشلیم شدند و مردی را که کوزه آب حمل می‌کرد را دیدند به دنبال او به خانه‌ای خواهند رفت و باید به صاحب خانه بگویند: "استاد می‌گوید آن اتاقی که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟" صاحب خانه آنها را به طبقه بالا خواهد برد و آن مغروش بوده و میزی در آن قرار داده شده است. او احتمالاً همین شام برّه قربانی را برای شام عید فصح آماده کرده است.

آن دو شاگرد به اورشلیم رفتند و هر کاری را که عیسی به آنها گفته بود انجام دادند. آنها شام فصح را آماده کردند و وقتی که شاگردان به آن اتاق رفتند تا شام فصح را آماده کنند احتمالاً نان فطیر (نان بدون خمیرمایه) شراب، سبزیجات تلخ و سس به همراه میوه‌های خشک شده و برّه کباب شده که جهت شام عید فصح قربانی شده بود را آماده کردند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از نان بدون خمیر مایه به همراه سبزیجات تلخ و سس و میوه‌های خشک برّه کباب شده را به گروه نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

در زمان غروب عیسی به همراه آن دوازده شاگرد به آن خانه آمدند آنها نزدیک‌ترین شاگردان عیسی بودند. شام عید فصح همیشه توسط اعضای خانواده در زمان غروب جشن گرفته می‌شد. عیسی و شاگردانش به سنت مهمانی و صرف غذاهای مهم در آن دوران کنار میز تکیه زده بودند تا غذا را صرف کنند. در آن روزگار مردم در زمان صرف غذا به آرنجشان تکیه زده و پای‌هایشان را به عقب می‌انداختند.

در اینجا مکث کنید و به تصویری از افرادی که در زمان صرف غذا بر آرنجشان تکیه زده‌اند نگاهی بیاندازید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

شام عید فصح شامی مخصوص بود. در طول صرف این شام خانواده‌های یهودی داستان نجات اجداد خود از بردگی در مصر توسط خدا را که سال‌ها پیش اتفاق افتاده بود را تعریف می‌کردند. آنچه که یهودیان در آن زمان می‌خوردند، می‌نوشتند و انجام می‌دادند داستان بردگی آنها در مصر، نجاتشان از بردگی و عهد خاص خدا با آنها که نشان می‌دهد که آنان قوم خاص او خواهند بود را یادآوری می‌کند.

در اینجا مکث کنید و با گروه خود در رابطه با این موضوع تبادل نظر کنید: برخی از غذاها و یا عیدهای مذهبی خود را شرح دهید. در این عیدها چه کارهایی انجام می‌دهید؟ این داستان را چگونه به فرزندان خود تعریف می‌کنید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی و شاگردانش غذای عید فصح را خوردند و به احتمال بسیار زیاد داستان نجات اجدادشان از مصر را بازگو نمودند. در طول شام رسم بود که فردی که بزرگ خانه می‌باشد نان بدون خمیرمایه را به تکه‌هایی تقسیم می‌کند و آن را به افرادی که دور میز غذا نشسته‌اند می‌دهد. آنها نیز نان را با فرو بردن در کاسه سبزیجات تلخ و میوه‌های خشک و شراب می‌خورند. احتمالاً در این زمان در دور میز غذا، عیسی به شاگردانش می‌گوید که: "یقین بدانید که یکی از شما که با من غذا می‌خورد، مرا تسلیم خواهد کرد." آنها محزون شدند و یک به یک از او پرسیدند: < آنها این سوال را از عیسی پرسیدند و انتظار داشتند تا او پاسخ منفی بدهد اما عیسی اشاره کرد که: "یکی از شما دوازده نفر است که با من هم کاسه می‌باشد." در فرهنگ یهودیان در آن زمان تنها افرادی که به یکدیگر اعتماد داشتند با هم غذا می‌خوردند و بدترین نوع خیانت این بود که این افرادی که به هم نزدیک بودند و با هم از یک کاسه غذا می‌خوردند به هم خیانت بکنند. عیسی با این کار خود نشان می‌دهد که این خیانت چقدر عمیق بود و در ادامه بیان می‌کند که: "پسر انسان باید همانگونه که متون مقدس سال‌ها پیش بیان کرده‌اند بمیرد." عیسی به شاگردان یادآوری می‌کند که انبیا گفته بودند که مسیح موعود و یا همان پسر انسان خواهد مرد. عیسی در اینجا بار دیگر خودش را پسر انسان معرفی می‌کند. هر چند که اراده خدا این بود که عیسی بمیرد و مرگ او امری ضروری بود اما عیسی به آنها هشدار می‌دهد که فردی که به او خیانت خواهد کرد به عاقبت وحشتناکی دچار خواهد شد و عیسی برای او ناراحت بود. در اینجا مکث کنید و از گروه خود این سوالات را بپرسید: افرادی که به یکدیگر اعتماد دارند چه کارهایی برای هم انجام می‌دهند؟ این دسته از افراد چه کارهایی انجام نمی‌دهند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید. عیسی در اینجا نامی از یهودای اسخریوطی نمی‌برد و هیچ اشاره‌ای نیز این امر که او اتاق را ترک کرده است وجود ندارد. سپس در زمان صرف غذا عیسی تکه‌های نان را پاره می‌کند و آن را به شاگردان می‌دهد. عیسی اشاره می‌کند که این بدن من است. "کلیساها و محققان کتاب مقدس مختلف به شکل‌های مختلفی این قسمت را تفسیر می‌کنند. برخی بر این باور هستند که عیسی در این قسمت در رابطه با بدن زمینی خود صحبت نمی‌کند و برخی نیز اعتقاد دارند که منظور عیسی در حقیقت همان بدن زمینی خودش می‌باشد. اما توجه داشته باشید

که عیسی در اینجا سعی می‌کند تا به شاگردانش بگوید که حضور او تا به ابد با آنها خواهد بود. احتمالاً پس از صرف غذای اصلی، عیسی پیاله‌ای را که به احتمال بسیار زیاد پر از شراب قرمز بود را برداشت و خدا را برای آن شکر کرد. این پیاله شراب در غذای عید فصح معمولاً نمونه‌ای از صلح میان خدا و قومش می‌باشد و یا می‌توان گفت که نشانه‌ای از عهد خدا با قوم خود است. عیسی اشاره می‌کند که: "این است خون من که برای بسیاری ریخته می‌شود و نشانه پیمان خدا با انسان است." شاگردان هر کدام مقداری از آن پیاله می‌نوشتند و دست به دست به یکدیگر می‌دهند. بار دیگر باید اشاره کنیم "که به درستی نمی‌دانیم که منظور عیسی این است که این پیاله حقیقتاً خون او است و یا به صورت تحت اللفظی به آن اشاره می‌کند. واژه "ریخته شدن به جاری شدن خون از انسان و یا حیوان اشاره دارد و همچنین نشان می‌دهد که همانطور که شراب از کوزه ریخته می‌شود، خون عیسی نیز از بدن او جاری می‌شود. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید که شما در فرهنگ خود چه نوع سنت‌های مذهبی دارید؟ نمونه‌ای از این اعمال نمادین مذهبی که به غذا خوردن و یا حقایق اخلاقی مربوط می‌شوند را نام ببرید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید. شاگردان عیسی با عهد میان خدا و قوم خود آشنا بودند. خدا وعده داده بود که اگر آنها از دستورانش پیروی کنند، او نیز با آنان خواهد بود اما قوم خدا عهدش با او را شکست و خدا نیز از طریق ارمیای نبی به قومش وعده "عهد جدیدی" را داد که در آن قومش شریعت او را به شکل بسیار عمیق‌تری درک خواهند کرد. آنگاه او تماماً خدای آنها و آنان نیز کاملاً قوم او خواهند بود. عهد عتیق همانند اکثر عهد‌ها سنت‌های مذهبی در خود داشت که شامل پاشیدن خون بودند. عیسی نشان می‌دهد که در عهد جدید خون او بر روی صلیب ریخته می‌شود. وقتی که عیسی اشاره می‌کند که خون او ریخته خواهد شد، این ریخته شدن همانند ریخته شدن شراب قرمز از پیاله‌ای است که به شاگردانش داده بود. او مرگ دشواری خواهند داشت و این کار را برای بسیاری "انجام داد. واژه "بسیاری" می‌تواند به تمامی افرادی که به او اعتماد می‌کنند، و یا تمامی افرادی که در این جهان زندگی می‌کنند اشاره داشته باشد. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید: چه نوع عهد‌ها، وعده‌ها، و اعمالی در فرهنگ شما برای خدایان انجام می‌شوند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید. سپس عیسی اشاره می‌کند که او دیگر شراب و یا همان از میوه درخت مو، نخواهد نوشید تا زمانی که خدا بار دیگر در ملکوت خود با مردمانش باشد. این آخرین غذایی بود که او پیش از مرگش به همراه شاگردانش صرف نمود. نان و شرابی که عیسی با شاگردانش تقسیم نمود نمونه‌ای از این حقیقت هستند که هر چند که او به زودی کشته خواهد شد و دیگر با شاگردانش و ما به طور فیزیکی نخواهد بود، اما در حقیقت او همواره با ما است. در پایان شام فصح، یهودیان معمولاً آیاتی را از مزامیر 115 — 118 می‌خواندند. مزمر 118 در رابطه با این موضوع است که چگونه خدا با قومش می‌باشد و چگونه محبتی ابدی نسبت به آنها دارد. احتمالاً عیسی و شاگردانش نیز این سرود را خواندند و سپس اورشلیم را ترک کرده به سوی دره و به بالای کوه زیتون رفتند. در اینجا مکث کنید تصویری از کوه زیتون و دره میان آن و کوه‌های اطراف و شهر اورشلیم را به شاگردان نشان بدهید.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14: 12 — 26

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای 6 صحنه است

در صحنه اول: عیسی اشاره می‌کند که با صاحب بالاخانه هماهنگ کنند تا از اتاق مهمان او جهت خوردن غذای عید فصح به همراه دوازده شاگردش استفاده کنند.

در صحنه دوم: شاگردان عیسی از او پرسیدند که کجا باید شام عید فصح را در اورشلیم بخورند و عیسی نیز دو نفر از شاگردان را به اورشلیم فرستاد عیسی به آنها دستور العمل‌هایی داد و به آنان گفت که به دنبال مردی که کوزه آبی دارد بروند و سپس از صاحب خانه‌ای که آن مرد بدان داخل می‌شود در رابطه با همان اتاقی که در موردش صحبت کرده بود بپرسند.

در صحنه سوم: آن دو شاگرد عیسی به اورشلیم رفتند و همانطور که عیسی گفته بود عمل نمودند و اتاق را برای شام عید فصح آماده نمودند.

در صحنه چهارم: عیسی به همراه دیگر شاگردان وارد اتاق می‌شود و شروع به خوردن شام عید فصح می‌کنند. وقتی که آنها نان را وارد گیاهان تلخ می‌کردند، عیسی به شاگردانش گفت که یکی از آنها به او خیانت خواهد کرد و آنها نیز از یکدیگر پرسیدند که: "آیا او من هستم؟"

در صحنه پنجم: عیسی نان را برمی‌دارد و می‌گوید این بدن من است و سپس پیاله شراب را برداشت و گفت این خون من است که عهد را مهر می‌کند. زیرا خون من همانطور که شراب از این کاسه می‌ریزد، از بدن من جاری خواهد شد.

در صحنه ششم: عیسی و شاگردانش سرود شکرگزاری را خوانده و اورشلیم را ترک می‌کنند و به سوی کوه زیتون می‌روند.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان
- دو شاگردی که به اورشلیم رفتند تا اتاق را برای شام عید فصح آماده کنند
- مردی که کوزه آبی را حمل می‌کند
- صاحب خانه

به شکل گروهی به این بخش‌های ساختار داستان توجه کنید: دانستن این نکته ضروری است که مرقس به ما نشان می‌دهد که این اتفاقات دقیقاً در چه زمانی روی می‌دهند. این داستان در اولین روز عید و زمانی که یهودیان نان بدون خمیرمایه را می‌خورند اتفاق می‌افتد. این همان روزی است که خانواده‌های یهودی بزرگ فصح را به معبد می‌برند و از کاهن درخواست می‌کنند تا آن را برایشان قربانی کند.

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که عیسی احتمالاً قبلاً با یکی از دوستانش جهت استفاده از اتاق بالاخانه هماهنگ کرده بود. ما از نام این مرد اطلاعی نداریم اما احتمالاً او نیز آگاه بود که عده‌ای به دنبال دستگیری عیسی هستند. در نتیجه آماده کردن اتاقی برای او و شاگردانش عملی شجاعانه بود و او احتمالاً مردی بود که بزرگ قربانی برای شام را نیز آماده کرده بود.

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که شاگردان از عیسی پرسیدند که برای آماده کردن شام عید فصح به کجا باید بروند و به همین دلیل است که عیسی دو نفر از شاگردانش را به شهر فرستاد. پیش از اینکه آنها به شهر بروند، عیسی دستورالعمل‌های خاصی به آنها داد و گفت باید مردی را که کوزه آبی را حمل می‌کند بیابند و او را دنبال کنند و به خانه‌ای وارد شود که او می‌رود و در آنجا به صاحب خانه بگویند که استاد می‌پرسد: "آن اتاقی که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟" این درخواستی مودبانه است و این اتاقی بزرگ در بالاخانه ساختمان است.

پس از اینکه عیسی به شاگردانش گفت تا چه کاری انجام بدهند، آنها به اورشلیم رفتند تا دقیقاً بر طبق سخنان او عمل کنند. وقتی که وارد شهر شدند، مردی را مشاهده کردند که کوزه آبی را حمل می‌کرد و این مرد وارد خانه‌ای شد و آنها نیز احتمالاً بدون اینکه صحبتی با او داشته باشند، به دنبال او وارد خانه شدند. احتمالاً آن مردی که کوزه آب را حمل می‌کرد صاحب خانه نبود. وقتی که مرد به داخل خانه وارد شد شاگردان نیز به دنبال او رفتند و صاحب خانه را یافتند و به او گفتند: "استاد می‌گوید آن اتاقی که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟" صاحب خانه آنها را به اتاقی در بالای خانه برد و آنها نیز به آماده کردن نان، سبزیجات تلخ و شراب مشغول شدند.

عیسی به همراه دیگر شاگردان وارد اورشلیم شدند و به آن اتاق رفتند و کنار میز غذا نشستند در ابتدا از پیاله شراب نوشیدند و سپس مشغول غذا خوردن شدند.

وقتی که آنها مشغول غذا خوردن بودند عیسی گفت: "گوش کنید، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد." شاگردان با شنیدن این جمله نگران شدند و از یکدیگر پرسیدند که: "آیا آن مرد من هستم؟" عیسی گفت: "یکی از شما که با من در کاسه دست می‌برد به من خیانت خواهد کرد." سپس ادامه داد و گفت: "پسر انسان باید بر طبق کلام خدا بمیرد. اما مردی که به من خیانت می‌کند، از این کارش بسیار پشیمان خواهد شد و اصلاً برایش بهتر بود تا به دنیا نیامده بود. عیسی در اینجا به طور خاص نامی از یهودای اسخریوطی نمی‌برد بلکه تنها اشاره می‌کند که "یکی از شما" به من خیانت خواهد کرد. در اینجا مشاهده می‌کنیم که یهودای اسخریوطی نیز چنین عکس‌العملی از خود نشان می‌دهد و احتمالاً از شنیدن این سخنان عیسی شوکه و گیج شده است هر چند که در جهت و عده‌های خدا به عیسی خیانت شد و کشته شد، اما دانستن این نکته ضروری است که خیانت یهودا عملی بود که با اراده آزاد آن را انجام داد. توجه داشته باشید که خدا ما را برای انجام کاری انتخاب نمی‌کند.

"شاگردان و عیسی مسیح به خوردن غذا ادامه دادند و سپس عیسی کمی نان برداشت و آن را پاره کرد و به شاگردان داد و به آنها گفت: این بدن من است سپس عیسی پیاله شراب قرمز را برداشت و خدا را برای آن شکر کرد و به شاگردان داد و هر کدام از شاگردان مقداری از آن نوشیدند. سپس عیسی گفت که: "این خون من است که عهد میان خدا و انسان را مهر می‌کند. این خون همانند همین شراب قرمزی که در پیاله است ریخته می‌شود تا نشانی از قربانی شدن برای تمامی انسان‌ها باشد. یقین بدانید که دیگر از میوه مو نخواهم خورد، تا آن روزی که در پادشاهی خدا آن را تازه بخورم.

در پایان شام عیسی و شاگردانش اورشلیم را ترک کردند و به سوی دره مقابل آن رفته و به بالای کوه زیتون رفتند.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14: 12 — 26)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای 6 صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان
- دو شاگردی که به اورشلیم رفتند تا اتاق را برای شام عید فصح آماده کنند
- مردی که کوزه آبی را حمل می‌کند
- صاحب خانه

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

شاگردان از عیسی پرسیدند که برای آماده کردن شام عید فصح کجا باید بروند به همین دلیل عیسی دو نفر از شاگردانش را به شهر می‌فرستد. پیش از اینکه آنها به شهر بروند، عیسی دستورالعمل‌های خاصی به آنها داد و گفت که در شهر باید مردی را که کوزه آبی را حمل می‌کند را بیابند و به دنبالش بروند و وقتی که وارد خانه شدند باید از صاحب خانه بپرسند که: "استاد می‌گوید آن اتاقی که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟" این سوالی مودبانه است که نشان می‌دهد که آنها از صاحب خانه درخواست می‌کنند تا اتاقی برای شام عید فصح به آنها نشان بدهد. عیسی اشاره کرد که صاحب خانه آنها را به اتاق بزرگی در بالاخانه ساختمان خواهد برد

پس از اینکه عیسی با شاگردان گفت که چه کاری باید انجام دهند، آنها به اورشلیم رفتند تا دقیقاً همان کارها را انجام بدهند. وقتی که وارد شهر شدند مردی را دیدند که کوزه آبی حمل می‌کند. این مرد به داخل خانه‌ای رفت و شاگردان نیز احتمالاً بدون اینکه صحبتی با او داشته باشند وارد آن خانه شدند. آن مرد احتمالاً صاحب خانه نبود. شاگردان توانستند صاحب خانه را بیابند و به او گفتند: "استاد می‌گوید آن اتاقی که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟" صاحب خانه آنها را اتاقی در بالاخانه ساختمان برد و آنها شروع به آماده کردن نان، سبزیجات تلخ، و شراب نمودند. اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد "که: "سعی می‌کنیم تا کارمان را به آرامی انجام بدهیم تا سران کاهنان ما را پیدا نکنند"، "ترسیده‌ایم"، و یا "برای این جشن پیش رو هیجان زده هستیم". سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

عیسی به همراه دیگر شاگردان وارد اورشلیم می‌شوند و وارد اتاق بالاخانه شده و بر طبق سنت کنار میز غذا می‌نشینند. آنها در ابتدا شراب می‌نوشند و سپس شروع به غذا خوردن می‌نمایند

به یاد داشته باشید که وقتی که آنها مشغول خوردن غذا بودند، نان را با هم در یک کاسه فرو می‌بردند. گاهی اوقات نیز از یک پیاله شراب می‌نوشیدند و داستان نجات قوم از بردگی در مصر را تعریف می‌کنند. در این زمان آنها با شادی آن اتفاقات را به یاد می‌آورند و جشن می‌گیرند

در زمان خوردن شام عیسی گفت: "گوش کنید، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد." شاگردان از شنیدن این خبر نگران شدند و پرسیدند: "آیا آن شخص من هستم؟" عیسی گفت: "کسی که با من این نان را در این کاسه فرو می‌کند به من خیانت خواهد کرد" سپس عیسی در ادامه می‌گوید: "پسر انسان باید بمیرد، زیرا کتاب مقدس اینچنین گفته است و اما کسی که به من خیانت می‌کند، از این کار خود بسیار متأسف خواهد شد و برایش بهتر بود تا اصلاً متولد نشده بود." اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که از شنیدن این سخنان شوکه شدیم، "ترسیده‌ایم" از اینکه چنین شب زیبایی با این سخنان خراب شد عصبانی هستیم. سپس از فردی که نقش یهودای اسخریوطی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "شوکه شده‌ام، نمی‌دانم عیسی از کجا از این خبر اطلاع دارد" و یا "گیج شده‌ام". سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "ناراحت هستم"، "عمیقاً احساس تأسف می‌کنم" "تنها هستم" از اینکه یکی از نزدیکترین دوستان که با من غذا می‌خورد به من خیانت می‌کنم. احساس بدی دارم." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

"شاگردان و عیسی به غذا خوردن ادامه دادند و سپس عیسی کمی نان برداشت و آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: "این بدن من است"

سپس عیسی پیاله شراب را برداشت و خدا را برای آن شکر کرد و آن را به شاگردان داد و هر کدام از آنها جرعه‌ای از آن شراب نوشیدند. سپس عیسی گفت: "این است خون من که عهد میان خدا و انسان را مهر می‌کند. همانطور که شراب از این پیاله می‌ریزد، خون من نیز ریخته می‌شود و یقین بدانید که دیگر از میوه نخواهم خورد، تا آن روزی که در پادشاهی خدا آن را تازه بخورم." اجرای نمایش را متوقف کنید و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "گیج شده‌ایم، تازه متوجه می‌شویم که عیسی برای نقشه خدا برای این جهان و اسرائیل فرد مهمی است"، "ترسیده‌ایم، واقعاً عیسی کشته خواهد شد؟" سپس ادامه نمایش را اجرا کنید

در پایان شام عیسی و شاگردانش سرود شکرگزاری خواندند و با هم خدا را شکر نمودند و اورشلیم را ترک کرده و به سوی دره و بالای کوه زیتون رفتند.

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 14: 12 — 26

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 14: 12 — 26 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

این داستان در روز اول **عید نان فطیر**، و وقتی که بره **عید فصح قربانی می‌شود**، اتفاق افتاده است. از همان واژه‌ای برای اشاره به **عید نان فطیر و فصح و قربانی** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و به یاد داشته باشید که می‌توانید از فرهنگ لغات برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژگان استفاده کنید

شاگردان عیسی از او پرسیدند که کجا می‌توانند شام عید فصح را آماده کنند. از همان واژه‌ای برای اشاره به **شاگردان** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

"عیسی به شاگردانش گفت که به صاحب خانه بگویند که: "استاد می‌گوید آن اتاق **مهمان** که من با شاگردانم فصح را در آنجا خواهیم خورد کجاست؟ از همان واژه‌ای برای اشاره به **استاد** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید. **اتاق مهمان** اتاقی اضافی در خانه بود که افراد برای مهمانانشان تدارک دیده بودند. اکثر خانه‌های روستایی دارای یک طبقه بودند اما در اورشلیم می‌توانستید خانه‌هایی با دو طبقه را نیز مشاهده کنید. آن اتاق مفروش بود و فرش، تخت و بشقاب غذا در آن موجود بود

عیسی به همراه **دوازده** شاگرد خود به آنجا رفتند و منظور از **دوازده** شاگرد به دوازده نفر از پیروان بسیار نزدیک عیسی اشاره می‌کند که معمولاً در عهد جدید آنها را شاگردان خطاب می‌کردند

عیسی به شاگردانش گفت که یکی از آنها به او خیانت خواهد کرد و همچنین در ادامه بیان کرد که همانطور که در **کلام خدا** گفته شده است **پسر انسان** باید بمیرد. از همان واژه‌ای برای اشاره به واژه‌های **پسر انسان** و **کلام خدا** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

در زبان آرامی که عیسی و شاگردانش به آن صحبت می‌کردند، فعل "هست" وجود ندارد و در نتیجه عیسی به طور تحت اللفظی گفته است که: "این بدن من" و "این — خون من". از آنجایی که ما مطمئن نیستیم که عیسی در این جمله دقیقاً چه منظوری داشت، در نتیجه کلیساهای مختلف و محققان کتاب مقدس مختلف این بخش را به شکل‌های متفاوتی تفسیر می‌کنند. برخی بر این باور هستند که عیسی در اینجا در رابطه با بدن و خون جسمانی خود صحبت نمی‌کند. آنها بر این باور هستند که منظور عیسی این بوده که: "این نان نمادی از بدن و شراب نمادی از خون من است." شما به هر نحوی که این بخش از داستان را ترجمه کنید، باید بر این نکته توجه داشته باشید که منظور اصلی عیسی این بوده که او همواره با آنان خواهد بود

بدن به معنای همین بدن جسمانی زنده است و نباید آن را با جسد و یا بدن بی جان اشتباه گرفت

عیسی **پیاله** را برداشت. این پیاله جامی است که در آن شراب می‌ریزند و گاهی اوقات آن را با آب رقیق می‌کردند

عیسی اشاره کرد خون او که در طول مرگش ریخته می‌شود **عهد** میان خدا و مردمانش را مهر می‌کند. این **عهد** وعده‌ای است که خدا بر اساس آن افرادی را که به عیسی به عنوان قربانی گناهانشان اعتماد دارند نجات می‌دهد. در برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس این کلمه به صورت **عهد** ترجمه شده است و در برخی دیگر از ترجمه‌ها به صورت **عهد جدید** ترجمه شده است اما این در حالی است که اکثر ترجمه‌های کتاب مقدس آن را تنها "عهد" ترجمه کرده‌اند. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با اینکه چه کلمات یا عباراتی را می‌توانید به جای کلمه **عهد** به کار بگیرید با هم تبادل نظر داشته باشید. می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژه به فرهنگ لغات مراجعه کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

عیسی اشاره کرد که **خون او به عنوان قربانی برای بسیاری ریخته خواهد شد** و این ریخته شدن خون همانند ریخته شدن شراب از پیاله است. عیسی قربانی خواهد بود که "بسیاری" را نجات خواهد داد. واژه "بسیاری" معمولاً به "افراد بسیاری" اشاره می‌کند. این واژه می‌تواند به تمامی افرادی اشاره داشته باشد که به عیسی به عنوان قربانی اعتماد می‌کنند و یا در عین حال می‌تواند به افرادی اشاره داشته باشد که زنده هستند

سپس عیسی اشاره می‌کند که دیگر از **میوه درخت مو** نخواهد خورد تا روزی که در پادشاهی خدا آن را تازه بخورد. از همان کلمه و یا عباراتی برای اشاره به **پادشاهی خدا** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

واژه **میوه درخت مو** به شراب اشاره می‌کند که از انگورهای تخمیر شده به دست آمده است

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع که چه کلمه‌ای را می‌توانید به جای واژه **میوه درخت مو** استفاده کنید با هم تبادل نظر داشته باشید. انگورها بر تاک انگور رشد می‌کنند و در نتیجه شما می‌توانید از کلمه‌ای برای اشاره به آنها استفاده کنید که به انگور اشاره داشته باشد

وقتی که آنها شامشان را خوردند، عیسی به همراه شاگرداش **سرودی** خواندند. این **سرود** یک سرود پرستش خدا است و احتمالاً همان مزمور 118 می‌باشد. این سرود خدا را برای محبت وفادارانه‌اش که تا به ابد باقی است پرستش می‌کند

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با اینکه چه کلمه‌ای را می‌توانید به جای واژه **سرود** استفاده کنید با هم تبادل نظر داشته باشید و می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

مرقس 31-14:27

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14:27 — 31)

آیات مرقس 14:27-31 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوششان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوششان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14:27 — 31)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14:27 — 31 گوش دهید.

عیسی و شاگردانش شام عید فصح را در درون شهر اورشلیم خوردند و در این زمان غروب شده بود و هوا تاریک بود. آنها شهر را ترک کردند و از سوی درّه به سوی کوه زیتون رفتند. این داستان با رفتن آنها به سوی کوه زیتون آغاز می‌شود و همانند داستانی تفسیری می‌باشد. مرقس این داستان و مکالمه او با شاگردانش را در میان داستان پیشین و داستان بعدی و اتفاقاتی که موجب مرگ مسیح می‌شوند بیان می‌کند.

عیسی به شاگردانش می‌گوید که: "همه شما از من روی گردان خواهید شد"، و این بدان معنی است که شاگردان عیسی را ترک کرده و فرار خواهند کرد. شاگردان در این زمان به عیسی وفادار نخواهند بود و سپس عیسی متنی را از کلام خدا و زکریای نبی بیان می‌کند. زکریا نبوت می‌کند که روزی خدا برای مردمانش پاکی و یا همان نجات از گناهان را به ارمغان خواهد آورد و این درست همانند پاک کردن ناپاکی توسط آب خواهد بود. برای اینکه خدا نجات خود را به ارمغان بیاورد، شبان را خواهد زد و یا او را خواهد کشت. عیسی خود را شبان می‌نامد و معمولاً وقتی که شبانی گوسفندانش را تنها می‌گذارد، گوسفندان پراکنده می‌شوند. این دقیقاً همان اتفاقی است که آن شب پس از دستگیری عیسی توسط رهبران مذهبی می‌افتد. وقتی که شبان کشته شد، مردمان خدا فرار کردند و یا عیسی را انکار نمودند.

در اینجا مکث کنید و به تصویر گروهی از گوسفندان و شبان آنها نگاهی بیاندازید.

به شکل گروهی در رابطه با این موارد با هم تبادل نظر داشته باشید: آیا رهبران مذهبی شما تا به حال همانند عیسی خودشان را با چیز دیگری در این جهان مقایسه کرده‌اند؟ اگر پاسخ شما مثبت است آنگاه این مقایسه را شرح دهید. تشابهات و تفاوت‌های این مقایسه را با مقایسه عیسی با شبان را شرح دهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی تعادلی را میان خبر بد مبنی بر اینکه شاگردانش فرار خواهند کرد و خبر خوب هم مبنی بر اینکه او بار دیگر آنها را در جلیل ملاقات خواهد نمود ایجاد می‌کند. جلیل منطقه‌ای در نزدیکی دریای جلیل است. عیسی در ابتدا اشاره می‌کند که از مردگان برخاست و این بدان معنی است که خدا بار دیگر او را زنده خواهد نمود. همچنین عیسی در ادامه بیان می‌کند که او همانند شبانی که گوسفندانش را رهبری می‌کند، "پیش" از شاگردانش به جلیل خواهد رفت. عیسی تصمیم داشت تا به شاگردانش اطمینان دهد که حتی اگر او را انکار کرده و فرار کنند نیز بار دیگر رابطه خود را با آنها احیا خواهد نمود و آنها را ملاقات خواهد کرد.

در اینجا مکث کنید و به نقشه اسرائیل که شامل اورشلیم و منطقه جلیل است نگاهی بیاندازید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

پطرس یکی از شاگردان عیسی تنها بر خبر بدی که عیسی داده بود تمرکز می‌کند و به شدت اشاره می‌کند که هرگز عیسی را ترک نخواهد کرد. همچنین در ادامه بیان می‌کند که: "حتی اگر همه تو را ترک کنند، من تو را ترک نخواهم نمود." از همان واژه‌ای برای اشاره به "ترک کردن" استفاده کنید که در ابتدای این متن استفاده کرده بودید. اما عیسی در ادامه بیان می‌کند که: "یقین بدان"، و عیسی با این جمله سعی می‌کند تا توجه پطرس را به خود جلب کند.

در اینجا مکث کنید و در رابطه با ترجمه واژه "یقین بدان" با هم تبادل نظر کنید. این واژه بارها در کتاب مرقس ذکر شده است. شما با چه واژه‌ای توجه افراد را نسبت به سخنان خود جلب می‌کنید؟ شما به چه طریقی در مکالمات خود بر جملات مهم تاکید می‌کنید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید عیسی اشاره می‌کند که حتی در آن شب پطرس نیز سه بار او را انکار خواهد کرد و یا خواهد گفت که او را نمی‌شناسد. پطرس پیش از اینکه خروس دو بار بخواند، عیسی را سه بار انکار خواهد نمود. خروس معمولاً دو بار در صبح و پیش از طلوع خورشید می‌خواند و یکی از دلایل آن این است که پاسخ دیگر خروس‌ها را می‌دهد. عیسی اشاره می‌کند که پطرس پیش از صبح روز بعد عیسی را سه بار انکار خواهد نمود. در حقیقت عیسی با این جمله نشان می‌دهد که پطرس او را کاملاً انکار خواهد نمود

در اینجا مکث کنید و تصویری از خروس را به گروه نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

پطرس و دیگر شاگردان به شدت بیان می‌کنند که آنها هرگز عیسی را انکار نخواهند کرد. حتی پطرس بیان می‌کند که حاضر است تا به همراه عیسی بمیرد. پطرس می‌داند که این مرگ راحتی نخواهد بود و در ادامه اما پطرس و شاگردان عیسی را انکار می‌کنند

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14:27 — 31

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید

این داستان دارای یک صحنه است

صحنه نمایش: ** عیسی و شاگردانش به سوی کوه زیتون می‌روند. عیسی به شاگردانش می‌گوید که آنها او را ترک خواهند کرد و سپس جمله‌ای از ** زکریای نبی را نقل می‌کند. عیسی به شاگردانش می‌گوید که آنها را دوباره در جلیل ملاقات خواهد کرد. پطرس با شنیدن این جمله می‌گوید که او هرگز عیسی را ترک نخواهد کرد. اما عیسی به پطرس می‌گوید که او پیش از طلوع خورشید روز بعد عیسی را سه بار انکار خواهد نمود. در این زمان پطرس و دیگر شاگردان به عیسی قول می‌دهند که آنها هرگز او را ترک نخواهند کرد

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان عیسی شامل پطرس
- یک شبان
- یک گوسفند

به شکل گروهی به بخش‌های مختلف ساختار این داستان توجه کنید: به یاد داشته باشید که عیسی و شاگردانش در این زمان خوردن شام فصح را تمام کرده‌اند و زمان غروب فرا رسیده است و هوا تاریک شده است. آنها از اورشلیم خارج می‌شوند و از کوه زیتون بالا می‌روند و در طول راه عیسی با آنها سخن می‌گوید

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که عیسی آیه‌ای را از کلام خدا نقل قول می‌کند و می‌گوید: "همه شما از من روی گردان خواهید شد، چون کلام خدا" می‌فرماید

عیسی از کلام خدا نقل قول می‌کند و سپس در ابتدای آیه 28 کلمه "اما" را به کار می‌گیرد تا نشان بدهد که بقیه سخنان نقل قول نیستند. او خبر خوش را به آنها می‌دهد مبنی بر اینکه از مردگان برخاسته و پیش از آنان به جلیل خواهد رفت تا آنها را در آنجا ملاقات کند

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که پطرس در حقیقت به نمایندگی از گروه شاگردان سخن می‌گوید و لحن صدای او در اینجا نشان می‌دهد که از این سخن عیسی ناراحت شده است. شنیدن ای سخنان برای شاگردان شوکه کننده است و او هرگز قصد فرار و یا حتی انکار مسیح را ندارد. او عیسی را دوست دارد و در حقیقت نگرش او همراه با غرور است زیرا بر این باور است که حتی اگر تمامی شاگردان عیسی را ترک کنند، اما او هرگز عیسی را ترک نخواهد کرد و بهتر از آنان است. به یاد داشته باشید که عیسی با شنیدن این جملات پطرس پاسخ تندی به او داد و گفت: "حتی تو هم من را ترک ... خواهی کرد"

توجه داشته باشید که پطرس با قاطعیت سخن می‌گوید و به وضوح پاسخ منفی می‌دهد. پطرس اشاره می‌کند که او حتی آماده است تا بمیرد و دیگر شاگردان نیز همین جمله را بیان می‌کنند و اشاره می‌کنند که هرگز عیسی را ترک نخواهند کرد و حاضر هستند تا برای او بمیرند

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14:27 — 31)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند

این داستان دارای یک صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان به همراه پطرس
- یک شبان
- یک گوسفند

به شکل گروهی به این قسمت‌های داستان توجه کنید

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

گروه شما باید نمایش را طوری اجرا کند که در ابتدای آن نشان بدهد که عیسی به همراه شاگردانش به بالای کوه زیتون می‌روند و عیسی شروع به صحبت با آنها می‌کند و می‌گوید: "همه شما من را ترک خواهید کرد، چون کلام خدا می‌فرماید: چوپان را خواهم زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد. اما بعد از آنکه دوباره زنده شوم، قبل از شما به جلیل خواهم رفت." پطرس با شنیدن این جمله گفت: "حتی اگر همه تو را ترک کنند، من تو را ترک نخواهم کرد." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "از اینکه دوستانم من را ترک خواهند کرد بسیار ناراحت هستم." از پطرس ناامید شده‌ام، "من می‌دانم که برای نجات مردم چه کاری باید انجام بدهم، اما انجام این کار آسان نیست." سپس از فردی که نقش پطرس را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "گیج شده‌ام، من هرگز عیسی را ترک نخواهم کرد"، "از اینکه از عیسی پیروی می‌کنم به خودم می‌آلم"، "من احساس می‌کنم که فرد شجاعی هستم". سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

حال عیسی باید در این زمان بگوید که: "پطرس یقین بدان که پیش از طلوع خورشید و پیش از اینکه خروس دو بار بخواند تو من را سه بار انکار خواهی کرد." پطرس سریع پاسخ می‌دهد که: "نه، من هم با تو خواهم مرد، اما هرگز تو را انکار نخواهم کرد." دیگر شاگردان نیز چنین جمله‌ای بر زبان می‌آورند. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" ای کاش پطرس با من می‌ماند." سپس از افرادی که نقش شاگردان و پطرس را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "نمی‌دانیم که منظور عیسی چیست؟"، "می‌خواهیم تا شجاعانه نزد عیسی بمانیم"، "از اینکه از عیسی پیروی می‌کنیم احساس غرور می‌کنی"

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 31-27:14

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 14:27 — 31 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

عیسی به شاگردانش می‌گوید که: "شما از من روی گردان خواهید شد زیرا در کلام خدا اینطور نوشته شده است." **روی گردان** شدن به معنای ترک کردن چیزی است. عیسی اشاره می‌کند که "در کلام خدا اینطور نوشته شده است"، اما شاگردان می‌دانستند که او در مورد نبوتی که در کلام خدا نوشته شده است صحبت می‌کند و این کلام خدا متون مقدس آنها بود. در برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس این واژه به صورت **کلام خدا** ترجمه شده است تا بتواند به شکل واضح‌تری معنای آن را برساند. اگر شما نیز در زمان ترجمه از واژه کلام خدا استفاده می‌کنید، آن را به همان طریقی ترجمه کنید که در متن‌های پیشین ترجمه کرده بودید و به یاد داشته باشید که می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

"در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر کنید که چه کلمات و یا عباراتی را می‌توانید به جای واژه "روی گردان شدن استفاده کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

عیسی اشاره می‌کند که خدا شبان را خواهد زد. در این مورد زدن به معنای کشتن است. شبان فردی است که از گوسفندان و بزها مراقبت می‌کند. عیسی معمولاً خودش را به عنوان شبانی که مراقب پیروانش است معرفی می‌کند. عیسی افرادی که از او پیروی می‌کنند را با گوسفندان مقایسه می‌کند. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید که چه کلمات و یا عباراتی را می‌توانید به جای واژه زدن استفاده کنید. از همان واژه و یا عباراتی برای اشاره به واژه ((شبان)) استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و می‌توانید برای یافتن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

عیسی اشاره می‌کند که او پس از اینکه خدا او را از مردگان برخیزانید، پیش از شاگردانش به جلیل خواهد رفت. جلیل منطقه‌ای در دریای جلیل است و بسیاری از شاگردان عیسی اهل این منطقه بودند و عیسی بسیاری از اعمال خود را در نزدیکی همین دریا انجام داد. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در رابطه با این واژه به فرهنگ لغات مراجعه کنید

وقتی که عیسی به پطرس پاسخ می‌دهد او می‌گوید که "یقین بدان"، و عیسی از این واژه استفاده می‌کند تا بر سخنانش تأکید کند و به آنها بگوید که باید به دقت به این بخش از سخنان او دقت کنند و به آنها باور و ایمان داشته باشند. از همان کلمات و یا عباراتی برای اشاره به واژه "یقین بدان" استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید

مرقس 14:32-42

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14:32 — 42)

آیات مرقس 14:32 — 42 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید

1. از چه چیزی در این داستان خوششان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوششان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تأثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14:32 — 42)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14:32 — 42 گوش دهید

عیسی و شاگردانش از طرف درّه به بالای کوه زیتون رفتند و به باغ زیتونی که در سوی دیگر کوه قرار داشت و به باغ جتسیمانی معروف بود رسیدند. باغ زیتون مکانی است که پر از درختان زیتون می‌باشد و از آن روغن زیتون به دست می‌آید. واژه جتسیمانی به زبان عبری به معنای به معنای "فشار دادن زیتون" می‌باشد و در نتیجه این احتمال دارد که مردم در آنجا زیتون را فشار می‌دادند تا روغن لازم را از آنها به دست بیاورند

در اینجا مکث کنید و تصویری از باغ جتسیمانی و درختان زیتون را به گروه نشان بدهید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید

وقتی که عیسی و شاگردانش به باغ رسیدند، به شاگردانش گفت تا بنشینند و در حینی که او می‌رود تا دعا کند، منتظرش بمانند. احتمالاً عیسی این کار را قبلاً نیز بارها انجام داده بود. اما او پیش از اینکه به دعا برود پطرس و یعقوب یوحنا را با خود برد. اما سوال اینجا است که چرا این سه نفر را با خود برد؟ این سه نفر از شاگردان قبلاً به عیسی گفته بودند که حاضر هستند تا به همراه او جفا ببینند و رنج بکشند

عیسی در اینجا رنج عاطفی بسیاری را تجربه کرد. او می‌دانست که مشکل بزرگی پیش رو است و اضطراب فراوانی داشت و در نتیجه می‌گوید: "از شدت غم و اندوه جان من بسیار اندوهگین است." عیسی اشاره می‌کند که آنقدر احساس غم و اندوه دارد که گویی بار بسیار زیادی بر شانه‌هایش می‌باشد جان" در اینجا به معنای مرکز شخصیت افراد می‌باشد و یکی از مهمترین موارد در زندگی عیسی است و در اینجا عیسی حقیقتاً درد و رنجی را که برای آن آماده شده بود را تجربه می‌کند. عیسی به خوبی از هزینه این درد و رنج آگاه بود

در اینجا مکث کنید و با گروه خود در رابطه با این موارد تبادل نظر داشته باشید: در اینجا چنین توضیح داده شده است که ترس و اضطراب درد عاطفی عیسی بسیار زیاد می‌باشد. حال شما باید داستان‌هایی را در رابطه با زمانی‌هایی را بیان کنید که احساس درد و رنج و اضطراب بسیار زیادی داشتید. وقتی که به داستان‌های یکدیگر گوش می‌دهید، به کلماتی که رنج عاطفی افراد را بیان می‌کند توجه داشته باشید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی از این سه شاگرد خود درخواست می‌کند تا مراقب باشند و یا درحقیقت از نظر روحانی هوشیار باشند تا در برابر وسوسه‌هایی که به زودی با آنها مواجه خواهند شد بایستند. سپس عیسی چند متر دورتر رفت و شروع به دعا کردن نمود. او زانو زد (و یا بر روی زمین دراز کشید) و دعا کرد و این بدان معنی است که این دعای او اهمیت بسیار زیادی داشت. یهودیان معمولاً در حالت ایستاده و با دستانی برافراشته به سوی آسمان دعا می‌کردند. عیسی دعا می‌کند که این "ساعت" و یا همان زمان درد و رنج از او دور شود. او خدا را پدر یعنی همان واژه یهودی "ابا" صدا می‌کند. یهودیان از این واژه برای مورد خطاب قرار دادن خدا استفاده نمی‌کردند و در نتیجه عیسی با این کار خود رابطه خاص خودش با خدا را نشان می‌دهد. او از خدا می‌خواهد تا این "پیاله" را از او دور کند. در عهد عتیق پیاله نمادی از خشم خدا بود. هر چند که عیسی می‌دانست که خدا تمامی این خشم و داوری خود را بر او خواهد نهاد، اما با این وجود باز هم از او اطاعت می‌کند و به او اعتماد می‌ورزد. این حقیقت را می‌توان از جملاتی که به خدا بیان می‌کند و رابطه پدر و پسر خود را با خدا از طریق آنها بیان می‌کند و همچنین از لحن مودبانه او با خدا متوجه شویم. او به خدا می‌گوید که: "اگر ممکن است"، و یا "نه به اراده من بلکه به اراده تو" و همچنین عیسی اشاره می‌کند که آنچه که اراده تو است انجام شود.

عیسی نزد آن سه شاگرد خود باز می‌گردد زیرا نگران بود که مبدا دچار وسوسه شده باشند. اما مشاهده می‌کند که آنها خوابیده‌اند و در این زمان عیسی در ابتدا با پطرس صحبت می‌کند زیرا او قسم خورده بود که به همراه عیسی خواهد مرد. عیسی پطرس را به نام صدا می‌کند و می‌گوید: "شمعون"، هدف عیسی از این کار احتمالاً این بود که نشان بدهد که پطرس مانند زمان پیش از پیروی خود از عیسی رفتار می‌کند. عیسی از او سوالی می‌پرسد و می‌گوید: "آیا خوابیده‌ای؟ حتی نمی‌توانستی یک ساعت با من بیدار بمانی؟" عیسی با مشاهده شاگردان خود که خوابیده بودند متعجب شده و ناامید شد و درحقیقت با این سوال خود آنها را سرزنش کرد. سپس عیسی به آن سه نفر می‌گوید که: "بیدار باشید و دعا کنید." بیدار بودن بدین معنا است که آنها باید از نظر روحانی بیدار باشند تا حتی در زمان وسوسه انکار عیسی نسبت به او وفادار بمانند. سپس عیسی اشاره می‌کند که: "روح شما مایل است تا این کار را انجام بدهد، اما جسم شما ضعیف است." این بدان معنی است که قلب و یا همان احساسات شما تمایل دارند تا از خدا پیروی کنند، اما خود شما در انجام این کار ضعیف و ناتوان هستید. عیسی می‌دانست که روح خدا در آنها و یا تمایلات آنها به آنها کمک می‌کند تا از او پیروی کنند. اما انسان ضعیف است و ما نمی‌توانیم با قدرت خودمان در برابر شریر بایستیم.

عیسی دوباره چند متر دورتر می‌رود تا باز هم به همان طریق دعا کند. او باز نزد شاگردان برمی‌گردد مشاهده می‌کند که چشمان آنها نگین شده و این بدان معنا است که آنها چشمانشان را بسته و باز خوابیده‌اند. شاگردان برای خوابیدن خود بهانه خوبی نداشتند، در نتیجه نمی‌دانستند که چه جوابی به عیسی بدهند. عیسی برای بار سوم می‌رود تا دعا کند و دوباره نزد شاگردان برمی‌گردد.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این مورد با هم تبادل نظر داشته باشید: در فرهنگ شما وقتی که مقصر هستید، آنها سعی می‌کنند تا از خودتان دفاع کنید و یا اینکه ساکت می‌مانید/ چگونه مقصر بودن فردی را تشخیص می‌دهید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

وقتی که عیسی برای بار سوم نزد شاگردانش برمی‌گردد، از آنها می‌پرسد که: "هنوز خوابیده‌اید و استراحت می‌کنید؟" او از اینکه شاگردان به جای دعا کردن به خواب رفته‌اند آنها را توبیخ می‌کند. سپس می‌گوید: "کافی است" و این احتمالاً بدان معنی است که برای چیزهایی که دعا کرده است احتمالاً تصمیمی گرفته شده است. و یا این احتمال نیز وجود دارد که شاگردان نباید دیگر بخوابند و: "ساعت فرا رسیده است" و یا زمانی که خدا مقرر کرده بود تا اتفاقات لازم بیفتند فرا سیده است. عیسی اشاره می‌کند که: "به پسر انسان خیانت خواهد شد و او به دست گناهکاران سپرده خواهد شد." این بدان معنی است که گناهکاران که نمی‌دانند که عیسی حقیقتاً کیست، او را دستگیر خواهند نمود و او رنج کشیده و کشته خواهد شد. عیسی بار دیگر در اینجا خود را پسر انسان خطاب می‌کند و با این کار خود بر این حقیقت تأکید می‌کند که آن افرادی که او را می‌کشند کسی را که خدا برای نجاتشان فرستاده را درحقیقت می‌کشند.

سپس عیسی اشاره می‌کند که: "بیباید برویم و یهودا و افرادی که با او هستند را ببینیم." کسی که قرار است تا مرا تسلیم کند الان می‌رسد" و منظور عیسی از این جمله این است که یهودا در باغ جتسیمانی است.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14: 32 — 42

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای 8 صحنه است

در صحنه اول: عیسی و شاگردانش با باغ زیتونی به نام باغ جتسیمانی رسیدند

در صحنه دوم: عیسی سه نفر از شاگردان به نام‌های پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برداشته و به کناری می‌رود و در این زمان او اضطراب دارد. و از آنها می‌خواهد تا هوشیار باشند

در صحنه سوم: عیسی کمی جلوتر می‌رود و بر زمین می‌افتد تا دعا کند. او از خدا می‌خواهد تا این رنج و عذاب را از او دور کند

در صحنه چهارم: عیسی نزد آن سه شاگرد برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که آنها خوابیده‌اند. او با شمعون پطرس صحبت می‌کند و به آن سه نفر می‌گوید تا هوشیار باشند و دعا کنند

در صحنه پنجم: ** عیسی برمی‌گردد تا برای بار دوم مانند قبل نزد خدا دعا کند**

در صحنه ششم: عیسی برای بار دوم شاگردانش برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که آنها دوباره خوابیده‌اند

در صحنه هفتم: ظاهراً عیسی برای بار سوم می‌رود تا نزد خدا دعا کند

در صحنه هشتم: عیسی برای بار سوم نزد شاگردان برمی‌گردد و این بار به آنها می‌گوید که: "بیایید برویم، کسی که قرار است تا به من خیانت کند اینجا است"

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان
- پطرس و یعقوب و یوحنا که به همراه عیسی کمی جلوتر می‌روند
- خدای پدر

به شکل گروهي به این قسمت‌های ساختار متن توجه کنید. باید به یاد داشته باشید که این داستان زمانی آغاز می‌شود که عیسی و شاگردانش به باغ زیتونی به نام جتسیمانی رسیده‌اند که به معنای "فشردن زیتون" می‌باشد. این منطقه کوچکی است که درختان زیتون بسیاری در آن کاشته شده‌اند. این درختان رشد کرده و محصول زیتون به بار می‌آورند و می‌توان از آن روغن زیتون به دست آورد

همچنین شما باید به یاد داشته باشید که پطرس و یعقوب و یوحنا به همراه عیسی در باغ بودند اما دیگر شاگردان در ورودی باغ مانده و منتظر عیسی و آن سه شاگرد بودند. عیسی اضطراب بسیاری داشت و خودش نیز اشاره کرده بود که غم و اندوه بسیاری دارد. او به وضوح وضعیت خود را بیان می‌کند

احساسات می‌توانند شامل پریشانی، ترس عمیق، نگرانی، و عدم اطمینان باشند. عیسی مدتی چنین احساساتی داشت. توجه داشته باشید که این حس او لحظه‌ای نبود

در اینجا مکث کنید و آنچه را که در بخش دوم این متن در رابطه با احساسات عمیق با هم در میان گذاشته بودید را دوباره مرور کنید. شما واژه‌های مضطرب و اندوهگین را چگونه ترجمه می‌کنید

عیسی به آن سه شاگرد خود گفت تا هوشیار باشند و یا از نظر روحانی هوشیار باشند تا بتوانند در برابر وسوسه انکار کردن او مقاومت کنند. عیسی آن سه شاگرد را ترک کرد و کمی جلوتر به داخل باغ جتسیمانی رفت. او احتمالاً به اندازه فاصله پرتاب یک سنگ جلو رفت

عیسی "بر زمین افتاد" و با بر زمین زانو زد تا با خدا صحبت کند. این داستان اشاره می‌کند که او دعا کرد تا آن موقعیت وحشتناک برایش اتفاق نیفتد سپس دوباره دعا کرد و نقل قولی مستقیم را بیان کرد و گفت: "ابا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو." عیسی با لحنی مودبانه با خدا صحبت می‌کند

سپس عیسی از جایش بلند می‌شود و نزد آن سه شاگرد برمی‌گردد. آنها خوابیده بودند و عیسی به پطرس می‌گوید: "ای شمعون آیا خوابیده‌ای؟ نمی‌توانستی یک ساعت با من بیدار بمانی؟" سپس عیسی رو به تمامی آن سه شاگرد خود کرد و گفت: "بیدار باشید و دعا کنید تا از وسوسه‌ها به دور بمانید. روح مشتاق است اما جسم ناتوان"

عیسی بار دیگر از آنها جدا شد و رفت تا دوباره به همان طریق دعا کند. اگر به یاد داشته باشید عیسی قبلاً دعا کرده بود و گفته بود که: "ابا، ای پدر همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو." همچنین شما باید در اینجا نیز به یاد داشته باشید که عیسی از نظر عاطفی مضطرب بود اما همیشه لحنی مودبانه با خدا سخن می‌گفت. او رابطه نزدیکی با خدا داشت، و رابطه او همانند کودکی بود که به پدرش اعتماد می‌کند و در زمان صحبت با او از کلماتی مهربانانه استفاده می‌کند

عیسی دوباره نزد شاگردان برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که آنها باز خوابیده‌اند و نمی‌توانند چشمانشان را باز نگاه دارند. شاگردان نمی‌دانستند که به مسیح چه بگویند و قادر نبودند تا بیدار بمانند

عیسی رفت تا برای بار سوم دعا کند و احتمالاً باز هم همان دعا را انجام داد. "ابا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو"

سپس برای بار سوم نزد آن سه شاگرد بازگشت و مشاهده کرد که پطرس و یعقوب و یوحنا خوابیده‌اند و این بار به آنها می‌گوید: "آیا هنوز خوابیده‌اید"، و یا "می‌توانید از این به بعد بخواهید." او احتمالاً از اینکه شاگردان باز هم خوابیده بودند تعجب کرده بود. سپس به آنها می‌گوید: "آیا باز هم در خواب و در استراحت هستید؟ بس است! ساعت موعود رسیده است، اکنون پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می‌شود

باید به یاد داشته باشید که این رفت و آمدها میان عیسی و آن سه نفر از شاگردانش اتفاق افتاد

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14:32 — 42)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند

این داستان دارای 8 صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شاگردان
- پطرس و یعقوب و یوحنا
- خدای پدر

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

برای این داستان بهتر است تا فردی نقش خدای پدر را بازی کند و به دعای عیسی گوش بدهد

عیسی سه نفر از شاگردان به نام‌های پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برداشته و به داخل باغ جتسیمانی می‌رود اما بقیه شاگردان در ورودی باغ مانده و منتظر آنها می‌مانند. عیسی بسیار مضطرب است و اشاره می‌کند که غم و اندوه او بسیار زیاد است. عیسی به آن سه شاگرد خود می‌گوید تا هوشیار باشند و از نظر روحانی مراقب باشند تا بتوانند در برابر وسوسه انکار او مقاومت کنند. سپس عیسی آن سه شاگرد را ترک می‌کند و کمی جلوتر می‌رود و احتمالاً به اندازه پرتاب یک سنگ جلو می‌رود. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "با دیدن این اضطراب بسیار زیاد عیسی تعجب کرده‌ایم — تا به حال او را اینطور ندیده بودیم"، "بسیار خسته هستیم و نمی‌توانیم منظور عیسی را به درستی درک کنیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "بسیار خسته هستم و حتی راه رفتن هم برایم دشوار است" و یا "بسیار تنها هستم." **سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

عیسی "بر زمین افتاد" و یا زانو زد تا با پدرش صحبت کند. در متن داستان مشاهده می‌کنیم که او دعا کرد تا آن اتفاق وحشتناک برایش روی ندهد. سپس او با نقل قول مستقیمی ادامه می‌دهد و می‌گوید: "ابا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو." عیسی در زمان صحبت با خدا بسیار مودب است. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "افسرده هستم، تصمیم دارم تا کاری را انجام بدهم که خدا از من می‌خواست"، "به پدرم اعتماد دارم." از فردی که نقش خدا را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "ای کاش می‌توانستم این موقعیت را تغییر بدهم"، "از اینکه مشاهده می‌کنم که پسر من در چنین حالتی گرفتار شده ناراحت هستم"، "می‌خواهم تا محبت خودم را به او نشان بدهم." **** سپس ادامه نمایش را اجرا کنید****

عیسی از جایش بلند می‌شود و نزد آن سه شاگرد برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که آنها خوابیده‌اند. عیسی به پطرس می‌گوید: "ای شمعون آیا خوابیده‌ای؟ نمی‌توانستی یک ساعت با من بیدار بمانی؟" سپس عیسی رو به تمامی آن سه شاگرد خود کرد و گفت: "بیدار باشید و دعا کنید تا از وسوسه‌ها به دور بمانید. روح مشتاق است اما جسم ناتوان"

اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "از اینکه خوابان برد خجالت‌زده شدیم"، "بسیار خسته هستیم"، "انقدر خسته هستیم که نمی‌توانیم به درستی فکر کنیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که چه حسی دارد و او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "نگران شاگردانم هستم"، "بسیار خسته هستم." **سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

عیسی بار دیگر از آنها جدا شد و رفت تا دوباره به همان طریق دعا کند. اگر به یاد داشته باشید عیسی قبلاً دعا کرده بود و گفته بود که: "ابا، ای پدر همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو." همچنین شما باید در اینجا نیز به یاد داشته باشید که

عیسی از نظر عاطفی مضطرب بود اما همیشه لحنی مودبانه با خدا سخن می‌گفت. او رابطه نزدیکی با خدا داشت، و رابطه او همانند کودکی بود که به پدرش اعتماد می‌کند و در زمان صحبت با او از کلماتی مهربانانه استفاده می‌کند.

عیسی برای بار دوم نزد شاگردانش برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که آنها هنوز خوابیده‌اند. چشمان آنها بسته است و شاگردان نمی‌دانند که چه پاسخی به عیسی بدهند و نمی‌توانند بیدار بمانند. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "نمی‌دانیم که چرا اینقدر ضعیف شده‌ایم" و یا "خجالت‌زده هستیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که چه حس و یا نظری دارد و او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "بسیار تنها هستم"، "ای کاش افرادی بودند که در این زمان با من بیدار می‌ماندند." **سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

عیسی رفت تا برای بار سوم دعا کند و احتمالاً باز هم همان دعا را انجام داد. "ابا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز. اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو."

سپس برای بار سوم نزد آن سه شاگرد بازگشت و مشاهده کرد که پطرس و یعقوب و یوحنا خوابیده‌اند و این بار به آنها می‌گوید: "آیا هنوز خوابیده‌اید"، و یا "می‌توانید از این به بعد بخواهید." او احتمالاً از اینکه شاگردان باز هم خوابیده بودند تعجب کرده بود. سپس به آنها می‌گوید: "آیا باز هم در خواب و در استراحت هستید؟ بس است! ساعت موعود رسیده است، اکنون پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می‌شود." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و "از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "این کار را برای پیروانم انجام می‌دهم." از شاگردانم و پیروانم ناامید شده‌ام، اما آنها را بسیار دوست دارم"، "ناامید هستم، خداوند لطفاً به من کمک کن"

یاد به یاد داشته باشید که این رفت و آمدها میان عیسی و آن سه نفر از شاگردانش اتفاق افتاد.

پercردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی

مرقس 14: 32 — 42

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 14: 32 — 42 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

عیسی از شاگردانش می‌خواهد تا در زمانی که برای دعا می‌رود در آنجا بمانند. دعا به معنای صحبت کردن با خدا است. در این دعا از خدا می‌خواهیم تا کاری برایمان انجام دهد. از همان کلمه و یا واژه‌ای برای اشاره به دعا استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

روح من بسیار غمگین است و یا از شدت غم و اندوه نزدیک به مرگ هستم. این جمله بدین معنا است که او بسیار غمگین است به حدی که این غم و اندوه می‌تواند او را بکشد. از همان کلمه و یا واژه‌ای برای اشاره به روح استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

وقتی که عیسی از خدا درخواست می‌کند که **این ساعت از او بگذرد**، درحقیقت عیسی از خدا می‌خواهد تا ساعت خشم و رنجی که خدا در نظر دارد از او بگذرد

وقتی که عیسی از خدا درخواست می‌کند تا **این پیاله از او بگذرد** درحقیقت عیسی از خدا درخواست می‌کند تا این رنج و عذاب و خشم از او بگذرد. **پیاله و این ساعت** به این موارد اشاره دارند

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با استفاده از بهترین واژه برای اشاره به "گذشتن این پیاله از عیسی" با هم تبادل نظر کنید

عیسی به شمعون پطرس می‌گوید که آیا نمی‌توانستی یک ساعت با من بیدار باشی؟ **یک ساعت** 60 دقیقه است اما منظور عیسی در اینجا این است که از او درخواست می‌کند تا مدت کوتاهی با او بیدار بماند

عیسی رابطه خاصی با خدا دارد و در نتیجه از واژه غیر رسمی **ابا** یعنی ای پدر برای صحبت با او استفاده می‌کند و این واژه‌ای است که کودکان پدر خود را با آن صدا می‌کنند. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یهودیان از این واژه استفاده می‌نمودند. از همان کلمه و یا واژه‌ای برای اشاره به **ابا** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

عیسی برمی‌گردد و مشاهده می‌کند که **شاگردانش** خوابیده‌اند. از همان کلمه و یا واژه‌ای برای اشاره به **شاگردان** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

سپس عیسی اشاره می‌کند که **کافی** است. درحقیقت عیسی اشاره می‌کند که شاگردان دیگر نباید بیش از این بخوابند و یا اشاره می‌کند که ساعت رسیده و یهودا که در ازای دریافت پول به او خیانت کرده به آنجا رسیده است

جمله **پسر انسان به دست گناهکاران سپرده خواهد شد**، را عیسی بیان می‌کند. از همان کلمه و یا واژه‌ای برای اشاره به **پسر انسان و گناه** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

مرقس 14:43-52

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14: 43 — 52)

آیات مرقس 14: 43 — 52 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14: 43 — 52)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14: 43 — 52 گوش دهید.

این داستان فوراً پس از اتمام داستان پیشین آغاز می‌شود. این داستان اینگونه آغاز می‌شود: "او هنوز صحبت می‌کرد که ناگهان یهودا یکی از آن دوازده حواری، همراه با جمعیتی که همه با شمشیر و چماق مسلح بودند، از طرف سران کاهنان و علما و مشایخ به آنجا رسیدند." مرقس بار دیگر یهودا را به‌عنوان "یکی از آن دوازده حواری" در اینجا معرفی می‌کند. ما از زمان دقیق رفتن یهودا از میان شاگردان در عصر آن روز اطلاعی نداریم، اما احتمالاً او در زمان صرف غذا در اورشلم گروه را ترک می‌کند تا به رهبران یهودی اطلاع دهد که عیسی آن شب در کجا خواهد بود.

سران کاهنان، معلمان شریعت و مشایخ این افراد را فرستاده بودند تا عیسی را دستگیر کنند. سران کاهنان، معلمان شریعت و مشایخ شورای سندهرین را تشکیل داده بودند که بدنه حکومتی و دادگاه یهودیان بود. شورای سندهرین خادمانی داشت که اسلحه به همراه داشتند و اجازه داشتند تا افرادی را دستگیر کنند و یا از زندانیان نگهداری نمایند. برخی از این افراد احتمالاً بخشی از گروهی بودند که برای دستگیری عیسی آمده بودند و این در حالی است که اعضای اصلی شورای سندهرین برای این کار نیامده بودند و تنها خادمان خود را فرستاده بودند.

گروهی از افراد با شمشیر و چماق از راه رسیدند. شمشیر مانند چاقویی است که بلند و تیز می‌باشد و چماق چوب سنگینی است که مردم برای مبارزه از آن استفاده می‌کردند. جمعیت مردم نیز به گروهی از مردم بی‌نظم اشاره می‌کند که کارهای بدی انجام می‌دهند. مرقس از این واژه جمعیت استفاده می‌کند تا نشان دهد که این گروه از مردم کار اشتباهی انجام می‌دهند. ما دقیقاً از تعداد این افراد که برای دستگیری عیسی آمده بودند اطلاعی نداریم، اما می‌دانیم که آنها نمی‌خواستند تا جمعیت زیاد مردمی که عیسی را دوست داشتند آنها را ببینند و در نتیجه به احتمال زیاد این گروه چندان بزرگ نبود.

در اینجا مکث کنید و با هم به تصویری از شمشیر و چماق نگاهی بیاندازید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

نقشیه یهودا این بود که به رهبران یهودی نشان بدهد که عیسی کجا است تا بتوانند او را دستگیر کنند. بسیاری از آن افرادی که برای دستگیری عیسی آمده بودند او را نمی‌شناختند در نتیجه یهودا با آنها آمده بود تا عیسی را با بوسیدن او به آنها نشان بدهد. شاگردان معمولاً در زمان احوالپرسی از استاد خود آنها را به نشانه احترام می‌بوسیدند. همچنین یهودا عیسی را: "رابی" خطاب می‌کند که به معنای "استاد" و "آقا" می‌باشد.

اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و به هم در رابطه با این موضوع تبادل نظر کنید که: "در فرهنگ شما چگونه افراد محترم را مورد خطاب قرار می‌دهید؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

یهودا به آن جمعیت گفته بود که کسی را که می‌بوسد عیسی است و سپس آنها می‌توانند او را دستگیر کنند تا مبادا فرار کند. یهودا آمده و عیسی را بوسید و در آن زمان برخی از افرادی که در میان آن جمعیت بودند عیسی را دستگیر کردند.

در این زمان یکی از شاگردان عیسی تلاش کوچکی می‌کند تا در برابر این جمعیتی که عیسی را دستگیر می‌کند مقاومت کنند. این شاگرد شمشیر و یا چاقویش را درآورد گوش و یا لاله گوش یکی از افرادی که در آن جمعیت بود را برید. آن مرد خادم کاهن اعظم بود و مرقس در اینجا نام شاگردی که این کار را انجام داده را ذکر نمی‌کند. آن جمعیت قادر نبود تا این شاگرد را دستگیر کند و احتمالاً او نیز سریعاً از آنجا فرار کرده و یا مخفی شد.

عیسی در مخالفت با افرادی که به دستگیری او آمده بودند می‌گوید: "مگر من یاغی هستم که با شمشیر و چماق برای دستگیر کردن من آمدید؟ چرا زمانی که در حیاط معبد بودم من را دستگیر نکردید؟" عیسی انتظار نداشت تا آنها به این سوال او پاسخی بدهد بلکه سعی دارد تا تناقضی را در اینجا نشان بدهد. آن مردان با عیسی به مانند یک شورشی خطرناک رفتار می‌کردند. افراد شورشی افرادی بودند که بر علیه حکومت قیام می‌کردند. اما عیسی

از آدانه به مدت دو هفته در حیاط معبد تعلیم می‌داد و افرادی که به دنبال سقوط حکومت بودند معمولاً اینچنین با صلح و آرامش در حیاط معبد رفت و آمد نمی‌کردند.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این سوالات با هم تبادل نظر کنید: شما تناقض و تعجب خود را در مکالمات خود به چه شکلی نشان می‌دهید؟ آیا شما نیز چنین سوالاتی را بکار می‌برید؟ در غیر اینصورت چگونه این سوالات را به زبان خودتان ترجمه می‌کنید؟ مگر من یاعی هستم که با شمشیر و چماق برای دستگیر کردن من آمدید؟ آیا به همین دلیل است که با شمشیر و چماق به سراغ من آمدید؟ چرا من را در حیاط معبد دستگیر نکردید؟ بخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

عیسی اشاره کرد که این اتفاقات در جهت انجام آنچه که در کلام خدا نوشته شده است می‌افتند. چندین نبی یهودی اشاره کرده بودند که با مسیح موعود و یا همان مسیح نجات دهنده همانند یک جنایتکار برخورد خواهد شد و سپس شاگردان و یا همان پیروان او پراکنده خواهند شد.

همه در آن لحظه فرار کردند و مرقس از کلمه "همه" به جای شاگردان در اینجا استفاده می‌کند. احتمالاً افراد دیگری نیز به جز عیسی و شاگردانش همراه آنها بودند. اما توجه داشته باشید که تمامی افرادی که دوست عیسی بودند در این لحظه فرار می‌کنند و او را تنها می‌گذارند. حال مرقس داستان کوتاهی را بیان می‌کند که هیچکدام از نویسندگان کتاب مقدس تا به حال بیان نکرده بودند ... او در رابطه با مرد جوان خاصی صحبت می‌کند که پیرو مسیح بود اما او نیز در آن زمان فرار می‌کند. واژه‌ای که مرقس در اینجا استفاده می‌کند "جوانی" است که به معنای مردی باهوش، شجاع و قوی است. عاموس نبی سال‌ها پیش گفته بود که حتی افراد شجاع نیز در روز داوری فرار کرده و عریان خواهند شد. احتمالاً مرقس در زمان توصیف این مرد جوان به آن نبوت فکر می‌کرد. این مرد جوان پیراهن کتان بلندی پوشیده بود. معمولاً این نوع پیراهن بلند از جنس پشم بود و در نتیجه این امر نشان می‌دهد که او به احتمال زیاد مرد ثروتمندی بود. او چیزی زیر پیراهن خود نهوشیده بود و این بدان معنی است که برای اینکه آن شب نزد عیسی باشد با عجله لباس پوشیده بود. ای مرد جوان شاید خود مرقس بود اما این درحالی است که هدف مرقس از درمیان گذاشتن این امر این است که نشان بدهد که همه دوستان عیسی در آن شب او را تنها گذاشتند.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14: 43 — 52

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای پنج صحنه است.

در صحنه اول: یهودا به همراه رهبران یهودی مشغول برنامه‌ریزی هستند و او به آنها می‌گوید که کسی را که می‌بوسد عیسی است و بدین طریق او را نشان خواهد داد. رهبران مذهبی گروهی را به همراه او می‌فرستند تا عیسی را دستگیر کنند.

در صحنه دوم: این صحنه با مکالمه عیسی و شاگردانش آغاز می‌شود. او پس از اینکه شاگردانش را بیدار کرده بود با آنها به مکالمه پرداخت. یهودا نزدیک عیسی می‌شود و او را رابی صدا می‌کند و با او سلام و احوالپرسی کرده و از روی گونه او می‌بوسد.

در صحنه سوم: مردم عیسی را دستگیر می‌کنند و یکی از پیروان عیسی در باغ چاقوی بلندی که داشت را خارج می‌کند و گوش یکی از آنها را که خادم کاهن اعظم بود را می‌برد.

در صحنه چهارم: عیسی از مردمی که برای دستگیری او آمده بودند می‌پرسد که چرا او را در خفا دستگیر می‌کنند. عیسی اشاره می‌کند که آنچه که در کلام خدا گفته شده است باید تحقق پذیرد.

در صحنه پنجم: تمامی شاگردان عیسی و پیروانش فرار می‌کنند. یکی از افرادی که برای دستگیری عیسی آمده بودند مرد جوانی را دستگیر می‌کند و ردایش را می‌کشد و مرد جوان عریان فرار می‌کند.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان عیسی در باغ زیتونی به نام جتسیمانی
- یهودای اسخریوطی
- گروهی از مردم به همراه شمشیر و چماق
- کاهنان، معلمان شریعت مذهبی مشایخی که آن گروه را برای دستگیری عیسی فرستاده بودند
- مرد جوانی که عریان فرار می‌کند

به شکل گروهی به این بخش‌های ساختار متن توجه کنید: باید به یاد داشته باشید که این داستان بلافاصله پس از اینکه عیسی آن سه شاگرد خود را برای بار سوم از خواب بیدار می‌کند اتفاق می‌افتد. او به شاگردانش می‌گوید که: "بیانید برویم، کسی که به من خیانت کرده اینجا است." این جمله بدین معنا است که عیسی می‌دانست که یهودای اسخریوطی در ورودی باغ زیتون حضور دارد. این داستان در باغ زیتونی به نام باغ جتسیمانی اتفاق می‌افتد.

اما پیش از اینکه این داستان اتفاق بیفتد یهودا عیسی و دیگر شاگردان را در زمان خوردن شام و یا بلافاصله پس از آن ترک کرده بود. او به نزد شورای سندهدرین رفت که از معلمان شریعت مذهبی، کاهنان و مشایخ تشکیل شده بود. شورای سندهدرین گروهی از افراد را به همراه او فرستاد تا عیسی را دستگیر کنند. یهودا موافقت کرد تا با بوسیدن عیسی به آن گروه نشان بدهد که چه کسی عیسی است و آنها از این طریق او را شناسایی کنند.

وقتی که این داستان آغاز می‌شود، گروهی از مردانی که شمشیر و چماق در دست دارند به همراه یهودای اسخریوطی به باغ زیتون می‌رسند. ما دقیقاً از تعداد افراد حاضر در این گروه اطلاعی نداریم و ممکن است تعداد این افراد به اندازه تعداد افراد لازم جهت دستگیری عیسی باشد اما تعداد آنها زیاد نبود تا مبادا توجه بقیه مردم را نیز نسبت به خود جلب کنند.

یهودای اسخریوطی نزد عیسی می‌رود و او را "رابی" صدا می‌کند و از گونه‌اش می‌بوسد. در این زمان آن گروه متوجه می‌شوند که فردی که یهودا بوسید عیسی است و در نتیجه او را دستگیر می‌کنند تا مبادا فرار کند. سپس یکی از افرادی که به همراه عیسی بود شمشیر و یا چاقوی بلندش را در می‌آورد و گوش خادم کاهن اعظم را می‌برد. شاید در زبانی که ترجمه می‌کنید مجبور شوید که نشان بدهید که کدام گوش را بریده است و در این زمان می‌توانید بگویند که او گوش راست را بریده است زیرا در دیگر اناجیل ذکر شده است که گوش راست خادم بریده شده بود.

عیسی از مردانی که او را دستگیر کردند پرسید که: "چرا با شمشیر و چماق برای دستگیری من آمدید؟ آیا من شورشی خطرناکی هستم؟ چرا وقتی که در حیاط معبد هر روز تعلیم می‌دادم من را دستگیر نکردید؟" منظور عیسی این بود که نیازی نبود تا آنها با شمشیر و چماق به سراغش بیایند زیرا که "او فرد خطرناکی نیست. سپس عیسی اشاره می‌کند که: "این اتفاقات روی دادند تا سخن انبیا در کلام خدا حقیقت یابد

تمامی شاگردان عیسی و بقیه افرادی که همراه عیسی بودند فرار کردند و یکی از آنها که مرد جوانی بود آخرین کسی بود که فرار کرد و فردی از گروهی که برای دستگیری عیسی آمده بودند ردایش را گرفت و در نتیجه ردا از تن آن مرد جوان خارج شد و او عریان فرار کرد.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14: 43 — 52)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای پنج صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- شاگردان عیسی در باغ زیتونی به نام جتسیمانی
- یهودای اسخریوطی
- گروهی از مردم به همراه شمشیر و چماق
- کاهنان، معلمان شریعت مذهبی مشایخی که آن گروه را برای دستگیری عیسی فرستاده بودند
- مرد جوانی که عریان فرار می‌کند

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند.

در بار اول آنها باید بدون توقف این کار را انجام بدهند.

وقتی که تیم شما مشغول اجرای نمایش در بار اول است باید به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید تا بخش‌ها و اتفاقات مهم داستان و یا متن را حذف نکنند. به آنها کمک کنید تا بخش‌های مختلف داستان را به یاد بیاورند. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

اما در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا کرد، در برخی موارد آنها را در میانه نمایش متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان باید پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در ادامه نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم.

یهودا نزد رهبران مذهبی می‌رود و به آنها اطلاع می‌دهد که عیسی در آن شب کجا خواهد بود. رهبران مذهبی گروهی از مردان را به همراه چماق و شمشیر برای دستگیری عیسی می‌فرستند و یهودا نیز به آنها می‌گوید که هر کسی را که می‌بوسد او عیسی است. این اتفاق پیش از شروع داستان روی می‌دهد. اگر تمایل داشته باشید می‌توانید این بخش را در ابتدای نمایش اجرا کنید.

در آغاز این داستان گروهی از مرد که شمشیر و چماق به همراه داشتند به همراه یهودای اسخریوطی که یکی از شاگردان مسیح بود، به باغ جتسیمانی می‌رسند. یهودا نزد عیسی می‌رود و به او می‌گوید: "رابی" و از گونه او می‌بوسد. سپس آن گروه از مردان عیسی را دستگیر می‌کنند و در این زمان یکی از همراهان عیسی شمشیر و یا همان چاقوی بلند خود را می‌کشد گوش خادم کاهن اعظم را می‌برد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "همه چیز بسیار سریع اتفاق افتاد؟"، "از اینکه یهودا به من خیانت کرد بسیار ناراحت شدم"، "از اینکه پیروانم هنوز به دنبال استفاده از زور هستند خسته شده‌ام". سپس از افرادی که نقش شاگردان را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "بسیار ترسیده‌ایم"، "بسیار عصبانی هستیم"، "در جایمان خشک شده‌ایم". **ادامه نمایش را اجرا کنید

عیسی از مردانی که او را دستگیر کردند پرسید که: "چرا با شمشیر و چماق برای دستگیری من آمدید؟ آیا من شورشی خطرناکی هستم؟ چرا وقتی که در حیاط معبد هر روز تعلیم می‌دادم من را دستگیر نکردید؟" سپس عیسی اشاره می‌کند که: "این اتفاقات روی دادند تا سخن انبیا در کلام خدا حقیقت یابد." **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش جمعیتی که جهت دستگیری عیسی آمده بودند را بازی می‌کنند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "کمی متعجب شده‌ایم، به ظاهر او مرد خطرناکی نیست"، "از اینکه او را دستگیر کردیم پشیمانیم" اما مجبور هستیم تا از دستوراتی که به ما داده شده اطاعت کنیم." سپس از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "من از این اتفاق تعجب نکردم زیرا کلام خدا این حقیقت را در خود بیان کرده بود"، "از اینکه مردم هنوز قادر به درک حقیقت نیستند ناراحت هستم." **سپس ادامه نمایش را اجرا کنید**

تمامی شاگردان عیسی و بقیه افرادی که همراه عیسی بودند فرار کردند و یکی از آنها که مرد جوانی بود آخرین کسی بود که فرار کرد و فردی از گروهی که برای دستگیری عیسی آمده بودند ردایش را گرفت و در نتیجه ردا از تن آن مرد جوان خارج شد و او عریان فرار کرد. **اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "تنها هستم"، "نامید هستم." سپس از فردی که نقش آن جوان را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "بسیار ترسیده‌ام"، "فقط به فکر فرار هستم"

پرو کردن جاهای خالی

پرو کردن جاهای خالی

مرقس 14: 43 — 52

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 14: 43 — 52 گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

وقتی که عیسی با شاگردانش که به خواب رفته بودند صحبت می‌کرد، یهودا که یکی از **شاگردان** عیسی بود با همراه **جمعیتی** از مردم وارد باغ جتسیمانی می‌شود. از همان واژه‌ای برای اشاره به شاگردان استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید. **جمعیت** مردم گروهی از افراد بودند که برای دستگیری عیسی آمده بودند تا در صورت لزوم او را به زور دستگیر کنند و درحقیقت به دنبال ایجاد مشکل برای عیسی بودند

مردانی که در آن جمعیت بودند **شمشیر** و **چماق** به همراه داشتند. **شمشیر** می‌تواند به چاقوی بلند نیز اشاره داشته باشد و مردان آن را در غلاف می‌گذاشتند یکی از شاگردان شمشیر خود را از غلاف خارج کرده و گوش یکی از افراد حاضر در میان آن جمعیت را می‌برد. **چماق** درحقیقت تگه چوب سنگینی بود که مردم از آن برای مبارزه استفاده می‌کردند

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موضوع با هم تبادل نظر داشته باشید که برای واژه‌های شمشیر و چماق چه واژه‌های دیگری می‌توانید استفاده کنید

آن جمعیت از سوی شورای سندهرین فرستاده شده بودند. شورای سندهرین متشکل از گروهی از مردان بود که بر یهودیان حکومت می‌کرد. آنها به مردم کمک می‌کردند تا از شریعت مذهبی پیروی کنند و حتی گاهی اوقات آن شریعت را بر قوانین حکومت روم ارجحیت می‌دادند. شورای سندهرین از سه گروه از مردان تشکیل شده بود. از همان واژه‌ای برای اشاره به واژه‌های **کاهن اعظم**، **معلم** **شریعت مذهبی** و **مشایخ** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

یهودا یک **خائن** است. او فردی است که عیسی را به دشمنانش تسلیم می‌کند. از همان واژه‌ای برای اشاره به خائن استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید

او عیسی را **می‌بوسد**. **بوسیدن** نوعی سلام و احوالپرسی میان دوستان نزدیک بود. در زمان عیسی دوستان در زمان سلام به یکدیگر، گونه هم را می‌بوسیدند. در این زمان فرد گونه طرف مقابل را می‌بوسید. این یک روش سلام و احوالپرسی بسیار ساده بود

یهودا در این زمان عیسی را **رابی** خطاب می‌کند. **رابی** عنوان یهودی است که به معنای "بزرگ و یا ای استاد بزرگ من" می‌باشد. توجه داشته باشید که معلم و یا استاد در اینجا به معنای معلم مدرسه نیست و معنای متفاوتی با واژه "خداوند" دارد. خداوند به معنای ارباب است و حتی می‌تواند معنایی الهی نیز داشته باشد. از همان واژه‌ای برای اشاره به **رابی** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

یکی از پیروان عیسی گوش **خادم** کاهن اعظم را می‌برد. از همان واژه‌ای برای اشاره به **خادم** استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید

عیسی از آنها سوال می‌کند که چرا به مانند یک دزد و یا شورشی با او رفتار می‌کنند. در زبان یونانی این کلمه "دزد" معنا شده است، اما در این متن می‌تواند به معنای شورشی و یا فردی باشد که بر علیه دولت قیام کرده است.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با واژه‌های دزد و شورشی با هم تبادل نظر کنید.

عیسی اشاره می‌کند که در معبد تعلیم می‌داد، اما در حقیقت منظور او این است که او هر روز در حیاط معبد به تعلیم مشغول بود. از همان واژه‌ای برای اشاره به معبد استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

عیسی اشاره می‌کند که این اتفاقات افتادند تا کلام خدا به انجام برسد. از همان واژه‌ای برای اشاره به کلام خدا استفاده کنید که در ترجمه‌های پیشین نیز استفاده کرده بودید و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

مرد جوانی در این زمان فرار می‌کند. مرد جوان معمولاً به پسر جوانی اشاره می‌کند که ازدواج نکرده است و این مورد نشان می‌دهد که این مرد جوان شجاع و قوی است. او در این داستان احتمالاً 20 سال و یا بیشتر سن دارد.

آن مرد جوان ردایی از کتان پوشیده بود. کتان لباسی با کیفیت و گران قیمت بود. از آنجایی که بسیاری از مردان ردای بیرونی پشمی می‌پوشیدند در نتیجه این امر نشان می‌دهد که این جوان بسیار ثروتمند بود. احتمالاً او برای رفتن به دنبال عیسی عجله داشت و در نتیجه به طور کامل لباس نپوشیده بود.

مرقس 14:53-65

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14:53 — 65)

آیات مرقس 14:53 — 65 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید.

بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر 3 پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوششان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوششان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14:53 — 65)

به نسخه‌ای صوتی از مرقس 14:53 — 65 با ساده‌ترین ترجمه گوش دهید.

در بخش قبلی، جمعیت مردم عیسی را با خود می‌برد. آنها از دره عبور کرده و به اورشلیم بازمی‌گردند. پطرس از فاصله‌ای دور آنها را دنبال می‌کند. آنها عیسی را به خانه کاهن اعظم می‌برند. کاهن اعظم در آن زمان قیافا نام داشت و بالاترین مقام دینی بود که بر رهبران دینی یهودی حکومت می‌کرد. هنگامی که جمعیت و عیسی می‌رسند، او را به اتاق بزرگی می‌برند، اما پطرس به حیاط خانه می‌رود و کنار آتش با نگهبانان می‌نشیند. کاهنان اعظم مشایخ و معلمان شریعت در اتاق بزرگ منتظر عیسی بودند. این سه گروه از مردان تشکیل‌دهنده شورای سنهدرین بودند، که بالاترین مرجع حکومتی و دیوان عالی یهودیان محسوب می‌شد. در این داستان، مرقس بار دیگر دو داستان را هم‌زمان روایت می‌کند—او آغاز انکار پطرس را توصیف می‌کند، که هم‌زمان با آغاز محاکمه عیسی می‌باشد.

اگر این محاکمه مشابه دیگر محاکمات در آن زمان بود، اعضای سنهدرین در یک نیم‌دایره روی صندلی‌های بلند نشسته بودند تا همه یکدیگر را ببینند. فرد متهم و شاهدان در وسط نیم‌دایره روی صندلی‌ها می‌نشستند. در قانون یهودی، دو یا بیشتر از دو نفر باید شواهد یکسانی علیه کسی ارائه می‌دادند تا حکم اعدام صادر شود. رهبران دینی احتمالاً برای دستگیری عیسی آماده شده بودند، زیرا آنها افراد زیادی را از قبل در اتاق داشتند تا علیه عیسی شهادت دهند. اما رهبران دینی نمی‌توانستند دو نفر را پیدا کنند که شواهد یکسانی علیه عیسی ارائه دهند.

در اینجا مکث کنید و این سوال را از گروه مطرح کنید: چه نوع اتفاقاتی در محاکمات جنایی شما رخ می‌دهد؟ چند نفر باید شواهدی علیه فردی ارائه دهند؟ چه کسی محاکمات را رهبری می‌کند؟ پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.

سرانجام، برخی افراد برخاستند و شهادتی دروغین، یا اتهامی نادرست، علیه عیسی دادند. آنها گفتند: < این یک اتهام جدی علیه عیسی بود. در این منطقه از جهان، تخریب یک مکان عبادت جرم بزرگی بود و مقامات کسی که قصد تخریب یک مکان عبادت را داشت می‌کشند. همچنین، یهودیان معتقد بودند

که تنها کسی که می‌تواند به سرعت معبدی مانند آن را بازسازی کند، باید مسیح باشد. درست است که عیسی در تعالیم قبلی‌اش گفته بود که معبد ویران خواهد شد و او آن را بازسازی خواهد کرد، اما عیسی نگفته بود که خود معبد را ویران خواهد کرد. و او با این گفتار به بدن خودش به عنوان معبد اشاره می‌کرد که پس از سه روز خدا آن را دوباره زنده خواهد کرد. با این حال حتی در این شهادت هم شاهدان نتوانستند به توافق برسند. شاید به دلیل ناهماهنگی در شهادت‌ها، کاهن اعظم خودش برخاست تا از عیسی سؤال کند. او از عیسی پرسید: < عیسی حتی با اینکه قانون از او می‌خواست به آنها پاسخ دهد اما همچنان سکوت کرد. در اینجا مکث کنید و این سؤال را از گروه مطرح کنید: عیسی با اینکه بی‌گناه بود، سکوت کرد زیرا می‌دانست که شورا هیچ‌یک از سخنان او را باور نخواهد کرد. وقتی در فرهنگ شما کسی در برابر اتهامات سکوت می‌کند، آیا این را نشانه‌ای از گناه او می‌دانید یا بی‌گناهی؟ افراد بی‌گناه در فرهنگ شما معمولاً چگونه در دادگاه رفتار می‌کنند؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. سکوت عیسی باعث ناامیدی بیشتر کاهن اعظم شد و او پرسید: < شاید کاهن اعظم این سؤال را از عیسی پرسید زیرا فکر می‌کرد که عیسی گفته است که معبد را بازسازی خواهد کرد. > به معنای < است و این عنوان می‌تواند عنوانی برای مسیح باشد. این سؤال از سوی کاهن اعظم نقطه اوج داستان است. این همان لحظه‌ای است که همه داستان‌های دیگر به آن اشاره داشتند. همچنین این لحظه‌ای است که اگر عیسی پاسخ مثبت بدهد، آنگاه رهبران دینی می‌توانند عیسی را به یک جرم جدی متهم کنند. کاهن اعظم سؤال مستقیمی می‌پرسد: < عیسی نیز پاسخ مستقیمی می‌دهد. او به سادگی می‌گوید: < یا >. طبق قانون یهود، عیسی ملزم بود که ثابت کند که همان کسی است که ادعا می‌کند. برای اثبات هویت خود، عیسی از پیشگویی‌هایی از مزامیر و از دانیال نبی نقل قول می‌کند. دانیال نبی در مورد کسی شبیه به پسر انسان صحبت می‌کند که بر ابرها می‌آید. در مزامیر، خدا می‌گوید که مسیح او در جایگاه افتخار در کنار خدا خواهد نشست، یعنی در دست راست خدا. عیسی می‌خواهد نشان دهد که او روزی با قدرت باز خواهد گشت تا ثابت کند که کیست. کاهن اعظم معتقد بود که عیسی کفر گفته است. کفر در فرهنگ یهودی به معنای بی‌حرمتی به خدا و کاستن از عظمت خدا است. عیسی ادعا می‌کند که او مسیح است و در جایگاه افتخار در کنار خدا خواهد نشست. بنابراین، اگر عیسی، همان مسیح نباشد، آنچه او می‌گوید کفر مطلق است. کفرگویی بسیار شوکار است و کاهن اعظم برای نشان دادن شوک و اندوه خود از گفتار عیسی لباس‌های خود را پاره می‌کند. احتمالاً او بخشی از ردای خود را پاره کرد، اما کاملاً لباس‌هایش را پاره نکرد. قانون موسی گفته بود که کسی که کفر می‌گوید باید از طریق سنگسار کشته شود. وقتی کاهن اعظم از بقیه رهبران دینی حکم را پرسید، همه گفتند: < شورای عالی یهودی، سنهدرین، می‌توانست عیسی را به مرگ محکوم کند، اما نمی‌توانست او را اعدام کند. فقط مقامات رومی می‌توانستند حکم مرگ را اجرا کنند. در اینجا مکث کنید و این سؤال را از گروه مطرح کنید: در فرهنگ شما، مجازات کفرگویی یا بی‌حرمتی به خدا چیست؟ آیا کسی می‌تواند برای شکستن یک قانون یا قانون دینی کشته شود؟ اگر چنین است، افراد چگونه برای شکستن یک قانون کشته می‌شوند؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. اعضای شورای سنهدرین سپس به عیسی آب دهان انداختند و او را کتک زدند تا نشان دهند که او را طرد می‌کنند. آنها چشم‌های عیسی را بستند و از او خواستند که پیشگویی کند، یا بگوید چه کسی او را زده است، دلیل انجام این کار احتمالاً این بود که می‌خواستند عیسی بار دیگر سعی کند تا ثابت کند که مسیح است. بسیاری از مسیحیان در زمان مرقس مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. این داستان به مسیحیان تحت آزار الگویی برای پیروی از واکنش عیسی در برابر آزار می‌دهد. همچنین تضاد بین عیسی و پطرس را نشان می‌دهد که در داستان بعدی عیسی را انکار خواهد کرد

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 14: 53 — 65

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید

این داستان دارای 3 صحنه است

در صحنه اول: جمعیت مردم عیسی را به خانه کاهن اعظم می‌برند. پطرس از پشت سر آنها را دنبال می‌کند

در صحنه دوم: جمعیت عیسی را به اتاق بزرگی می‌برند که در آنجا سنهدرین، شورای عالی یهودی، در انتظار او است. شاهدان دروغین شهادت‌های نادرستی علیه عیسی می‌دهند. کاهن اعظم از عیسی سؤال می‌پرسد و عیسی ادعا می‌کند که او مسیح موعود است

در صحنه سوم: شورای سنهدرین عیسی را گناهکار اعلام می‌کند. آنها به او آب دهان می‌اندازند، چشمانش را می‌بندند و او را کتک می‌زنند

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- جمعیتی که او را دستگیر کرده و به خانه کاهن اعظم می‌برند
- پطرس
- نگهبانانی که در حیاط خانه کاهن اعظم خود را گرم می‌کنند
- شورای سنهدرین، متشکل از معلمان شریعت، کاهنان اعظم و مشایخ
- شاهدان دروغین
- کاهن اعظم
- نگهبانانی که عیسی را کتک می‌زنند

به شکل گروهی به این قسمت‌های ساختار متن توجه کنید. مهم است به یاد داشته باشید که جمعیت مستقیماً از باغ زیتونی به نام جتسیمانی و از مسیر دره، به اورشلیم و به خانه کاهن اعظم می‌روند. در همان زمان پطرس از پشت سر جمعیت را دنبال می‌کند. او جمعیت را تا به خانه کاهن اعظم دنبال می‌کند. جمعیت عیسی را به اتاق بزرگی می‌برد که در آنجا چند مرد از سنهدرین، یا دادگاه یهودی، حضور دارند. پطرس در حیاط بیرونی می‌ماند و کنار آتش با نگهبانان خود را گرم می‌کند.

به یاد داشته باشید که عیسی در اتاقی است که در آن کاهنان اعظم، مشایخ، و معلمان شریعت به عنوان شورای سنهدرین، یا دیوان عالی یهودی، دور هم جمع شده‌اند. در این اتاق، اعضای سنهدرین احتمالاً در یک نیم‌دایره نشسته‌اند و شاهدان و عیسی در وسط حلقه نشسته‌اند. بسیاری از شاهدان در آنجا هستند و شهادت‌های دروغینی علیه عیسی می‌دهند.

برخی از شاهدان می‌گویند: < با این حال، هر یک از شاهدان داستانی متفاوت می‌گویند. کاهن اعظم بلند می‌شود و می‌پرسد: < عیسی سکوت می‌کند کاهن اعظم ناامید می‌شود. او می‌پرسد: < عیسی پاسخ می‌دهد: < این بدان معنا است که عیسی با جلال و قدرت خدا خواهد آمد. کاهن اعظم از شنیدن این سخنان شوکه و غمگین می‌شود، زیرا عیسی کفر گفته است. او می‌گوید: < یا < اعضای سنهدرین می‌گویند که عیسی گناهکار است و سزاوار مرگ آنها بر عیسی آب دهان می‌اندازند. چشم‌های عیسی را می‌بندند که به معنی بستن پارچه‌ای بر روی چشمان او است تا او نتواند ببیند. سپس او را می‌زنند و از او می‌خواهند که پیشگویی کند و بگوید چه کسی او را زده است. نگهبانان با مشت‌های بسته به او ضربه می‌زنند تا درد بیشتری احساس کند. سپس او را می‌برند. در اینجا مکث کنید و گروه باید این داستان را به تصویر بکشد و با استفاده از اشیاء یا ترسیم‌ها این بخش را تجسم کند.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 14: 53 — 65)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این جلسه، تیم شما باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای 3 صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- جمعیتی که او را دستگیر کرده و به خانه کاهن اعظم می‌برند
- پطرس
- نگهبانانی که در حیاط خانه کاهن اعظم کنار آتش نشسته‌اند
- سنهدرین، متشکل از معلمان شریعت، کاهنان اعظم و مشایخ
- شاهدان دروغین
- کاهن اعظم
- نگهبانانی که عیسی را کتک می‌زنند

گروه شما باید این داستان را دو بار به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند.

در بار اول، نمایش باید بدون توقف اجرا شود. به مکالمات، روند داستان و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مطمئن شوید که بخش‌های مهم و دشوار داستان حذف نشده‌اند. به اعضای گروه کمک کنید تا هر بخش از داستان را به یاد بیاورند. پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در بار دوم، در برخی موارد نمایش را متوقف کرده و از فردی که نقشی را بازی می‌کند بپرسید: "چه حس و یا نظری دارد؟" بازیگر باید پاسخ دهد که اگر جای آن شخصیت بود، چه احساسی می‌کرد یا چه فکری داشت. سپس نمایش را ادامه دهید. پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در ادامه مثالی از نمایش و پاسخ‌های احتمالی ارائه می‌دهیم.

جمعیت از باغ زیتونی به نام جتسیمانی، از میسر دره، به اورشلیم و به خانه کاهن اعظم می‌روند. در همین زمان پطرس از پشت سر آنها را دنبال می‌کند او به خانه کاهن اعظم وارد می‌شود و در حیاط، کنار آتش با نگهبانان خود را گرم می‌کند. نمایش را متوقف کنید و از بازیگر نقش پطرس بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخ‌هایی مثل "به دنبال راهی برای نجات عیسی هستم"، "احساس گناه می‌کنم که فرار کردم ترسیده‌ام ولی سعی می‌کنم شجاع باشم" را بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

عیسی وارد اتاقی می‌شود که در آن کاهنان اعظم، مشایخ و معلمان شریعت به عنوان شورای سنهدرین، یا دیوان عالی یهودی، جمع شده‌اند. آنها به دنبال یافتن شواهدی هستند که بتوانند عیسی را محکوم کنند. بسیاری از شاهدان در آنجا حضور دارند و شهادت‌های دروغین علیه عیسی می‌دهند، اما هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند با یکدیگر توافق کنند.

برخی از شاهدان می‌گویند: "ما شنیدیم که او گفت: 'این معبدی که انسان‌ها ساخته‌اند را ویران می‌کنم و در سه روز معبد دیگری خواهم ساخت که به دست انسان ساخته نشده است.'" هر یک از شاهدان داستان‌های متفاوتی دارند. کاهن اعظم می‌پرسد: "آیا به این اتهامات پاسخ نمی‌دهی؟ چه چیزی برای دفاع از خود داری؟" عیسی سکوت می‌کند. نمایش را متوقف کنید و از بازیگران نقش معلمان شریعت بپرسید: "چه احساسی دارید یا چه فکری می‌کنید؟" ممکن است پاسخ‌هایی مثل "از اینکه نمی‌توانیم عیسی را گناهکار ثابت کنیم، ناامیدیم"، "از اینکه عیسی پاسخ نمی‌دهد، ناراضی هستیم" را بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

کاهن اعظم ناامید است و به دنبال راهی برای اثبات گناهکاری عیسی می‌گردد. او از عیسی می‌پرسد: "آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟" عیسی پاسخ می‌دهد: "من هستم. شما پسر انسان را خواهید دید که در کنار خدا در دست راست او نشسته است. او با ابرهای آسمان خواهد آمد."

لقب "پسر انسان" نیز به معنای مسیح یا نجات‌دهنده موعود است. کاهن اعظم شوکه و بسیار ناراحت می‌شود. او می‌گوید: "چرا به شاهدان دیگر نیاز داریم؟" یا "ما به شاهدان دیگر نیاز نداریم. همه شما او را شنیدید که به خدا بی‌احترامی کرد. رأی شما چیست؟ آیا او گناهکار است؟" اعضای سنهدرین می‌گویند که عیسی گناهکار است و سزاوار مرگ. آنها بر عیسی آب دهان می‌اندازند. چشم‌هایش را با پارچه‌ای می‌بندند و سپس او را کتک می‌زنند و از او می‌خواهند که پیشگویی کند و بگوید چه کسی او را زده است. نگهبانان با مشت‌های بسته به او ضربه می‌زنند تا به او آسیب و درد وارد کنند. سپس او را می‌برند.

نمایش را متوقف کنید و از بازیگران نقش اعضای سنهدرین بپرسید: "چه احساسی دارید یا چه فکری می‌کنید؟" ممکن است پاسخ‌هایی مثل "شوکه شده‌ایم که کسی ادعا کند مسیح است"، "خوشحالم که عیسی بالاخره چیزی گفت که او را گناهکار نشان دهد" را بشنوید. از بازیگر نقش عیسی بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخ‌هایی مثل "خوشحالم که بالاخره می‌توانم به‌طور مستقیم بگویم که کیستم"، "ناراحتم که هیچ‌کس به من ایمان نمی‌آورد"، "به خدا اعتماد دارم که به من قدرت می‌دهد تا این سختی‌ها را تحمل کنم" را بشنوید.

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی (مرقس 14: 53 — 65)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این مرحله، اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های کلیدی موجود در این داستان با هم تبادل نظر کنند.

جمعیت مردم عیسی را به خانه کاهن اعظم بردند. کاهنان در یهودیت وظیفه داشتند تا مردم را با خدا ارتباط دهند. آنها با انجام قربانی‌ها برای خدا، تعلیم دادن به مردم، و مراقبت از معبد خدا این کار را انجام می‌دادند. کاهنان نماینده خدا نزد مردم و نماینده مردم نزد خدا بودند. کاهن اعظم، رهبر دینی اسرائیل بود. او قربانی‌های خاصی برای قوم یهود انجام می‌داد. کاهن اعظم کل دادگاه دینی یهود را رهبری می‌کرد. از همان واژه‌ای که در ترجمه‌های پیشین برای کاهن استفاده کرده‌اید استفاده کنید و برای کاهن اعظم واژه‌ای به کار ببرید که معنای "رهبر" را نیز در بر داشته باشد. برای اطلاعات بیشتر درباره واژه کاهن، به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

کاهنان اعظم، مشایخ و معلمان شریعت در خانه کاهن اعظم جمع شده بودند. از همان واژه‌هایی که برای این گروه‌ها در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که این اصطلاحات در فرهنگ لغات اصلی موجود می‌باشند.

پطرس از دور آنها را دنبال کرد و وارد حیاط خانه کاهن اعظم شد. حیاط، مکانی است که از هر طرف با ساختمان‌ها احاطه شده اما از بالا به آسمان باز است. یک خانه بزرگ ممکن است چندین اتاق اطراف یک فضای باز داشته باشد. در اینجا مکث کنید و در رابطه با واژه‌ای که برای اشاره به حیاط استفاده می‌کنید، با هم تبادل نظر کنید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید.

نگهبانان در اطراف آتش خود را گرم می‌کردند. پطرس به آنها پیوست. نگهبانان خادمان کاهن اعظم بودند و در حفاظت از معبد نیز کمک می‌کردند. از همان واژه‌ای که برای نگهبانان در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید.

داخل خانه، شورای عالی به دنبال شواهدی بود تا عیسی را محکوم به مرگ کند. شورای عالی سنهدرین نامیده می‌شود و متشکل از کاهنان اعظم، مشایخ و معلمان شریعت است. این گروه به پرونده‌های قضایی گوش می‌دادند و بر اساس قانون دینی حکم صادر می‌کردند. برای اطلاعات بیشتر درباره سنهدرین به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

برخی از مردم برخاستند و گفتند که عیسی گفته است: "من این معبد را ویران می‌کنم و در سه روز دوباره آن را می‌سازم." از همان واژه‌ای که برای معبد در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که معبد در فرهنگ لغات اصلی موجود است.

کاهن اعظم پرسید: "آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟" از همان واژه‌ای که برای مسیح در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که مسیح در فرهنگ لغات اصلی موجود است. پسر خدای متبارک به پسر خدا اشاره دارد. متبارک یا مبارک را می‌توان به عنوان "محترم" یا "شایسته ستایش" نیز ترجمه کرد.

"عیسی پاسخ داد: "من هستم" یا "من مسیح هستم." سپس ادامه داد: "شما پسر انسان را خواهید دید که در دست راست خدا در جایگاه افتخار نشسته است از همان واژه‌ای که برای پسر انسان در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که پسر انسان در فرهنگ لغات اصلی موجود است.

کسانی که در دست راست خدا می‌نشینند در جایگاه افتخار نشسته‌اند.

عیسی می‌گوید که او با ابرهای آسمان خواهد آمد. این بدان معنا است که عیسی با جلال و قدرت خدا خواهد آمد. از همان واژه‌ای که برای آسمان در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که آسمان در فرهنگ لغات اصلی موجود است.

کاهن اعظم گفت که عیسی کفر گفته است. کفر زمانی است که کسی سخنی بگوید یا کاری انجام دهد که به خدا بی‌احترامی کند و عظمت خدا را کاهش دهد. از همان واژه‌ای که برای کفر در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید. برای اطلاعات بیشتر درباره کفر، به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

پس از اینکه رهبران دینی گفتند که عیسی گناهکار است، آنها بر او آب دهان انداختند، چشمان او را بستند، به او ضربه زدند و از او خواستند که پیشگویی کند. پیشگویی به معنای رساندن پیام از جانب خدا است. در این مورد، رهبران دینی از عیسی می‌خواستند که بگوید چه کسی او را زده است. از همان واژه‌ای که برای پیشگویی در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید و به یاد داشته باشید که نبی، نام کسی که پیشگویی می‌کند، در فرهنگ لغات اصلی موجود است.

مرقس 14:66-72

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 14:66 — 72) در این مرحله، آیات مرقس 14:66 — 72 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید. سعی کنید** بار به متن این آیات گوش دهید (در صورت امکان با استفاده از 3 ترجمه مختلف به متن گوش دهید). سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ 3 دهید:

1. چه چیزی در این بخش از داستان توجه شما را جلب کرد و دوست داشتید؟
2. کدام بخش از این داستان را دوست نداشتید و یا به خوبی درک نکردید؟
3. این بخش از داستان درباره خدا یا عیسی مسیح چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این بخش از داستان درباره انسان‌ها چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این بخش از داستان چه تأثیری بر زندگی روزمره ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که به شنیدن این بخش از داستان نیاز داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 14:66 — 72)

یک بار دیگر و یا استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14:66 — 72 را گوش دهید.

مرقس دوباره به داستانی که همزمان با محاکمه عیسی در بخش قبلی اتفاق می‌افتد، باز می‌گردد. سنه‌درین، دادگاه دینی یهودی، در حال پرسش از عیسی است. در همین حال، پطرس در بیرون و در حیاط "پایین" قرار دارد. این نشان می‌دهد که احتمالاً عیسی در اتاقی در طبقه دوم خانه است.

پیش‌تر در آن شب، پطرس به عیسی گفته بود که هرگز انکار نخواهد کرد که او را می‌شناسد. در این داستان، پیش‌گویی عیسی درباره انکار پطرس، تحقق می‌یابد.

شب‌های اورشلیم در این زمان از سال سرد است. آتشی روشن است تا مردم را گرم نگه دارد. پطرس در کنار آتش در حیاط به همراه سایر خادمان کاهن اعظم ایستاده است. یکی از زنان خادم کاهن اعظم وارد حیاط می‌شود. او به دقت به پطرس نگاه می‌کند. او می‌گوید: "تو با عیسی از ناصره بودی." مردم به افرادی که از ناصره می‌آمدند احترام نمی‌گذاشتند یا آنها را محترم نمی‌دانستند، زیرا ناصره شهری کوچک و کم‌اهمیت بود. بنابراین زن احتمالاً در حال توهین به عیسی و پطرس است. نمی‌دانیم او پطرس را کجا دیده بود، اما به نحوی او را می‌شناسد. پطرس یک جمله رسمی که اغلب در محاکمات قانونی استفاده می‌شود را می‌گوید: "من نه می‌دانم و نه می‌فهمم که منظورت چیست." پطرس در حقیقت می‌گوید که او عیسی را نمی‌شناسد. در این لحظه، پطرس مستقیماً نام عیسی را نمی‌برد و چیزی را که زن می‌گوید به‌طور مستقیم انکار نمی‌کند—او فقط به‌طور کلی می‌گوید "من نمی‌دانم".

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی به این سوال پاسخ دهید: مردم در فرهنگ شما چگونه انکار می‌کنند که کاری را انجام داده‌اند؟ از چه کلمات و عباراتی استفاده می‌کنند وقتی کسی از آنها سوال می‌کند و می‌خواهند بگویند که آن کار را انجام نداده‌اند؟ **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

سپس پطرس به ورودی بیرونی حیاط می‌رود تا از زن خادم دور شود. این ورودی از خیابان یا بیرون به حیاط خانه است. این ورودی به داخل خانه نیست. به‌طور معمول، پطرس به‌عنوان یک مرد از زن نمی‌ترسید، اما در این شب به نظر می‌رسد پطرس بسیار ترسیده است. وقتی پطرس به ورودی حیاط می‌رود، خروسی شروع به خواندن یا صدای بلندی مانند خروس‌ها در سحرگاه می‌کند. برخی از متن‌های کتاب مقدس این اولین خروس‌خوانی را شامل نمی‌شوند. شما می‌توانید تصمیم بگیرید که آیا آن را اضافه کنید یا نه، بسته به آنچه در نسخه‌های کتاب مقدس منطقه شما گفته شده است.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی عکس خروسی را ببینید. نقشه‌ای از اسرائیل را که اورشلیم و منطقه جلیل و ناصره در آن وجود دارد، مشاهده کنید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

با این حال، زن خادم همچنان به مردم می‌گوید: "این مرد قطعاً یکی از آنهاست" — یعنی این مرد یکی از شاگردان یا پیروان عیسی است. پطرس دوباره پاسخ می‌دهد و دوباره می‌گوید که عیسی را نمی‌شناسد.

مدتی بعد، برخی از افرادی که در نزدیکی پطرس ایستاده‌اند، می‌گویند: "تو باید یکی از دوستان عیسی باشی، زیرا تو اهل جلیل هستی." مردم منطقه جلیل لهجه‌ای متفاوت از مردم اورشلیم داشتند. وقتی پطرس صحبت می‌کند، افراد دیگر در حیاط متوجه می‌شوند که او اهل جلیل است. آنها فرض می‌کنند، چون عیسی هم اهل منطقه جلیل است، پس پطرس باید با عیسی باشد. پطرس قسم می‌خورد یا به‌طور جدی می‌گوید: "نفرین بر من" یا "خدا مرا مجازات کند!" سپس می‌گوید که او "این مردی که شما درباره‌اش صحبت می‌کنید" را نمی‌شناسد. پطرس حتی نام عیسی را هم نمی‌برد — فقط او را "این مرد" می‌نامد.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی به این سوال پاسخ دهید: چگونه در فرهنگ شما به‌طور جدی قسم می‌خورید؟ از چه کلمات یا عباراتی استفاده می‌کنید تا به‌طور جدی انکار کنید که کاری انجام داده‌اید؟ **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

بلافاصله پس از اینکه پطرس این حرف را می‌زند، خروس برای بار دوم می‌خواند. در اورشلیم به نظر می‌رسد که خروس‌ها سه بار بین نیمه‌شب و ساعت 3 صبح می‌خوانند. اولین خروس معمولاً حدود ساعت 12:30 بامداد می‌خواند. این خروس دوم ممکن است حدود ساعت 1:30 بامداد خوانده باشد. در عرض یک ساعت، پطرس سه بار عیسی را انکار می‌کند، درست همان‌طور که عیسی قبلاً گفته بود.

بلافاصله، یا بلافاصله پس از آن، پطرس به یاد کلمات عیسی می‌افتد: "پیش از آنکه خروس دوبار بخواند، سه بار انکار خواهی کرد که مرا حتی می‌شناسی."

پطرس "در هم شکست و گریست" یعنی پطرس از کاری که کرده بود با غم شدید فرا گرفته شد و به شدت شروع به گریه کرد. پطرس نمی‌توانست اشک‌هایش را کنترل کند. گاهی مرقس به ما دقیقاً نمی‌گوید که یک داستان چگونه به پایان می‌رسد، و در اینجا هم در این داستان نمی‌دانیم که پطرس چگونه از خانه کاهن اعظم فرار کرد.

در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی به این سوال پاسخ دهید: مردم در فرهنگ شما چگونه غم یا پشیمانی خود را نشان می‌دهند؟ داستانی درباره زمانی که کسی غمگین بود و این را نشان داد، تعریف کنید. او چه کاری انجام داد و چه گفت؟ چگونه در فرهنگ شما می‌گویید که کسی به لحاظ عاطفی در هم شکسته است، غمگین است و به شدت گریه می‌کند؟ **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

ما در سراسر داستان انجیل مرقس می‌بینیم که مرقس ما را برای انکار پطرس آماده می‌کند. او ما را به فکر وامی‌دارد که پطرس در این موقعیت چه خواهد کرد. اول، می‌بینیم که پطرس به عیسی می‌گوید که هرگز او را انکار نخواهد کرد. اما سپس پطرس در باغ زیتون به خواب می‌رود. ولی احتمالاً پطرس همان کسی است که گوش خادم کاهن اعظم را در باغ زیتون قطع می‌کند. پطرس با فاصله زیاد جمعیت را دنبال می‌کند وقتی آنها عیسی را به خانه کاهن اعظم می‌برند. او می‌خواهد به عیسی نزدیک باشد، اما نمی‌خواهد شناسایی شود. سپس، در یک موقعیت بسیار دشوار، پطرس سه بار عیسی را انکار می‌کند، درست همان‌طور که عیسی قبلاً گفته بود.

مرقس می‌خواهد مخاطبانش تفاوت بین انکار پطرس و عزم راسخ عیسی برای انجام وظیفه‌ای که خدا به او داده است را ببینند.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌ها (مرقس 14: 66 — 72)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14: 66 - 72 گوش دهید.

در این مرحله، گروه باید صحنه‌ها، شخصیت‌ها و فضای این بخش را توصیف کند. سپس گروه باید این بخش را تجسم کرده و به تصویر بکشد.

این بخش دارای سه صحنه است:

صحنه اول: پطرس در حیاط زیر اتاقی قرار دارد که عیسی در آنجا همراه با شورای سهندین است. یکی از خادمان زن از پطرس می‌پرسد که آیا او با عیسی از ناصره بوده است. پطرس آن را انکار می‌کند و به سمت ورودی حیاط می‌رود. خروسی می‌خواند.

صحنه دوم: زن خادم به مردم می‌گوید: "این مرد یکی از همراهان عیسی است." پطرس دوباره انکار می‌کند.

صحنه سوم: مدتی بعد، برخی دیگر از مردم به پطرس می‌گویند که او باید دوست عیسی باشد، زیرا او نیز اهل جلیل است. پطرس به شدت انکار می‌کند. خروسی برای بار دوم می‌خواند و پطرس به یاد می‌آورد که عیسی پیش‌گویی کرده بود که او سه بار عیسی را انکار خواهد کرد. پطرس با غم فراوان گریه می‌کند.

شخصیت‌های حاضر در این بخش عبارتند از

- پطرس
- زن خادم
- دیگر افراد حاضر در حیاط، از جمله خادمان کاهن اعظم
- دو خروس

به شکل گروهی، به این بخش‌های فضای داستان توجه کنید

این داستان با کلمه "در همین حین" شروع می‌شود تا نشان دهد که این اتفاقات همزمان با گفت‌وگوهای سنجدرین با عیسی در حال رخ دادن است. خانه کاهن اعظم احتمالاً دو طبقه دارد و یک اتاق بزرگ در طبقه بالا قرار دارد. در این اتاق، اعضای شورای سنجدرین و عیسی حضور دارند. خانه دارای فضای بازی در وسط ساختمان‌ها است. خادمان در این فضای باز آتش روشن کرده‌اند تا افراد را گرم نگه دارند. پطرس در کنار آتش همراه با خادمان ایستاده است. یک زن خادم به نزد آتش می‌آید. او پطرس را می‌بیند و سپس با دقت به او نگاه می‌کند و می‌گوید: "تو با عیسی از ناصره بودی." پطرس می‌گوید: "من نه می‌دانم و نه می‌فهمم که درباره چه چیزی صحبت می‌کنی." پطرس دو بار جمله‌ای مشابه می‌گوید تا به شدت تاکید کند که او عیسی را نمی‌شناسد. پطرس از اینکه بگوید یکی از شاگردان عیسی است، می‌ترسد، زیرا نمی‌خواهد دستگیر شود. سپس پطرس به ورودی حیاط می‌رود—جایی که حیاط به خیابان یا بیرون باز می‌شود. خروسی می‌خواند.

زن خادم همچنان به مردم حاضر در حیاط می‌گوید که او فکر می‌کند پطرس با عیسی بوده است. پطرس دوباره انکار می‌کند.

مدتی بعد، شاید حدود یک ساعت بعد، برخی دیگر از مردم به پطرس می‌گویند: "تو باید یکی از همراهان عیسی باشی، زیرا تو اهل جلیل هستی." پطرس قسم می‌خورد یا با جدیت می‌گوید: "خدا مرا مجازات کند اگر دروغ بگویم. من این مردی که شما درباره‌اش صحبت می‌کنید را نمی‌شناسم!" بلافاصله خروسی برای بار دوم می‌خواند. پطرس صدای خروس را می‌شنود و فوراً به یاد کلمات عیسی می‌افتد. عیسی در آن لحظه همراه پطرس نیست، اما پطرس به یاد می‌آورد که عیسی چند ساعت قبل به او گفته بود: "پیش از آنکه خروس دوبار بخواند، سه بار انکار خواهی کرد که مرا می‌شناسی." پطرس شروع به گریه می‌کند و شدیداً غمگین می‌شود.

حال گروه باید داستان را به تصویر بکشد، آن را ترسیم کند یا با استفاده از اشیاء این بخش از داستان را تجسم کند.

مجسم کردن متن**مجسم کردن متن (مرقس 14: 66 — 72)**

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این مرحله، گروه باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای سه صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- پطرس
- زن خادم
- دیگر افراد حاضر در حیاط، از جمله خادمان کاهن اعظم
- و دو خروس

گروه شما باید این داستان را دو بار به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید این داستان را به زبان خودشان اجرا کنند.

در بار اول، نمایش باید بدون توقف اجرا شود. به مکالمات، جریان داستان، طرح و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مطمئن شوید که بخش‌های دشوار یا مهم داستان حذف نشده‌اند. به هم کمک کنید تا هر بخش از داستان را به یاد بیاورید. پخش صوتی را متوقف کرده و نمایش را اجرا کنید.

گروه باید این داستان را برای بار دوم نیز اجرا کند. در برخی از نقاط نمایش، آن را متوقف کرده و از بازیگر نقشی که در حال ایفای نقش است، بپرسید: چه حس و یا نظری داری؟" بازیگر باید پاسخ دهد که اگر جای آن شخصیت بود، چه احساسی می‌کرد یا چه فکری داشت. سپس نمایش را ادامه دهید" پخش صوتی را متوقف کرده و نمایش را برای بار دوم اجرا کنید.

در ادامه، مثالی از نمایش و پاسخ‌های احتمالی آورده شده است.

از آنجا که این داستان هم‌زمان با داستان قبلی محاکمه عیسی توسط شورای سندهرین رخ می‌دهد، می‌توانید هر دو داستان را به‌طور هم‌زمان اما در نقاط مختلف اتاق به‌صورت بی‌صدا اجرا کنید. یک گروه می‌تواند محاکمه عیسی توسط شورای سندهرین را اجرا کند، در حالی که گروه دوم انکار پطرس در حیاط را اجرا می‌کند.

پطرس در حیاط زیر اتاقی است که عیسی در آنجا همراه با سندهرین است. پطرس کنار آتش همراه با خادمان کاهن اعظم ایستاده است، زیرا شب سردی است. یک زن خدمتکار به نزد آتش می‌آید. او پطرس را می‌بیند. سپس به دقت به پطرس نگاه می‌کند و می‌گوید: "تو یکی از افرادی بودی که با عیسی —از ناصره بودی." پطرس می‌گوید: "من نه می‌دانم و نه می‌فهمم که درباره چه چیزی صحبت می‌کنی." سپس پطرس به سمت ورودی حیاط می‌رود جایی که حیاط به خیابان یا بیرون محوطه باز می‌شود. خروسی می‌خواند. نمایش را متوقف کنید. از بازیگر نقش پطرس بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخی مثل: "احساسات متضاد دارم — می‌ترسم، اما می‌خواهم نزدیک عیسی باشم"، "وحشت‌زدادم زیرا کسی من را شناسایی کرده است" را بشنوید. از بازیگر نقش زن خادم بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخی مثل: "فقط کنج‌کاو هستم، چون به نظر آشنا می‌آید — چرا اینقدر ترسیده است؟" را بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

زن خادم همچنان به مردم حاضر در حیاط می‌گوید که او فکر می‌کند پطرس با عیسی بوده است. پطرس دوباره انکار می‌کند.

مدتی بعد، شاید حدود یک ساعت بعد، برخی دیگر از مردم به پطرس می‌گویند: "تو باید یکی از همراهان عیسی باشی، زیرا تو اهل جلیل هستی." پطرس قسم می‌خورد یا با جدیت می‌گوید: "خدا مرا مجازات کند اگر دروغ بگویم. من این مردی که شما درباره‌اش صحبت می‌کنید را نمی‌شناسم!" نمایش را متوقف کنید. از بازیگر نقش پطرس بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخی مثل: "حالا واقعاً وحشت‌زدادم. نمی‌دانم چه کار می‌کنم، خیلی ترسیده‌ام" را بشنوید. از بازیگران نقش افراد حاضر در حیاط بپرسید: "چه احساسی دارید یا چه فکری می‌کنید؟" ممکن است پاسخی مثل: "او واقعاً ترسیده — چرا اینقدر ترسیده است؟" یا "او باید گناهکار باشد!" را بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

بلافاصله خروسی برای بار دوم می‌خواند. پطرس صدای خروس را می‌شنود. فوراً پطرس به یاد کلمات عیسی می‌افتد که گفت: "پیش از آنکه خروس دوبار بخواند، سه بار انکار خواهی کرد که مرا می‌شناسی." پطرس باید شروع به گریه کند، که به معنای گریه‌ای شدید است. او از کاری که کرده است بسیار غمگین شده است. نمایش را متوقف کنید. از بازیگر نقش پطرس بپرسید: "چه احساسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخی مثل: "خیلی از کاری که کرده‌ام شرم‌ندادم"، "واقعاً ناراحتم" را بشنوید.

پر کردن جاهای خالی

پر کردن جاهای خالی (مرقس 14: 66 — 72)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 14: 66 — 72 را گوش دهید

در این مرحله، اعضای گروه باید در مورد واژه‌ها و عبارات کلیدی موجود در این بخش با هم تبادل نظر کنند

پطرس در حیاط خانه کاهن اعظم است. حیاط مکانی است که از هر طرف با ساختمان‌ها احاطه شده، اما از بالا به آسمان باز است. یک خانه بزرگ ممکن است چندین اتاق اطراف یک فضای باز داشته باشد. از همان واژه‌ای که در ترجمه‌های پیشین برای اشاره به حیاط استفاده کرده‌اید استفاده کنید **در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موارد با هم تبادل نظر کنید:** خانه‌های شما در فرهنگتان چگونه ساخته می‌شوند؟ آیا در داخل و اطراف خانه‌هایتان فضاهای باز دارید؟ چگونه این فضا را در زبان خود توصیف می‌کنید؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

یک زن خدمتکار به آتش نزدیک شد. زن خدمتکار به معنای یک زن برده است که احتمالاً در خانه کار می‌کند. ما نمی‌دانیم او چند ساله بوده است. کاهن اعظم احتمالاً چندین زن داشت که در خانه او کار می‌کردند تا به تمیزکاری، آشپزی و مراقبت از خانه کمک کنند. **در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در رابطه با این موارد با هم تبادل نظر کنید:** آیا در زبان خود کلمه‌ای دارید که به زنانی که به عنوان خادم در خانه کار می‌کنند، آشپزی می‌کنند، نظافت می‌کنند و کارهای خانه را انجام می‌دهند، اشاره کند؟ **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

زن خادم عیسی را ناصری نامید. ناصری به معنای کسی است که اهل شهر ناصره، در جلیل است. مردم معمولاً به کسانی که از ناصره می‌آمدند احترام نمی‌گذاشتند، بنابراین او با این کار به عیسی بی‌احترامی کرد و گفت: "عیسی، آن مرد از ناصره." برای اطلاعات بیشتر در مورد ناصره به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید

پطرس انکار کرد که عیسی را می‌شناسد، یعنی پطرس گفت که او عیسی را نمی‌شناسد. انکار کردن به معنای این است که بگوییم آنچه کسی می‌گوید درست نیست. از همان واژه‌ای که برای انکار کردن یا انکار شده در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده بودید استفاده کنید

پطرس به سمت ورودی بیرونی حیاط رفت، یا به ورودی حیاط. این ورودی از خیابان یا بیرون به حیاط خانه باز می‌شود. و ورودی به داخل خانه نیست

در همان لحظه که پطرس به ورودی بیرونی حیاط می‌رود، خروسی شروع به خواندن می‌کند. خروس یک پرندۀ نر است که معمولاً قبل از طلوع آفتاب صدای بلندی ایجاد می‌کند. در اورشلیم در این زمان، خروس‌ها معمولاً سه بار بین نیمه‌شب و ساعت 3 بامداد می‌خواندند. از همان واژه‌ای که برای خروس در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید. **در اینجا مکث کنید و به تیم ترجمه خود عکسی از خروس نشان دهید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

برخی از افراد دیگر به پطرس گفتند: "تو باید یکی از همراهان عیسی باشی، زیرا تو اهل جلیل هستی." جلیلی به معنای کسی است که اهل منطقه یا ناحیه جلیل است. ناصره یکی از شهرهای جلیل است. از همان واژه‌ای که برای جلیل در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید استفاده کنید. برای اطلاعات بیشتر در مورد جلیل به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید. **در اینجا مکث کنید و دوباره نقشه‌ای از اسرائیل که شامل اورشلیم و منطقه جلیل با ناصره است، نشان دهید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

پطرس به شدت پاسخ داد. پطرس قسم خورد، یعنی او به‌طور جدی و رسمی قول داد که حقیقت را می‌گوید. پطرس گفت: "نفرین بر من" یا او "نفرینی بر خود خواست." این بدان معنا است که او از خدا خواست اگر دروغ می‌گوید، او را مجازات کند. از همان واژه‌ای که برای نفرین در ترجمه‌های پیشین استفاده کرده‌اید در اینجا استفاده کنید. برای اطلاعات بیشتر در مورد واژه نفرین به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید.

مرقس 15:1-15

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 15:1 — 15)

در این مرحله، به آیات مرقس 15:1 — 15 را گوش دهید و آنها را در قلب خود حفظ کنید. سعی کنید سه بار به این آیات گوش دهید (در صورت امکان از سه ترجمه مختلف استفاده کنید). سپس به‌صورت گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید.

1. چه چیزی در این بخش از داستان برای شما جذاب بود؟
2. چه چیزی را در این بخش از داستان دوست نداشتید یا به‌خوبی درک نکردید؟
3. این بخش از داستان درباره خدا یا عیسی چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این بخش از داستان درباره مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این بخش از داستان چه تأثیری بر زندگی روزمره ما دارد؟
6. آیا کسی را می‌شناسید که به شنیدن این بخش از داستان نیاز داشته باشد؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 15:1 — 15)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این داستان، مرقس به مخاطبان خود، مسیحیان تحت آزار و اذیت، نشان می‌دهد که چگونه در محاکمات خود رفتار کنند. او نشان می‌دهد که عیسی با افتخار رفتار کرد. همچنین نشان می‌دهد که عیسی به‌عنوان مسیح موعود، یا پادشاه یهودیان، اعدام شد. لقب مسیح موعود به معنای پادشاه است، اما پادشاهی عیسی با پادشاهی‌های سیاسی تفاوت داشت. این داستان از صبح خیلی زود، قبل از طلوع آفتاب، پس از محاکمه عیسی توسط شورای سنهدرین یا شورای عالی یهود آغاز می‌شود. اعضای شورای سنهدرین همه جمع شده بودند تا برنامه‌ای برای اقدام بعدی در مورد عیسی تعیین کنند.

شورای عالی یهود یا سنهدرین، عیسی را به دلیل توهین به خدا محکوم به مرگ کرد، زیرا او ادعا کرد که مسیح موعود است. توهین به خدا به معنای بی‌احترامی به خداست. سنهدرین باید تصمیم می‌گرفت که چه کاری باید انجام دهد، زیرا مقامات یهودی اجازه نداشتند عیسی را اعدام کنند. تنها مقامات رومی می‌توانستند کسی را اعدام کنند. در آن زمان، اسرائیل تحت حکومت امپراتوری روم بود. امپراتور روم فرمانداران را برای حکومت بر مناطق کوچکتر منصوب می‌کرد. پیلاتس، فرماندار رومی، بر منطقه‌ای که یهودیان در آن زندگی می‌کردند، حکمرانی می‌کرد. اگرچه یک حاکم یهودی نیز به پیلاتس کمک می‌کرد، اما فقط پیلاتس به‌عنوان نماینده روم حق داشت عیسی را به مرگ محکوم کند.

نگهبانان سنهدرین دستان عیسی را بستند و او را به کاخ فرماندار بردند، که احتمالاً در طرف دیگر شهر اورشلیم بود. پیلاتس برای جشن فصح در اورشلیم بود و در کاخ فرماندار اقامت داشت. دادگاه رسمی روم در سپیددم آغاز می‌شد، بنابراین شورای سنهدرین باید عیسی را هرچه زودتر به نزد پیلاتس می‌برد.

سنهدرین عیسی را به پیلاتس تحویل داد تا پیلاتس او را قضاوت کرده و محکوم به مرگ کند. دولت روم عیسی را به جرم توهین به دین یهود اعدام نمی‌کرد. بنابراین شورای سنهدرین به فرماندار رومی گفت که عیسی یک انقلابی است و می‌خواهد حکومت روم را سرنگون کرده و خود پادشاه شود. **در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در این رابطه با هم تبادل نظر کنید:** سیستم قضایی شما چگونه کار می‌کند؟ چه کسی در فرهنگ شما می‌تواند مردم را به مرگ محکوم کند؟ چه نوع جرایمی در فرهنگ شما بسیار بد تلقی می‌شوند؟ توضیح دهید که معمولاً وقتی کسی به جرمی متهم می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید.**

در یک دادگاه رومی، افرادی که کسی را به جرمی متهم می‌کردند، اتهامات خود را به نزد قاضی رومی می‌بردند و قاضی می‌توانست هر سوالی را که می‌خواهد از شخص متهم بپرسد. شورای سنهدرین احتمالاً به پیلاتس گفته بود که عیسی می‌خواهد حکومت روم را سرنگون کند و پادشاه شود. بنابراین پیلاتس از عیسی پرسید: "آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟" از یک نظر، سنهدرین درست می‌گفت—عیسی پادشاه بود—اما او انقلابی نبود که بخواهد حکومت روم را سرنگون کند.

مردم یهود از نسل جدّ خود، ابراهیم بودند. اکثر آنها در سرزمینی به نام اسرائیل، در همان منطقه‌ای که امروزه به نام کشور اسرائیل شناخته می‌شود زندگی می‌کردند. چون حکومت روم بر بیشتر جهان، از جمله اسرائیل، حکومت می‌کرد، ادعای پادشاهی به‌جای امپراتور روم کار خوبی نبود. اما یهودیان منتظر مسیح موعودی بودند که امیدوار بودند پادشاه شود و آنها را از ظلم حکومت‌های خارجی نجات دهد. نقشه خدا برای مسیح این بود که او

در قلب‌های مردم خدا حکومت کند و باعث شود تا مردم، خدا را پیروی کنند. عیسی می‌گوید او پادشاه است—او مسیح است—اما او آن نوع پادشاهی نیست که پیلاتس از او می‌پرسد

عیسی می‌دانست که پیلاتس نمی‌فهمد که او چه نوع پادشاهی است. عیسی پاسخ داد: "تو گفتی" که به این معناست که او می‌گوید پادشاه است، اما شاید متفاوت از آنچه پیلاتس انتظار داشت. کاهنان اعظم عیسی را به جرایم بیشتری متهم کردند و پیلاتس از عیسی خواست که از خود دفاع کند. عیسی هیچ چیز نگفت، که در یک دادگاه رومی غیرعادی بود. پیلاتس شگفت‌زده شد. پیلاتس باور نداشت که عیسی گناهکار است. اما چون عیسی از خود دفاع نکرد، برای پیلاتس سخت‌تر بود که بگوید عیسی بی‌گناه است. **در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در این رابطه با هم تبادل نظر داشته باشید که وقتی کسی بی‌گناه است، چگونه رفتار می‌کند؟ وقتی کسی گناهکار است، چگونه رفتار می‌کند؟ عیسی سکوت کرد، اما ما می‌دانیم که او بی‌گناه بود. در فرهنگ شما، آیا مردم به دلیل سکوت عیسی او را بی‌گناه می‌دانند یا گناهکار؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

فرماندار رومی این اختیار را داشت که در هفته جشن فسخ یک زندانی را به عنوان هدیه به جمعیت بپوشد. آن زندانی آزاد می‌شد و دیگر مجازات نمی‌شد. جمعیت از پیلاتس خواستند که زندانی‌ای را آزاد کند. از آنجایی که پیلاتس باور داشت که عیسی بی‌گناه است، از جمعیت پرسید که آیا آنها می‌خواهند او عیسی را آزاد کند. او عیسی را پادشاه یهود نامید، شاید با این امید که جمعیت بخواهد عیسی را آزاد کند. پیلاتس از کاهنان یهودی خوشش نمی‌آمد. او می‌دانست که کاهنان فقط عیسی را دستگیر کرده‌اند، زیرا از او متفر بودند، زیرا همه او را دوست داشتند و نه به این دلیل که واقعاً انقلابی بود. پیلاتس نمی‌خواست به خواسته‌های شورای سنا در آن وقت دهنده

با این حال، کاهنان اعظم احتمالاً به جمعیت گفتند که از پیلاتس بخواهند که باراباس، زندانی‌ای که می‌خواست حکومت را سرنگون کند، را آزاد کند. در یکی از تلاش‌هایش برای سرنگونی حکومت، باراباس کسی را کشته بود. کاهنان اعظم احتمالاً به جمعیت گفتند که آنها عیسی را در دادگاه خود به جرم توهین به خدا محکوم کرده‌اند. جمعیت به‌طور مداوم خواستار به صلیب کشیده شدن عیسی بودند. پیلاتس از جمعیت پرسید که عیسی چه کار اشتباهی انجام داده است. جمعیت جواب نداد، اما همچنان گفت: "او را به صلیب بکش!" پیلاتس به جای اینکه شرایطی ایجاد کند که بتواند عیسی را آزاد کند شرایطی ایجاد کرد که اعدام نکردن عیسی خطرناک باشد. پیلاتس چاره‌ای نداشت جز اینکه باراباس را به جمعیت تحویل دهد. پیلاتس به سربازان دستور داد که عیسی را شلاق بزنند. سربازان احتمالاً عیسی را به داخل کاخ فرماندار بردند تا در حیاط دور از مردم او را شلاق بزنند. سربازان رومی مردم را با برهنه کردن آنها، بستن آنها به ستون، و زدن آنها با شلاق چرمی که به آن استخوان، شیشه یا سرب وصل کرده بودند، شلاق می‌زدند. بسیاری از مردم از ضربات شلاق جان می‌سپردند. پس از شلاق زدن عیسی، پیلاتس دستور داد که او را به صلیب بکشند. رومی‌ها مردم را با میخ زدن دست‌ها و پاهایشان به دو تکه چوب که به شکل صلیب بود، به صلیب می‌کشیدند. صلیب را عمود می‌گذاشتند و اجازه می‌دادند که شخص به آرامی و با درد بمیرد. **در اینجا مکث کنید و به عکسی از شلاقی که به آن سرب، شیشه و استخوان بسته شده است، نگاهی بیاندازید. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در این رابطه با هم تبادل نظر کنید: آیا در فرهنگ شما روش‌هایی برای اعدام وجود دارد؟ چگونه آنها مشابه یا متفاوت از این روش هستند؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید**

به این ترتیب، پیلاتس پیش‌گویی‌هایی را که گفته بود عیسی به عنوان مسیح موعود یا پادشاه اعدام می‌شود، محقق کرد. دولت روم فکر می‌کرد که عیسی به دلیل ادعای پادشاهی و سرنگونی حکومت روم اعدام شده است. با این حال، عیسی ادعا می‌کرد که پادشاهی او پادشاهی خداست

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان (مرقس 15: 1 — 15)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این مرحله، گروه باید صحنه‌ها، شخصیت‌ها و فضای این بخش را مشخص کنند. سپس گروه باید این بخش از داستان را به تصویر بکشند

این بخش شامل پنج صحنه است

- صحنه اول:** شورای سنا در طلوع آفتاب، قبل از طلوع کامل خورشید، برای برنامه‌ریزی دیدار می‌کنند
- صحنه دوم:** در طلوع آفتاب، سنا عیسی را به پیلاتس، فرماندار رومی می‌برند و او را متهم می‌کنند که قصد سرنگونی حکومت روم را دارد. پیلاتس از عیسی می‌پرسد آیا او پادشاه یهودیان است
- صحنه سوم:** مرقس اطلاعات پیش‌زمینه‌ای به ما می‌دهد. او می‌گوید که فرماندار معمولاً در زمان جشن فسخ یک زندانی را آزاد می‌کند. مرقس باراباس را توصیف می‌کند که یک انقلابی زندانی است
- صحنه چهارم:** جمعیت مردم در جشن فسخ از پیلاتس می‌خواهند یک زندانی را آزاد کند. پیلاتس می‌پرسد آیا می‌تواند عیسی پادشاه یهودیان را آزاد کند، زیرا باور ندارد که عیسی گناهکار باشد. جمعیت به جای عیسی خواستار آزادی باراباس می‌شوند و به پیلاتس می‌گویند که عیسی را مصلوب کند
- صحنه پنجم:** پیلاتس عیسی را به سربازان تحویل می‌دهد تا او را شلاق بزنند. سپس پیلاتس به سربازان می‌گوید عیسی را مصلوب کنند

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شورای سنه‌درین (شامل معلمان شریعت، کاهنان اعظم، و بزرگان)
- پیلاتس، فرماندار رومی
- سربازان رومی
- جمعیت مردم در جشن فصح
- و بار اباس، یک انقلابی یهودی که می‌خواهد حکومت روم را سرنگون کند

به شکل گروهی، به این قسمت‌های فضای داستان توجه کنید: مهم است که به یاد داشته باشید این داستان در زمان طلوع آفتاب آغاز می‌شود. کاهنان اعظم، بزرگان و معلمان شریعت برنامه‌ریزی می‌کنند تا عیسی را نزد فرماندار ببرند. آنها دست‌های عیسی را می‌بندند و او را به کاخ فرماندار که پیلاتس در آن اقامت دارد، می‌برند. متن فقط می‌گوید که رهبران دینی عیسی را نزد پیلاتس بردند، اما مخاطبان شما ممکن است ندانند پیلاتس کیست برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس پیلاتس را به عنوان "فرماندار رومی" توصیف می‌کنند. در اینجا مکتب کنید و به شکل گروهی در این رابطه با هم تبادل نظر کنید: شما چگونه شخصیت‌های جدید را در داستان‌های واقعی خود معرفی می‌کنید؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

پیلاتس محاکمه را مانند هر محاکمه رومی دیگری آغاز می‌کند. پیلاتس از عیسی می‌پرسد: "آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟" عیسی پاسخ می‌دهد: "تو گفتی." این ممکن است به این معنا باشد که عیسی می‌گوید: "بله، من هستم!" یا اینکه عیسی می‌خواهد به شکلی ملایم‌تر بیان کند که کیست. کاهنان اعظم عیسی را به بسیاری از جرایم متهم می‌کنند. ما نمی‌دانیم که آنها دقیقاً او را به چه چیزی متهم کرده‌اند. پیلاتس از عیسی می‌پرسد: "آیا نمی‌خواهی جواب بدهی؟ آنها تو را به بسیاری از چیزها متهم می‌کنند." پیلاتس انتظار داشت که عیسی پاسخ دهد. عیسی پاسخ نمی‌دهد و پیلاتس شگفت‌زده می‌شود. پیلاتس نمی‌فهمد چرا عیسی پاسخ نمی‌دهد، زیرا بیشتر متهمین می‌خواهند دادگاه را متقاعد کنند که بی‌گناه هستند

مرقس داستان را متوقف می‌کند تا اطلاعات پیش‌زمینه‌ای به ما بدهد. مرقس می‌گوید که طبق یک رسم، فرماندار در زمان جشن فصح یک زندانی را برای مردم آزاد می‌کند. سپس او اشاره می‌کند که یک زندانی به نام بار اباس وجود داشت. بار اباس به دلیل انقلابی بودن در زندان بود و او عضو گروهی از مردانی بود که تلاش کردند حکومت روم را سرنگون کنند. در یکی از تلاش‌هایشان، وی کسی را کشته بود. در اینجا مکتب کنید و به شکل گروهی در این رابطه با هم تبادل نظر کنید: شما چگونه اطلاعات پس‌زمینه‌ای یک داستان را بیان می‌کنید؟ مخاطبان شما چگونه می‌فهمند که این اطلاعات بخشی از عمل داستان نیست؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

حال مرقس به داستان بازمی‌گردد. جمعیت مردم از پیلاتس می‌خواهند یک زندانی را برای آنها آزاد کند. پیلاتس فرصتی می‌بیند. او باور دارد که عیسی بی‌گناه است و می‌داند که کاهنان اعظم چون از عیسی نفرت دارند او را به دست پیلاتس سپرده‌اند. پیلاتس از مردم می‌پرسد: "آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما آزاد کنم؟" کاهنان اعظم به مردم می‌گویند که از پیلاتس بخواهند به جای عیسی، بار اباس را آزاد کند

پیلاتس از مردم می‌پرسد: "پس با کسی که او را پادشاه یهودیان می‌نامید چه کنم؟" مردم فریاد می‌زنند: "او را مصلوب کن!" که به معنای کشتن عیسی با میخ زدن او به صلیب است. جمعیت در حال آشفتگی است. پیلاتس می‌خواهد جمعیت را راضی کند و آنها را خوشحال کند تا خطری برای او ایجاد نکنند. پیلاتس بار اباس را به جمعیت تحویل می‌دهد

در این زمان، پیلاتس به سربازان دستور می‌دهد عیسی را شلاق بزنند. سربازان احتمالاً عیسی را به داخل کاخ بردند تا دور از چشم مردم او را شلاق بزنند. ما دقیقاً نمی‌دانیم سربازان کجا عیسی را شلاق زدند. احتمالاً پس از شلاق زدن عیسی، پیلاتس به آنها دستور داد که او را به صلیب بکشند

اکنون، گروه باید این بخش از داستان را به تصویر بکشند، آن را ترسیم کنند یا با استفاده از اشیاء آن را به صورت عملی نشان دهند

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 15: 1 — 15)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید

در این مرحله، گروه باید این بخش از داستان را به شکل نمایش اجرا کند

این بخش از داستان شامل پنج صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- شورای سنه‌درین (شامل معلمان شریعت، کاهنان اعظم و بزرگان)
- پیلاتس، فرماندار رومی
- سربازان رومی
- جمعیت مردم در جشن پسخ
- و بار اباس، انقلابی یهودی که قصد سرنگونی حکومت روم را دارد

به شکل گروهی، این بخش از داستان را دو بار اجرا کنید. اولین بار بدون توقف، به ترتیب وقایع، دیالوگ‌ها و جریان داستان توجه کنید. مطمئن شوید که هیچ بخش مهمی از داستان حذف نشود و به یکدیگر کمک کنید تا تمامی قسمت‌های داستان را به یاد بیاورید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید و داستان را اجرا کنید.

گروه باید برای بار دوم این بخش را اجرا کند. در برخی از نقاط نمایش، آن را متوقف کنید و از فردی که نقش یکی از شخصیت‌ها را بازی می‌کند بپرسید که: "چه حس و یا نظری داری؟" فرد بازیگر باید حس و فکر خود را به عنوان آن شخصیت بیان کند. سپس نمایش را ادامه دهید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید و نمایش را برای بار دوم اجرا کنید.

در ادامه، نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی را ارائه داده‌ایم

صبح زود خورشید طلوع می‌کند. کاهنان اعظم، بزرگان و معلمان شریعت برنامه‌ریزی می‌کنند تا عیسی را نزد پیلاتس ببرند. آنها دست‌های عیسی را می‌بندند و او را به کاخ فرماندار که پیلاتس در آن اقامت دارد، می‌برند.

"رهبران دینی، عیسی را نزد پیلاتس می‌آورند. پیلاتس یک محاکمه رسمی را آغاز می‌کند. پیلاتس از عیسی می‌پرسد: "آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟" عیسی پاسخ می‌دهد: "تو می‌گویی که من هستم." **"نمایش را متوقف کنید.** از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "مصمم"، "آرام"، "ناراحت" هستم. از فردی که نقش پیلاتس را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "در مورد این مرد کنجکاو هستم"، "از اینکه چرا رهبران دینی او را آورده‌اند گیج شده‌ام." **سپس نمایش را ادامه دهید.**

کاهنان اعظم عیسی را به بسیاری از چیزها متهم می‌کنند. ما دقیقاً نمی‌دانیم به چه چیزهایی او را متهم کرده‌اند. پیلاتس از عیسی می‌پرسد: "آیا نمی‌خواهی جواب بدهی؟ آنها تو را به بسیاری از چیزها متهم می‌کنند." عیسی پاسخی نمی‌دهد و پیلاتس شگفت‌زده می‌شود.

، **"اجرای نمایش را متوقف کنید.** از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "مصمم آرام" هستم. از فردی که نقش پیلاتس را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "گیج"، "تحت تأثیر آرامش" عیسی" هستم. ادامه نمایش را ادامه دهید.

بر اساس یک رسم، فرماندار در زمان جشن فسخ یک زندانی را برای مردم آزاد می‌کند. جمعیت مردم از پیلاتس می‌خواهند یک زندانی را به آنها آزاد کند.

پیلاتس باور دارد که چون کاهنان اعظم از عیسی متنفر هستند او را به دستش سپرده‌اند. پیلاتس از مردم می‌پرسد: "آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما آزاد کنم؟" بار اباس به دلیل انقلابی بودن و قتل افراد در تلاش برای سرنگونی حکومت روم در زندان بود. کاهنان اعظم به مردم می‌گویند از پیلاتس بخواهند بار اباس را آزاد کند. مردم فریاد می‌زنند: "بار اباس را به ما بده!" پیلاتس از مردم می‌پرسد: "پس با کسی که او را پادشاه یهودیان می‌نامید، چه کنم؟" مردم فریاد می‌زنند: "او را مصلوب کن!" جمعیت در حال آشفتگی است. پیلاتس می‌خواهد جمعیت را راضی کند تا خطرناک نشوند. در نتیجه او بار اباس را به جمعیت تحویل می‌دهد. **نمایش را متوقف کنید.** از افرادی که نقش معلمان شریعت را بازی می‌کنند، بپرسید: "چه حس و یا نظری دارید؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که "راضی از اینکه بالاخره موفق شدیم عیسی را به مرگ محکوم کنیم!". از جمعیت بپرسید: "چه حس و یا نظری دارید؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که "ما نمی‌دانیم چه می‌کنیم، فقط آنچه را که دیگران انجام می‌دهند دنبال می‌کنیم." از فردی که نقش پیلاتس را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "ناامید" هستم. از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید: "چه حس و یا نظری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "از اینکه مردم دیگر به من گوش نمی‌دهند ناراحت هستم"، "از خداوند می‌خواهم تا به من قدرت بدهد." سپس ادامه نمایش را اجرا کنید.

در این مرحله، پیلاتس به سربازان دستور می‌دهد عیسی را شلاق بزنند. سربازان احتمالاً عیسی را به داخل کاخ برده‌اند تا دور از چشم مردم او را شلاق بزنند. ما دقیقاً نمی‌دانیم سربازان کجا عیسی را شلاق زدند. احتمالاً پس از شلاق زدن عیسی، پیلاتس به آنها دستور می‌دهد که او را به صلیب بکشند.

پرکردن جاهای خالی

پرکردن جاهای خالی (مرقس 15:1-15)

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس، یک بار به متن آیات مرقس 15:1-15 گوش دهید

در این مرحله، اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های کلیدی موجود در این داستان با هم تبادل نظر کنند

صبح زود، کاهنان اعظم، بزرگان، و معلمان شریعت گرد هم آمدند تا در مورد اقدام بعدی تصمیم بگیرند. این گروه از مردان شورای سنهدرین، یعنی شورای عالی یهودی را تشکیل می‌دهند. از همان واژه‌ها برای این گروه از مردان استفاده کنید که در بخش‌های قبلی استفاده کرده بودید و به یاد داشته باشید که تمام این واژه‌ها در فرهنگ لغات اصلی آمده‌اند.

اعضای شورای سنهدرین، عیسی را نزد پیلاتس، فرماندار رومی می‌برند. در آن زمان، اسرائیل، سرزمین یهودیان، توسط امپراتوری یا پادشاهی روم اداره می‌شد. امپراتور یا پادشاه روم، فرماندارانی را برای اداره کردن مناطق کوچکتر سرزمین‌هایش منصوب می‌کرد. پیلاتس بر منطقه‌ای که یهودیان در آن زندگی می‌کردند، حکومت می‌کرد. اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در مورد اینکه چه واژه یا عبارتی را برای "فرماندار رومی" استفاده خواهید کرد، تبادل نظر کنید.

مرقس به ما می‌گوید که رسم بود که در جشن فسخ یک زندانی برای مردم یهودی آزاد شود. جشن فسخ یک جشن 7 یا 8 روزه بود. برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس از نام خاص این جشن یعنی فسخ استفاده می‌کنند و برخی فقط آن را جشن یا ضیافت می‌نامند. می‌توانید هر اصطلاحی را که دوست دارید استفاده کنید، اما واژه‌ای را انتخاب کنید که به مخاطبان شما کمک کند داستان را به وضوح درک کنند. اگر از واژه "فسخ" استفاده می‌کنید، از همان اصطلاحی که در بخش‌های قبلی استفاده کرده بودید، بهره ببرید و به یاد داشته باشید که واژه فسخ در فرهنگ لغات اصلی آمده است.

پیلاتس از عیسی می‌پرسد: "آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟" مردم یهود گروهی از مردم بودند که از جدّ خود، ابراهیم، به وجود آمده بودند. بیشتر آنها در منطقه‌ای به نام اسرائیل زندگی می‌کردند، که در ناحیه‌ای مشابه کشور فعلی اسرائیل قرار داشت. از آنجا که حکومت رومی بر بیشتر نقاط جهان از جمله اسرائیل حکمفرما بود، ادعای پادشاه بودن به جای پادشاه رومی، کار خوبی نبود. با این حال، مردم یهود منتظر مسیح موعودی بودند که امیدوار بودند به پادشاهی برسد و آنها را از ظلم حکومت‌های خارجی نجات دهد. برنامه خدا برای مسیح این بود که او در دل‌های مردم خداوند سلطنت کند و مردم را به پیروی از خدا هدایت کند. عیسی می‌گوید او یک پادشاه است—او همان مسیح است—اما او از آن نوع پادشاه نیست که پیلاتس از او می‌پرسد. اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در مورد اینکه چه واژه یا عبارتی را برای "پادشاه یهودیان" استفاده خواهید کرد، تبادل نظر کنید.

جمعیت از پیلاتس می‌خواهند که عیسی را مصلوب کند. مصلوب کردن بدترین نوع اعدام در زمان عیسی بود. معمولاً سربازان قربانی را شلاق می‌زدند سپس دست‌ها و پاها را به دو تکه چوب به شکل صلیب می‌خکوب می‌کردند. سربازان صلیب را راست می‌کردند و قربانی در حالی که از درد رنج می‌برد، ساعت‌ها آویزان می‌ماند تا اینکه می‌مرد. از همان واژه‌ای برای اشاره به "صلیب" استفاده کنید که در بخش‌های قبلی استفاده کرده بودید. اینجا مکث کنید و به شکل گروهی در مورد اینکه چه واژه یا عبارتی را برای "مصلوب کردن" استفاده خواهید کرد، تبادل نظر کنید. برای اطلاعات بیشتر در مورد مصلوب کردن و صلیب به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید.

سربازان عیسی را شلاق زدند. این به معنای این است که آنها قربانی را به ستونی بستند، او را عریان کردند و چندین بار با شلاقی چرمی که به آن شیشه سرب و استخوان وصل شده بود، او را زدند. گاهی مردم می‌توانستند اندام‌های داخلی قربانی را پس از شلاق زدن ببینند. گاهی قربانیان از شلاق زدن جان می‌سپردند. از همان واژه‌ای برای اشاره به "شلاق زدن" استفاده کنید که در بخش‌های قبلی استفاده کرده بودید.

پیلاتس عیسی را به سربازان سپرد تا مصلوبش کنند، یعنی اینکه او را به سربازانی داد که او را به صلیب می‌خکوب می‌کردند.

مرقس 15:16-32

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 15:16 — 32)

در این مرحله، به متن آیات مرقس 15:16-32 گوش دهید و آن را در قلب خود نگه دارید.

سه بار به نسخه صوتی گوش دهید، (در صورت امکان از سه ترجمه مختلف.) سپس، به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید.

1. چه چیزی در این بخش برای شما جالب است؟
2. چه چیزی در این بخش برای شما خوشایند نیست یا آن را به خوبی درک نمی‌کنید؟
3. این بخش چه چیزی را درباره خدا یا عیسی به ما می‌گوید؟
4. این بخش چه چیزی را درباره انسان‌ها به ما می‌گوید؟
5. این بخش چگونه بر زندگی روزمره ما تأثیر می‌گذارد؟
6. آیا کسی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این بخش داشته باشد؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 15:16-32)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

این داستان بلافاصله بعد از شلاق زدن عیسی توسط سربازان آغاز می‌شود. ما نمی‌دانیم که سربازان عیسی را کجا شلاق زدند، اما احتمالاً او را به حیاط داخل قصر حاکم برده‌اند، جایی که سربازان زندگی می‌کردند. سربازان اضافی که غیر یهودی بودند، معمولاً برای جشن عید فصح همراه با پیلاتس حاکم رومی، به اورشلیم می‌آمدند تا امنیت شهر را حفظ کنند. تعداد زیادی یهودی برای جشن فصح در اورشلیم بودند و گاهی اوقات این حضور به شورش علیه حکومت رومی منجر می‌شد. بنابراین، یک تیپ سربازان رومی، حدود ۲۰۰ تا ۶۰۰ نفر، در مقر حاکم حضور داشتند. این سربازان احتمالاً به دلیل وضعیت خطرناک شهر در طول جشن‌های بزرگ مانند فصح، بسیار مضطرب بودند.

عیسی احتمالاً از شدت شلاق زدن زخمی و ضعیف بود. این سربازان می‌دانستند که عیسی ادعا کرده بود که پادشاه یهودیان است. آن‌ها عیسی را مسخره کردند و به‌صورت تمسخرآمیز او را به‌عنوان پادشاه احترام می‌کردند. سربازان لباسی ارغوانی رنگ به عیسی پوشانده — رنگی که معمولاً مربوط به پادشاهان بود — که احتمالاً پارچه و یا قالیچه‌ای کهنه بود. شاخه‌های خار را به شکل تاج درست کرده و بر روی سر عیسی گذاشتند و آن را تاج پادشاهی نامیدند. سپس سربازان به او ضربه زدند، بر سر او با چوب زدند و بر او تف کردند و به زانو درآمدند تا وانمود کنند که او را پرستش می‌کنند. تف کردن در فرهنگ آن دوران عیسی یکی از بزرگترین بی‌احترامی‌ها بود. سپس لباس ارغوانی را از تن او درآوردند و لباس‌های خودش را بر تنش کردند.

در اینجا مکت کنید و به عکس لباسی ارغوانی یا سرخ تیره و عکسی از چوبی که برای ضربه زدن به افراد استفاده می‌شود نگاه کنید

در فرهنگ شما مردم چگونه به دیگران بی‌احترامی می‌کنند؟ در این داستان، آن‌ها عیسی را کتک زدند و بر او تف کردند. همچنین به او توهین کردند و وانمود کردند که او پادشاه است. مردم در فرهنگ شما چگونه عمل می‌کنند؟

معمولاً یک فرمانده ۴ سرباز وظیفه، زندانی را از شهر به سمت محل اعدام هدایت می‌کردند. زندانی تیر چوبی کوتاه‌تر صلیب را به سوی محل اعدام حمل می‌کرد. محل صلیب در خارج از دیوارهای شهر اورشلیم و احتمالاً در کنار جاده بود.

در اینجا مکت کنید و به عکس یک صلیب نگاه کنید و به شکل گروهی تیر چوبی صلیب را نشان دهید

سربازان معمولاً لوحی با جرمی که زندانی مرتکب شده را حمل می‌کردند و یا آن را بر روی زندانی نصب می‌کردند. عیسی لوحی داشت که روی آن نوشته شده بود: "پادشاه یهودیان" تا نشان دهد که او به‌خاطر ادعای پادشاهی اعدام می‌شود.

عیسی به دلیل ضعف ناشی از شلاق زدن نمی‌توانست صلیب خود را تا انتها حمل کند. در همان زمان، مردی به نام **شمعون**، از روستا به اورشلیم می‌آمد. شمعون مردی یهودی بود که یا در اورشلیم زندگی می‌کرد یا برای جشن فصح به اورشلیم آمده بود. اما او اهل **قیروان**، شهری در شمال آفریقا بود. به نظر می‌رسد که مرقس مخاطبان خود را با شمعون و پسرانش آشنا می‌دانست زیرا اشاره می‌کند که شمعون پدر **اسکندر و روفوس** بود.

در فرهنگ یهودی، رسم بود که زنان یهودی به زندانیان شراب مخلوط با مُر ارائه دهند تا درد صلیب را کاهش دهند. مرقس به ما نمی‌گوید که چه کسی این شراب را به عیسی داد. عیسی شراب مخلوط با مُر را نپذیرفت تا تمام درد صلیب را تحمل کند.

مرقس جزئیات کامل چگونگی به صلیب کشیدن زندانیان توسط رومیان را بیان نمی‌کند و احتمالاً دلیل این امر این است که مخاطبان او قبلاً به خوبی از این روند آگاه بودند. رومیان معمولاً زندانی را کاملاً عریان می‌کردند. یهودیان دوست نداشتند که زندانیان کاملاً عریان اعدام شوند، بنابراین گاهی اوقات رومیان اجازه می‌دادند که زندانیان لباسی طویل دور پاهایشان بپوشند. ما نمی‌دانیم که آیا عیسی چنین لباسی داشت یا خیر. سربازان دستان عیسی را به صلیب میخ کردند. احتمالاً میخ از ناحیه مچ دست و بازو وارد شده بود. تیر صلیب سپس بالا برده و به تیر چوبی عمودی که در زمین قرار داشت متصل می‌شد. پاهای نیز به تیر عمودی میخ می‌شد. پاهای احتمالاً با یک میخ بلند به هم میخکوب می‌شدند. در میانه تیر چوبی شاید قطعه‌ای از چوب برای حمایت از بدن قرار داده شده بود. زندانیان معمولاً از خستگی ناشی از تلاش برای نگهداشتن بدن خود برای نفس کشیدن می‌مردند.

ارتفاع صلیب‌ها معمولاً به اندازه قد یک انسان بود، اما در مورد عیسی احتمالاً کمی بالاتر بود تا مردم بیشتری بتوانند او را ببینند. رهبران مذهبی عیسی را تمسخر کردند و گفتند: "از صلیب پایین بیا" که نشان می‌دهد صلیب او ممکن است کمی بالاتر از معمول بوده باشد.

رومیان به اعدام‌کنندگان اجازه می‌دادند که اموال زندانی را به خود اختصاص دهند. تنها اموال عیسی لباس‌های او بود. احتمالاً او یک لباس بیرونی و یک لباس درونی داشت و شاید یک پوشش برای سر. سربازان برای تصمیم‌گیری درباره اینکه چه کسی کدام بخش از لباس‌های او را می‌گیرد، قرعه‌کشی کردند.

در اینجا مکت کنید و به شکل گروهی به عکس قرعه انداختن نگاه کنید

در فرهنگ شما، مردم چگونه دیگران را شرم‌نده یا تحقیر می‌کنند؟ چه کارهایی انجام می‌شود که افراد به‌صورت تحقیرآمیز مورد رفتار قرار گیرند؟

مرقس سپس به ما می‌گوید که سربازان عیسی را در ساعت ۹ صبح به صلیب کشیدند، یا در زمان یهودی "ساعت سوم". این زمان با گزارش‌های دیگر از مصلوب شدن عیسی مطابقت ندارد. این اشاره ممکن است از یک اصلاح‌کننده اولیه کتاب مرقس باشد یا صرفاً یک زمان تقریبی که عیسی اعدام شده است را بیان می‌کند.

سربازان لوحی که عیسی با خود داشت — "پادشاه یهودیان" — را بر روی چوب بالای سر او قرار دادند. همچنین دو نفر دیگر را در دو طرف عیسی به صلیب کشیدند. این افراد به عنوان "راهزنان" یا "دزدان" توصیف شده‌اند. رومیان مردم را برای دزدی اعدام نمی‌کردند، بنابراین به احتمال زیاد این افراد نیز انقلابی بودند و سعی داشتند دولت را سرنگون کنند.

برخی از مردم که از آنجا عبور می‌کردند سر خود را تکان دادند و به عیسی توهین کردند. آن‌ها گفتند: "تو که گفتی معبد را ویران می‌کنی و در سه روز آن را بازسازی می‌کنی." شاید این افراد شب قبل در جلسه شورای سنهدرین حاضر بودند یا آنچه شاهدان دروغین گفته بودند را شنیده بودند. آن‌ها همچنین گفتند: "از صلیب پایین بیا و خودت را نجات بده".

اعضای شورای سנהدرین، کاهنان اعظم و معلمان شریعت در میان خود با کنایه و تمسخر صحبت کردند و می‌گفتند: "او دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خود را نجات دهد. این مسیح، پادشاه اسرائیل، باید از صلیب پایین بیاید تا ما ببینیم و به او ایمان بیاوریم." احتمالاً منظور آن‌ها این بود که عیسی دیگران را با شفا می‌داد. به‌طور کنایه‌آمیز، عیسی قادر است به‌صورت روحانی مردم را نجات دهد زیرا او با پایین نیامدن از صلیب، خود را نجات نداد. رهبران مذهبی عیسی را به‌جای "پادشاه یهودیان" که پیلطس گفته بود، "پادشاه اسرائیل" نامیدند. رومیان مردم ساکن در اسرائیل را "یهودیان" می‌نامیدند. یهودیان خودشان دوست داشتند از نام سرزمینشان، اسرائیل، استفاده کنند.

شورشانی که در دو سوی عیسی به صلیب کشیده شده بودند نیز او را مسخره کردند و این بدان معنی است که آنها سخنان بدی به او می‌گفتند.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌های داستان مرقس 15:16 — 32

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید. در این جلسه شما به گروه خود کمک خواهید کرد تا صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و ساختار متن را توصیف کنند. سپس گروه باید آن را به شکل نمایش اجرا نماید.

این داستان دارای 4 صحنه است.

در صحنه اول: سربازان در مقر حاکم، مقر فرماندار، عیسی را مسخره می‌کنند.

در صحنه دوم: عیسی شروع به حمل چوب صلیب خود به محل اعدام می‌کند. او نمی‌تواند آن را تا انتها حمل کند و شمعون قیروانی بقیه راه را تا جلجتا محل جمجمه، آن را حمل می‌کند.

در صحنه سوم: کسی به عیسی شراب و مُر تعارف می‌کند و سربازان عیسی را به صلیب می‌خکوب می‌کنند. دو نفر از شورشیان نیز در دو طرف عیسی به صلیب کشیده می‌شوند.

در صحنه چهارم: مردم، کاهنان بزرگ و معلمان شریعت، عیسی را مسخره می‌کنند. دو شورشی که در دو طرف عیسی به صلیب کشیده شده‌اند نیز عیسی را مسخره می‌کنند.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- سربازان در مقر فرماندار
- شمعون قیروانی
- کسی که به عیسی شراب و مُر تعارف می‌کند
- سربازانی که عیسی را به صلیب می‌خکوب می‌کنند
- دو شورشی که در دو طرف عیسی به صلیب کشیده شده‌اند
- مردمی که نظار مگر مصلوب شدن عیسی هستند
- و کاهنان بزرگ و معلمان شریعت

به شکل گروهی به این قسمت‌های ساختار متن توجه کنید

این داستان زمانی آغاز می‌شود که با درست قیل از تازیانه زدن یا درست بعد از آن، سربازان عیسی را به حیاط مقر فرماندار می‌برند. عده‌ای از سربازان جمع می‌شوند تا عیسی را ببینند و او را مسخره کنند. آنها یک ردای بنفش یا قرمز تیره بر تن او می‌کنند. تاجی از شاخه‌های خار روی سرش می‌گذارند، و به او ادای احترام می‌کنند و می‌گویند: "درو بر پادشاه یهودیان!" سپس با یک چوب به سرش می‌زنند و به او تف می‌اندازند و جلوی او زانو می‌زنند گویی که در مقابل او تعظیم می‌کنند. سپس ردای بنفش را از تنش درمی‌آوردند و لباس‌های خودش را به او می‌پوشانند. این کار برای عیسی بسیار تحقیرآمیز است.

سپس سربازان صلیب را روی شانه‌های عیسی می‌گذارند و او را به محل اعدام هدایت می‌کنند. آنها یا تابلویی را حمل می‌کنند یا آن را به عیسی می‌دهند که روی آن نوشته شده است: "پادشاه یهودیان." عیسی شروع به حمل این چوب از میان شهر اورشلیم می‌کند. عیسی پس از تازیانه خوردن بسیار ضعیف شده و دیگر نمی‌تواند چوب را حمل کند. سربازان مردی به نام شمعون، اهل قیروان، را مجبور می‌کنند تا صلیب را حمل کند. شمعون، سربازان و عیسی از میان شهر عبور می‌کنند و از یک دروازه در دیوار شهر خارج می‌شوند و به محلی برای اعدام به نام جلجتا، محل جمجمه، می‌رسند.

احتمالاً برخی از مردم به عیسی شراب مخلوط با مُر تعارف می‌کنند تا به او در کاهش درد کمک کنند. عیسی این شراب را نمی‌پذیرد. مرقس به ما می‌گوید که ساعت 9 صبح است، زمانی که سربازان عیسی را مصلوب می‌کنند. آنها بازوهای عیسی را روی صلیب می‌گذارند و دست‌های او را به صلیب می‌خکوب می‌کنند. سپس صلیب را بلند می‌کنند و پاهای عیسی را نیز به چوب عمودی می‌خکوب می‌کنند. آنها تابلویی که روی آن نوشته شده پادشاه یهودیان را بالای سر عیسی قرار می‌دهند. سربازان دو نفر دیگر از شورشیان را نیز به همان شیوه مصلوب می‌کنند و صلیب‌های آنها را در دو طرف عیسی قرار می‌دهند.

مردم از آنجا عبور می‌کردند و به عیسی توهین می‌کردند و می‌گفتند: "تو که می‌خواستی معبد را ویران کنی و در سه روز بسازی، از صلیب پایین بیا و خودت را نجات بده!" کاهنان بزرگ و معلمان شریعت نیز عیسی را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: "او دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خودش را نجات دهد! این مسیح، پادشاه اسرائیل، باید از صلیب پایین بیاید تا ما به او ایمان بیاوریم." دو شورشی که در دو طرف عیسی به صلیب کشیده شده‌اند نیز به او توهین می‌کنند.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را به شکل عملی اجرا نماید.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 15:32-32)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این مرحله، گروه شما باید این متن را به شکل نمایش اجرا کند.

این متن دارای چهار صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- سربازان در مقر فرماندهی حاکم
- شمعون قیروانی
- فردی که به عیسی شراب و مر می‌دهد
- سربازانی که عیسی را به صلیب می‌کشند
- دو انقلابی که در کنار عیسی مصلوب می‌شوند
- مردم ناظر بر مصلوب شدن
- کاهنان اعظم و معلمان شریعت

گروه شما باید دو بار این متن را به شکل نمایش اجرا کند.

در بار اول، نمایش باید بدون وقفه اجرا شود. به دیالوگ‌ها، روند داستان و ترتیب وقایع توجه کنید. مراقب باشید هیچ بخش مهمی از داستان حذف نشود. به یکدیگر کمک کنید تا تمام جزئیات داستان را به یاد بیاورید. در این زمان نمایش را اجرا کنید.

بار دوم نمایش با مکث‌هایی همراه خواهد بود. در برخی از نقاط نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقش یک شخصیت را بازی می‌کند، بپرسید: "چه حس یا نظری داری؟" فردی که از او سوال می‌شود، باید حس و نظر خود را در مورد نقشی که دارد بیان کند. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان نمایش را دوباره اجرا کنید.

نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی

این داستان از لحظه‌ای شروع می‌شود که سربازان عیسی را شلاق می‌زنند. سربازان او را به حیاط داخل مقر فرماندهی حاکم می‌برند. در اینجا گروهی از سربازان حدود 200 تا 600 نفر برای دیدن عیسی جمع می‌شوند و او را مسخره می‌کنند. آنها عیسی را همانند یک پادشاه می‌پوشانند و تاجی از شاخه‌های خار بر سرش می‌گذارند. سپس به او می‌گویند: "درود بر پادشاه یهودیان!" سپس بر سر او با چوب ضربه می‌زنند و بر او تف می‌کنند. آنها جلوی عیسی زانو می‌زنند و وانمود می‌کنند که او را پرستش می‌کنند. سپس لباس ارغوانی را از تن او در می‌آورند و لباس‌های اصلی او را به تنش می‌کنند. **نمایش را در اینجا متوقف کنید** و از افرادی که نقش سربازان را بازی می‌کنند بپرسید: "چه حس یا نظری دارید؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "این کار به ما کمک می‌کند از استرس محافظت از اورشلیم در طول عید فصح را داشته باشیم." یا "تعجب می‌کنم که عیسی هیچ واکنش خشمگینی نشان نمی‌دهد." از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که: "غمگین هستم زیرا نمی‌دانم که من واقعاً یک پادشاه هستم." سپس نمایش را ادامه دهید.

حدود 4 سرباز و یک فرمانده، تیر چوبی صلیب را بر دوش عیسی می‌گذارند و او را به سمت محل اعدام هدایت می‌کنند. سربازان نوشته‌ای را حمل می‌کنند که می‌گوید: "پادشاه یهودیان". عیسی تیر چوبی بلند را از میان شهر اورشلیم حمل می‌کند. مردم زیادی در شهر حضور دارند و عیسی بسیار ضعیف است. او دیگر نمی‌تواند تیر چوبی را حمل کند. سربازان مردی به نام شمعون از قیروان را مجبور می‌کنند که صلیب را برای عیسی حمل کند. در اینجا نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقش شمعون را بازی می‌کند بپرسید: "چه حس یا نظری داری؟" او ممکن است بگوید: "از خود می‌پرسم این مرد کیست؟"، "می‌خواهم بیشتر درباره او بدانم، به نظر می‌رسد او فردی متفاوت است"، "برای او ناراحت‌کننده است." از افرادی که نقش مردم در خیابان‌های اورشلیم را بازی می‌کنند بپرسید: "چه حس یا نظری دارید؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "غمگین هستم"، "از خود می‌پرسم این مرد چه کار وحشتناکی کرده است"، "نمی‌توانم نگاه کنم، این خیلی ناراحت‌کننده است." سپس نمایش را ادامه دهید.

آنها به جلجتا می‌رسند. برخی افراد، احتمالاً زنان یهودی، به عیسی شراب مخلوط با مر پیشنهاد می‌دهند تا درد را تسکین دهد. عیسی از پذیرفتن آن امتناع می‌کند. سربازان بازوهای عیسی را روی تیر چوبی صلیب می‌گذارند و دستان او را به صلیب می‌کنند. سپس تیر چوبی را به تیر عمودی که در زمین است می‌چسبانند و پاهای او را نیز می‌زنند. نوشته "پادشاه یهودیان" را بر بالای سر عیسی قرار می‌دهند. **در اینجا نمایش را متوقف کنید** و از افرادی که نقش سربازان را بازی می‌کنند بپرسید: "چه حس یا نظری دارید؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: "سعی می‌کنم به آن فکر نکنم، این خیلی بی‌رحمانه است." سپس نمایش را ادامه دهید.

سربازان دو مرد انقلابی را نیز در دو سوی عیسی به صلیب می‌کشند و صلیب عیسی در میان آنها قرار می‌گیرد. سربازان برای تقسیم لباس‌های عیسی قرعه می‌کشند. مردم عبور می‌کنند و به عیسی توهین می‌کنند. آنها سر خود را تکان می‌دهند و می‌گویند: "تو گفتی معبد را ویران می‌کنی و در سه روز آن را بازسازی می‌کنی!" کاهنان اعظم و معلمان شریعت نیز به تمسخر او می‌گویند: "او دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خود را نجات دهد!" در اینجا نمایش را متوقف کنید و از افرادی که نقش انقلابیان و کاهنان را بازی می‌کنند بپرسید که چه حسی دارند.

مردم از آنجا عبور می‌کردند و به عیسی توهین می‌کردند. آنها سرهای خود را تکان می‌دادند تا انزجار خود را نشان دهند و می‌گفتند: < کاهنان اعظم و معلمان شریعت با یکدیگر صحبت کرده و عیسی را مسخره می‌کردند: < دو انقلابی که در دو طرف عیسی بر صلیب کشیده شده بودند نیز به او توهین > > می‌کردند. در اینجا نمایش را متوقف کنید و از افرادی که نقش دو انقلابی روی صلیب‌های دیگر را بازی می‌کنند، بپرسید: < ممکن است بشنوید از افرادی که نقش رهبران مذهبی را بازی می‌کنند بپرسید: < آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که: < از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید: < > > > احتمالاً پاسخ خواهد داد که

پرو کردن جاهای خالی

پرو کردن جاهای خالی (مرقس 15: 16-32)

به نسخه صوتی مرقس 15: 16-32 در راحت‌ترین ترجمه گوش دهید

در این مرحله، گروه در مورد اصطلاحات و کلمات کلیدی موجود در این بخش از متن بحث خواهند کرد.

سربازان عیسی را به < بردند که نام خاصی برای اقامتگاه و دفاتر رسمی فرماندار است. به احتمال زیاد، این داستان در حیاط، ناحیه‌ای که با ساختمان‌ها احاطه شده است، اتفاق افتاده است. در اینجا مکث کنید و به‌صورت گروهی درباره اینکه چه واژه یا عبارتی را برای < استفاده خواهید کرد، بحث کنید **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** سربازان کل یگان یا گروه سربازان را برای دیدن عیسی فراخواندند. یک گروه نظامی معمولاً حدود 600 سرباز داشت، اما ممکن است این گروه بین 200 تا 600 سرباز بوده باشد. سربازان ردایی بنفش یا لباسی بیرونی بر عیسی پوشاندند. بنفش رنگی است که بین آبی و قرمز قرار دارد. ممکن است به عنوان یک قرمز تیره یا آبی تیره در نظر گرفته شود. پارچه بنفش رنگ گران‌قیمت و مخصوص پادشاهان بود. در اینجا مکث کنید، به عکس یک ردای به رنگ بنفش دوباره نگاه کنید و به‌صورت گروهی درباره اینکه چه واژه یا عبارتی را برای اشاره به رنگ استفاده خواهید کرد، با هم تبادل نظر کنید. شما می‌توانید از اصطلاحی استفاده کنید که رنگ چیزی را در فرهنگ خودتان توصیف می‌کند، مثل یک > گل، توت یا پرندهای که به رنگ قرمز تیره یا آبی تیره باشد. **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** سربازان تاجی از خار بر سر عیسی گذاشتند و شاخه‌هایی را که بر روی آنها خارهایی وجود داشت به شکل دایره‌ای بافتند. این دایره مانند تاج ویژه‌ای بود که پادشاهان در زمان عیسی می‌پوشیدند. پادشاهان تاج دایره‌ای ویژه‌ای بر سر خود می‌گذاشتند تا نشان دهند که پادشاه هستند. سپس سربازان عیسی را برای مصلوب شدن بردند. از همان واژه‌ای برای < استفاده کنید که در بخش‌های قبلی داستان استفاده کرده‌اید و به خاطر داشته باشید که واژه < در فرهنگ لغت اصلی نیز وجود دارد. مصلوب شدن عمل به صلیب کشیدن یک فرد می‌باشد. از همان واژه‌ای برای اشاره به واژه < استفاده کنید که در داستان قبلی استفاده کردید و به یاد داشته باشید که واژه صلیب در فرهنگ لغت اصلی نیز وجود دارد. توجه کنید که تنها تیر افقی صلیب برای حمل به عیسی داده شده بود. در اینجا مکث کنید و به عکس یک صلیب نگاه کنید و تیر افقی را به حاضرین نشان دهید. **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** سربازان عیسی را به مکانی به نام < بردند جلجتا نام خاص مکانی است که سربازان عیسی را در آنجا مصلوب کردند. این نام به معنای < است. مرقس هم نام خاص مکان و هم معنای آن را به ما می‌گوید. شما نیز باید همین کار را در ترجمه خود انجام دهید. شخصی، احتمالاً از زنان یهودی، به عیسی شراب (نوشیدنی‌ای تخمیر شده از میوه‌ای به نام انگور) مخلوط با < که شیرهای از یک نوع درخت است، پیشنهاد داد. مَر مانند دارویی است که به مردم کمک می‌کند تا درد را احساس نکنند. در اینجا مکث کنید و به‌صورت گروهی درباره اینکه چه واژه یا عبارتی را برای اشاره به < استفاده خواهید کرد، تبادل نظر کنید. **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** سربازان برای اینکه ببینند چه کسی لباس‌های عیسی را خواهد گرفت، تاس انداختند یا قرعه‌کشی کردند. قرعه‌کشی یعنی انداختن سنگ‌های کوچکی که به نوعی علامت‌گذاری شده بودند. نحوه افتادن سنگ‌ها تعیین می‌کرد که چه کسی کدام قسمت از لباس‌های عیسی را خواهد گرفت. در اینجا مکث کنید و دوباره به‌صورت گروهی به عکس قرعه‌ها نگاه کنید. **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** مرقس می‌گوید که عیسی در ساعت سوم، که برابر با 9 صبح یا سه ساعت پس از طلوع خورشید است، مصلوب شد. در اینجا مکث کنید و به‌صورت گروهی درباره اینکه چه واژه یا عبارتی را برای این زمان از روز استفاده خواهید کرد، بحث کنید. **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** دو <، < یا انقلابی در دو طرف عیسی مصلوب شدند. از همان واژه‌ای برای اشاره به واژه < استفاده کنید که در بخش‌های قبلی استفاده کرده‌اید. به یاد داشته باشید که انقلابی کسی است که می‌خواهد حکومت را سرنگون کند. مردم به عیسی توهین کردند و به او گفتند که او گفته بود معبد را ویران خواهد کرد و آن را دوباره خواهد ساخت. از همان واژه‌ای برای اشاره به < استفاده کنید که در بخش‌های قبلی در انجیل مرقس استفاده کرده‌اید و به یاد داشته باشید که این واژه در فرهنگ لغت اصلی نیز وجود دارد. رهبران روحانی و معلمان شریعت دینی عیسی را تمسخر کردند و گفتند: < از همان واژه‌هایی برای اشاره به <، < و < استفاده کنید که در بخش‌های قبلی استفاده کرده‌اید و به یاد داشته باشید که این واژه‌ها نیز در فرهنگ لغت اصلی وجود دارند. رهبران مذهبی از عنوان < به جای استفاده کردند زیرا مردم یهودی ترجیح می‌دادند خود را به عنوان ملت اسرائیل بنامند، نامی که خداوند از زمان جدشان یعقوب برای آنها استفاده کرده > بود.

مرقس 15:39-39

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس ۱۵: 33 — 39)

در این مرحله، به آیات مرقس ۱۵: 33 — 39 را گوش دهید و آن‌ها را در قلب خود نگه دارید. سه بار به نسخه ای آیات را گوش دهید، در صورت امکان از سه ترجمه مختلف استفاده کنید. سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید

1. از چه چیزی در این بخش خوشتان می‌آید؟
2. از چه چیزی در این بخش خوشتان نمی‌آید و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نمی‌کنید؟
3. این بخش در مورد خدا یا عیسی چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این بخش در مورد مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این بخش چه تاثیری بر زندگی روزمره ما دارد؟
6. آیا کسی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این بخش داشته باشد؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 15: 33 — 39)

یک بار دیگر و یا با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 15: 33 — 39 را گوش دهید

در بخش قبلی، مرقس می‌گوید که سربازان عیسی را در ساعت 9 صبح مصلوب کردند. عیسی برای ساعت‌ها بر روی صلیب در حال رنج کشیدن بود در ظهر، خورشید تاریک شد، با اینکه در این زمان از سال معمولاً خورشید در آن زمان تاریک نمی‌شود. اما مردم زمان عیسی این تاریکی را به عنوان نشانه‌ای از وقوع اتفاق بدی تعبیر می‌کردند. یک نبی یهودی به نام عاموس گفته بود که خورشید در هنگام داوری خداوند بر جهان تاریک خواهد شد برخی دیگر اعتقاد داشتند که تاریکی نمادی از مرگ پادشاهان یا شهرها است. قبل از نخستین عید فصح، زمانی که خداوند بنی‌اسرائیل را از مصر نجات داد، تاریکی به عنوان یکی از بلایای مصر نشانه لعنت خدا بر مصر بود. در شریعت موسی نیز آمده است که افرادی که بر درختی آویخته شوند، مورد لعنت خدا قرار گرفته‌اند. شاید به همین دلیل بود که خورشید تاریک شد

در ساعت 3 بعدازظهر، سه ساعت پس از شروع تاریکی، عیسی با صدای بلند فریاد زد: "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟" عیسی احساس می‌کرد که به کلی از خدا جدا شده است، بنابراین اولین بخش از مزامیر، یا سرود اندوه را به زبان آورد. در این نوع سرود، خواننده از خداوند درخواست کمک می‌کند تا او را از رنج ناعادلانه یا ظلمی که بر او رفته است نجات دهد. مزامیر اندوه معمولاً با وعده‌ای مبنی بر حضور و یاری خداوند در بحران به پایان می‌رسند

احتمالاً عیسی نام خدا را به زبان عبری "ایلی، ایلی" بر زبان آورد و بقیه پرسش را به زبان آرامی بیان کرد. عبری زبان کتاب مقدس یهودیان بود، اما آرامی زبانی بود که یهودیان در دوران حکومت روم با آن صحبت می‌کردند. برخی از اطرافیانش شاید سخنان اولیه عیسی را متوجه نشده بودند. عیسی خدا را فراخواند، اما کلمه‌ای که برای اشاره به خدا به کار برد شبیه نام عبری نبی بزرگ یهودی یعنی الیاس بود. یهودیان باور داشتند که روح الیاس به نجات مردان در ستکار در زمان خطر خواهد آمد و به همین دلیل بود که مردم تصور کردند عیسی در حال فراخواندن الیاس است و نه خدا

یهودیان معتقد بودند که سرکه انگور، که نوعی شراب ارزان و ترش بود، تشنگی را تسکین داده و افراد تشنه را سرحال می‌کند. یکی از افرادی که صدای عیسی را شنید، خواست به او کمک کند. او اسفنجی را در سرکه انگور خیس کرد و آن را بر انتهای چوبی بلند قرار داد و به سوی عیسی گرفت

عیسی تا لحظه آخر زندگی‌اش به اندازه کافی قوی بود که با صدای بلند صحبت کند. این امر غیرمعمول بود، زیرا اکثر مردانی که مصلوب می‌شدند در نزدیکی پایان مصلوب شدنشان بسیار ضعیف شده و قادر به تنفس نبودند

مرقس به رویدادی که همزمان با مصلوب شدن عیسی، اما در مکانی دیگر رخ می‌دهد اشاره می‌کند. در معبد اورشلیم، دو پرده بزرگ آویخته شده بود تا درگاه‌ها را ببوشاند. پرده داخلی پرده‌ای بود که بین قدس و قدس الاقداس آویخته شده بود. قدس الاقداس مکانی در معبد بود که تنها کاهن اعظم می‌توانست در روز مخصوص کفار وارد آن شود تا برای گناهان مردم اسرائیل قربانی کند تا گناهان آنها بخشیده شوند. پرده خارجی پرده‌ای بود که این مناطق بسیار ویژه برای کاهنان را از محوطه‌های مخصوص غیرکاهنان جدا می‌کرد. عموم مردم پرده خارجی را می‌دیدند، اما تنها چند کاهن می‌توانستند پرده داخلی را ببینند. در اینجا مکث کنید و نموداری از معبد، شامل قدس الاقداس، قدس و محوطه‌ها را به گروه نشان دهید. **پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید.**

ما به طور قطعی نمی‌دانیم که کدام پرده از بالا به پایین دو نیم شد. برخی از محققان باور دارند که پرده خارجی از بالا به پایین دو نیم شد، زیرا عموم مردم از محوطه‌ها می‌توانستند آن را ببینند و این رویداد را به دیگران گزارش دهند. بسیاری از مردم معتقدند که این رویداد نوعی پیشگویی از ویرانی معبد در آینده بود. معبد در سال 70 میلادی، تقریباً 40 سال پس از این رویداد، ویران شد. در هر صورت، شکافته شدن پرده به دو نیم نماد تغییری است که عیسی در آیین‌های یهودی سنتی ایجاد کرد؛ نیاز به معبد و کاهنانی که در قدس الاقداس قربانی کنند دیگر وجود نداشت، زیرا عیسی قربانی نهایی بود

یک یوزباشی و یا همان رئیسدسته صد نفره از سربازان، با افسر رومی از ابتدای مصلوب شدن عیسی تا زمان مرگش با او بود. او می‌دانست که عیسی به نوعی با قربانیان دیگر متفاوت است. عیسی نه مرگ معمولی داشت و نه مانند مجرمان معمولی رفتار کرد. این افسر رومی با صدای بلند اعلام کرد مطمئناً این مرد پسر خدا بود! این افسر رومی احتمالاً متوجه شد که عیسی موجودی الهی است یا قهرمان الهی که سرنوشتش را از خداوند پذیرفته است. اما افسر رومی احتمالاً به درک کامل معنای این عبارت نرسید.

این جمله از افسر رومی نقطه اوج کل کتاب مرقس است. مرقس می‌خواهد به مخاطبانش نشان دهد "عیسی کیست؟" مرقس می‌خواهد به مخاطبانش نشان دهد که عیسی همان مسیح موعود، پادشاه و پسر خدا است. مرقس کتاب خود را با بیان اینکه این روایت از زندگی عیسی "مسیح، پسر خدا" است آغاز می‌کند. سپس عیسی از شاگردانش می‌پرسد که او کیست و پطرس می‌گوید: "تو مسیح هستی." سپس کاهن اعظم در دادگاه از عیسی می‌پرسد که آیا او مسیح، پسر خدا است؟ اکنون حتی افسر رومی که مسئول مرگ عیسی بود، به نظر می‌رسد که فهمیده است عیسی کیست. رومیانی که مرقس این کتاب را برای آنها می‌نویسد، از شنیدن اینکه حتی یک مقام رسمی رومی نیز عیسی را شناخت خوشحال می‌شوند.

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌ها (مرقس 15: 33-39)

به نسخه صوتی آیات مرقس 15: 33-39 در آسان‌ترین ترجمه ممکن گوش دهید

در این مرحله، گروه صحنه‌ها، شخصیت‌ها و محیط این بخش را تعریف خواهد کرد. سپس گروه این بخش را تجسم و ترسیم خواهد کرد

این بخش دارای چهار صحنه است

صحنه اول از ظهر آغاز می‌شود. خورشید برای سه ساعت تاریک می‌شود

در صحنه دوم، عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند: < شخصی تلاش می‌کند تا به عیسی سرکه بدهد. در صحنه سوم، عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند و بجان می‌دهد. هم‌زمان، در معبد، در سوی دیگر اورشلیم، پرده از بالا تا پایین پاره می‌شود. در صحنه چهارم، افسر رومی با همان یوزباشی می‌گوید شخصیت‌های حاضر در این بخش عبارتند از: عیسیافرادی که کنار صلیب ایستاده‌اند فردی که سرکه را با اسفنج به عیسی می‌رساند افسر رومی به این بخش‌های محیط توجه کنید: این داستان از ظهر آغاز می‌شود که تاریکی سراسر منطقه را فرا می‌گیرد، احتمالاً فقط منطقه اسرائیل یا حتی فقط اطراف اورشلیم تاریک شده بود. سه ساعت می‌گذرد. حدود ساعت ۳ بعدازظهر، عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند. توجه کنید که مرقس سخنان عیسی را به زبان اصلی آورده است: < که به معنای < است. در اینجا مکث کنید و این سوال را در گروه مطرح کنید: چگونه در داستان‌های خود نشان می‌دهید که فردی به زبانی دیگر صحبت می‌کند؟ **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** نام الیاس نبی شبیه < است و به همین دلیل برخی از افراد حاضر فکر کردند که عیسی دارد الیاس را صدا می‌زند. شخصی که نمی‌دانیم کیست، می‌دود و اسفنجی را در سرکه فرو می‌برد. او اسفنج را روی چوب می‌گذارد و آن را به سمت عیسی می‌گیرد. مرد می‌گوید: < عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند و آخرین نفس خود را می‌کشد و می‌میرد. هم‌زمان با مرگ عیسی پرده معبد از بالا تا پایین پاره می‌شود. معبد در سوی دیگر اورشلیم از جایی که عیسی می‌میرد، قرار دارد. افرادی که در کنار صلیب هستند نمی‌دانند که پرده معبد پاره شده است. در اینجا مکث کنید و این سوال را در گروه مطرح کنید: چگونه در داستان‌هایتان اطلاعاتی را که هم‌زمان اما در مکان دیگری اتفاق می‌افتد، بیان می‌کنید؟ **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** یک افسر رومی یا مان یوزباشی در نزدیکی صلیب ایستاده است، زیرا او مسئولیت مصلوب کردن عیسی را بر عهده دارد. او همه چیز را که در کنار صلیب اتفاق می‌افتد می‌بیند. او مشاهده می‌کند که عیسی به شکل متفاوتی از سایر افراد می‌میرد. عیسی در حالی که هنوز قوی است می‌میرد. او می‌گوید: < این دومین نقطه اوج مهم در کتاب مرقس است. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی درباره این سوال تبادل نظر کنید: وقتی داستانی را روایت می‌کنید، چگونه با صدای خود و کلماتتان نشان می‌دهید که بخش مهمی از داستان را بیان می‌کنید؟ یک داستان واقعی و مهم از فرهنگ خود را برای یکدیگر تعریف کنید و ببینید که نقطه اوج این داستان کجاست. چگونه در مورد آن صحبت می‌کنید؟ وقتی که به بخش مهم داستان می‌رسید چه اتفاقی برای صدای شما و کلماتتان می‌افتد؟ **پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید.** حال گروه باید این بخش را به شکل تصویری تجسم و ترسیم کند

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 15: 33 — 39)

یک بار دیگر به ترجمه صوتی مرقس 15: 33 — 39 گوش دهید

در این مرحله، گروه شما باید این داستان را به شکل نمایش اجرا کند

این داستان دارای چهار صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- عیسی
- افرادی که در کنار صلیب ایستاده‌اند
- شخصی که اسفنج خیس شده با سرکه ترش به عیسی می‌دهد
- و افسر رومی، موسوم به یوزباشی

گروه باید دو بار این داستان را به شکل نمایش اجرا کند. شما باید این داستان را به زبان خودتان اجرا کنید

در بار اول بدون توقف این کار را انجام دهید. به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مطمئن شوید که هیچ بخش مهمی از داستان را جا نمی‌گذارید. به یکدیگر کمک کنید تا تمام قسمت‌های داستان را به خاطر بسپارید. در این زمان پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

در بار دوم که گروه نمایش این داستان را اجرا می‌کند، در برخی موارد نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید: چه حسی یا فکری داری؟ فرد باید احساسی که دارد یا فکری که می‌کند را بیان کند. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی در ادامه آمده است

این داستان از ظهر آغاز می‌شود، هنگامی که تاریکی تمام منطقه را فرا می‌گیرد. شاید تنها منطقه اسرائیل یا حتی تنها اطراف اورشلیم تاریک شده باشد سه ساعت می‌گذرد. حدود ساعت 3 بعد از ظهر، عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند: "خدایا، خدایا، چرا مرا ترک کردی؟" اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از فردی که نقش عیسی را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی یا فکری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "هرگز این‌قدر تنها نبودم کاملاً ترک‌شده‌ام". از افرادی که در کنار ایستاده‌اند بپرسید: "چه حسی یا فکری دارید؟" آنها نیز احتمالاً پاسخ خواهند داد که "تعجب می‌کنیم که عیسی" دارد با چه کسی صحبت می‌کند"، "از دیدن این حال او ناراحت شده‌ایم". سپس نمایش را ادامه دهید

شخصی - نمی‌دانیم که چه کسی - می‌دود و اسفنجی را در سرکه ترش (شراب گندیده) خیس می‌کند. او اسفنج را بر روی چوب می‌گذارد و آن را به عیسی نزدیک می‌کند. آن فرد می‌گوید: "صبر کنید، ببینیم آیا الیاس می‌آید تا او را از روی صلیب پایین بیاورد!" عیسی با صدای بلند فریاد می‌زند و نفس آخرش را می‌کشد و می‌میرد. هم‌زمان با مرگ عیسی، پرده معبد از بالا تا پایین دو نیم می‌شود. معبد در سوی دیگر اورشلیم از محل مرگ عیسی قرار دارد. اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از فردی که نقش آن شخص را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی یا فکری داری؟" احتمالاً پاسخ‌هایی مانند ناامید شده‌ام" خواهید شنید. از افرادی که در کنار ایستاده‌اند بپرسید: "چه حسی یا فکری داری؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد "غمگین هستیم"، "از" اینکه همه چیز به پایان رسیده خیالمان راحت شد"، "از این که عیسی بی‌دلیل جان باخت ناراحت هستیم". سپس نمایش را ادامه دهید

یک افسر رومی یا یوزباشی نزدیک صلیب ایستاده، زیرا او مسئولیت مصلوب شدن عیسی را بر عهده دارد. فرمانده می‌گوید: "مطمئن هستم که این مرد پسر خدا بود!" اجرای نمایش را در اینجا متوقف کنید و از فردی که نقش فرمانده را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی یا فکری داری؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "عیسی بیشتر از دیگران حرمت داشت"، "عیسی مانند دیگران خشمگین نبود"، "عیسی به شیوه‌ای متفاوت جان داد"، "احساس می‌کنم که خدا با این مرد است".

پراکندن جاهای خالی

پراکندن جاهای خالیمرقس 15: 33 — 39

با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس یک بار به متن آیات مرقس 15: 33 — 39 را گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌های مهم موجود در این داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

در ظهر و تا ساعت سه بعدازظهر، تاریکی کل سرزمین را فرا گرفت. کل سرزمین ممکن است به منطقه‌ای اطراف اورشلیم یا سرزمین اسرائیل اشاره داشته باشد و احتمالاً به کل جهان اشاره نمی‌کند. "تاریکی فرا گرفت" به این معنی است که خورشید دیگر نور نداشت. این اتفاق در ظهر رخ داد و عیسی در ساعت سه بعدازظهر فریاد زد. برخی زبان‌ها ممکن است کلمات دقیقی برای بیان ساعت نداشته باشند. اگر چنین است، می‌توانید از عباراتی مانند نیم‌روز" و "وسط بعدازظهر" یا هر طریقی که برای اشاره به زمان‌های روز در فرهنگ شما استفاده می‌شود، استفاده کنید"

عیسی فریاد زد، "ایلی، ایلی، لما سبتقتی؟" این جمله به زبان عبری و آرامی است و به معنای "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟" می‌باشد عیسی احتمالاً نام خدا، "ایلی" را به عبری گفت و بقیه سوال را به آرامی بیان کرد. عبری زبان نوشتاری کتاب‌های مقدس یهودی بود، اما آرامی زبان مردمی بود که در زمان حکومت رومیان صحبت می‌کردند. مرقس هم جمله اصلی به زبان عبری و آرامی را به ما داده و هم ترجمه‌ای به زبان ما ارائه کرده است. ممکن است شما نیز به همین شکل عمل کنید. اگر چنین است، سعی کنید جمله عبری را به شکلی مشابه به زبان عبری و آرامی بیان کرده و سپس آن را به زبان خود ترجمه کنید، همان‌طور که مرقس برای مخاطبان خود این کار را کرده است

برخی از مردم فکر کردند که عیسی دارد ایلیای نبی را صدا می‌زند. نام ایلیا را به همان شکلی که در بخش‌های قبلی ترجمه کرده‌اید بیاورید و به یاد داشته باشید که نام ایلیا در فرهنگ لغات اصلی موجود است

کسی به عیسی سرکه داد یا سرکه‌ای که از شراب ساخته شده بود تا به او کمک کند که تشنگی‌اش را فرو بنشانند. سرکه شراب یک نوشیدنی ارزان تخمیر شده است. از آنجایی که شراب روی یک اسفنج قرار داده شده بود، ممکن است بگویید که آن را به عیسی دادند تا بمکد. در اینجا مکث کنید و در مورد واژه یا عبارتی که برای "سرکه شراب" استفاده خواهید کرد بحث کنید. در این زمان پخش صوتی را متوقف کنید

عیسی نفس آخر خود را کشید و این بدین معنی است که او جان سپرد. در اینجا مکث کنید و با گروه خود در رابطه با این مورد تبادل نظر کنید که: آیا مخاطبان شما متوجه خواهند شد که عیسی در این لحظه جان سپرد، یا باید به طور صریح بگویید "عیسی جان سپرد؟" در این زمان پخش صوتی را متوقف کنید.

وقتی عیسی جان سپرد، پرده معبد از بالا تا پایین پاره شد. در معبد دو پرده وجود داشت و ما مطمئن نیستیم کدام پرده پاره شد. با این حال، پرده اصلی در داخل معبد 20 متر طول و 10 متر عرض دارد و به ضخامت کف دست یک مرد بود. این پرده از پارچه ساخته شده و برای پوشاندن قدسلاقداس استفاده می‌شد. می‌توانید بگویید "پرده به دو بخش تقسیم شد". از همان کلمه برای اشاره به معبد استفاده کنید که در بخش‌های قبلی به کار برده‌اید و به یاد داشته باشید که واژه "معبد" در فرهنگ لغات اصلی موجود است.

وقتی عیسی جان سپرد، فرمانده یوزباشی، که مسئول اجرای حکم او بود، گفت: "بهراستی این مرد پسر خدا بود!" فرمانده یوزباشی یک افسر رومی در ارتش است که مسئول صد سرباز می‌باشد. عبارت "پسر خدا" را به همان شکلی که در بخش‌های قبلی استفاده کرده‌اید ترجمه کنید و به یاد داشته باشید "که" "پسر خدا" در فرهنگ لغات اصلی موجود است. در اینجا مکث کنید و به عنوان یک گروه بحث کنید که چه واژه یا عبارتی برای "فرمانده یوزباشی" استفاده خواهید کرد. برای اطلاعات بیشتر درباره فرمانده، به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید.

مرقس 15:40-47

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 15:40-47) آیات مرقس 15:40-47 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید. 3 بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش بدهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید.

1. از چه چیزی در این داستان خوشتان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوشتان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟
3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تأثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 15:40-47)

یک بار دیگر با استفاده از ساده‌ترین ترجمه کتاب مقدس به آیات مرقس 15:40-47 گوش دهید.

در بخش قبلی، عیسی تازه مرده است. سربازان رومی عیسی را از طریق مصلوب شدن، نوعی اعدام که توسط رومی‌ها استفاده می‌شد، اعدام کردند. این بخش با اشاره به این مورد آغاز می‌شود که زنانی از دور به عیسی نگاه می‌کردند. این زنان احتمالاً از جلیل آمده بودند و تا به اورشلیم همراه عیسی بودند. اگرچه زنان بسیاری در آنجا حضور داشتند، اما تنها نام سه نفر از این زنان ذکر شده است. یکی از این زنان مریم مجدلیه نام دارد. مریم نامی رایج برای زنان در اسرائیل بود. مرقس با اشاره به او به عنوان مجدلیه، می‌خواهد بگوید که او از شهر مجدله، یک روستای ماهیگیری در سواحل دریای جلیل است. زن دیگر نیز مریم نام دارد و او مادر یعقوب کوچک‌تر و یوسس یا یوسف می‌باشد. مرقس، یعقوب را < می‌نامد، احتمالاً به این دلیل که حداقل دو نفر به نام یعقوب در میان شنوندگان مرقس شناخته شده بودند. زن سوم نیز سالومه نام دارد. در اینجا مکث کنید و این سوال را از گروه مطرح کنید: مردم در فرهنگ شما چگونه درباره افرادی که نام مشترکی دارند صحبت می‌کنند؟ روش‌های مختلفی را که ممکن است در صحبت درباره این افراد به کار ببرید تا دیگران بفهمند دقیقاً درباره چه کسی صحبت می‌کنید، بررسی کنید. اگر گروه با شهر مجدله آشنایی ندارند نقشه‌ای از جلیل را نشان دهید که این شهر را نیز نشان می‌دهد. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. این زنان از عیسی تعلیم می‌گرفتند و همچنین به او کمک می‌کردند برخی از نسخه‌های انگلیسی می‌گویند که آنها به او <. این بدان معنا است که آنها احتمالاً با تأمین مالی، پخت و پز و مراقبت از لباس‌های عیسی و گروه نزدیک او کمک می‌کردند. این زنان به عنوان همسران و یا به نوع جنسی به عیسی خدمت نمی‌کردند. در اینجا مکث کنید و با گروه خود در رابطه با این مورد با هم تبادل نظر کنید که چگونه کمک این زنان به عیسی را توصیف خواهید کرد. در فرهنگ و زبان شما، زنانی که همسر نیستند اما به دیگران کمک می‌کنند، چگونه توصیف می‌شوند. مثلاً با فراهم کردن غذا و مراقبت از لباس‌ها؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. مرگ عیسی در روز آماده‌سازی اتفاق افتاد، یعنی روز قبل از شنبه که روز مقدس یهودیان برای استراحت و پرستش خدا بود. اکنون نزدیک به شب بود و پس از غروب خورشید انجام هرگونه کاری، از جمله حمل جسد، غیرقانونی بود. رومی‌ها معمولاً جسد مصلوب شده را رها می‌کردند تا در حالی که بر روی صلیب آویزان است، پوسیده شود. سپس بدون اینکه به آن جسد احترامی بگذارند آن را از صلیب پایین آورده و در یک گور دسته‌جمعی می‌انداختند. اما در فرهنگ یهودی، دفن مناسب بسیار مهم است و باید قبل از غروب آفتاب انجام می‌شد. یوسف از رame تلاش کرد تا بدن عیسی را به درستی دفن کند. در اینجا مکث کنید و این سوالات را به شکل گروهی بررسی کنید: دفن در فرهنگ شما چقدر اهمیت دارد؟ روش‌های رایج دفن در میان مردم شما چیست؟ دفن فردی که مورد احترام است با کسی که مورد احترام نیست چه تفاوتی دارد؟ آیا روش‌های دفن برای مردان و زنان، پیران و جوانان متفاوت است؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. جزئیات بسیاری در این بخش درباره مردی به نام یوسف داده شده است. او اهل شهر رامه بود که حدود 32 کیلومتر

(با 20 مایل) در شمال غربی اورشلیم قرار داشت. یوسف یک عضو برجسته یا بسیار محترم شورای مذهبی یهودیان به نام سندهرین بود. این بخش می‌گوید که یوسف در انتظار یا به دنبال پادشاهی خدا بود. این بدان معنا است که یوسف به دنبال زمانی بود که خدا به عنوان پادشاه بر مردمش حکومت کند. همچنین این امر ممکن است نشان دهد که یوسف پیرو عیسی بود. یوسف می‌خواست به عیسی با دفن مناسب عیسی به او احترام بگذارد. یوسف شجاع یا دلیر بود و از پیلطس درخواست جسد عیسی را کرد. این بدان معنا است که یوسف از پیلطس درخواست کرد تا عیسی را دفن کند. اگر یادتان باشد پیلطس فرماندار رومی بود که دستور مصلوب شدن عیسی را صادر کرد. پیلطس تعجب کرد که عیسی به این زودی مرده است، بنابراین از فرمانده نظامی رومی، که یک افسر نظامی رومی بود، پرسید تا مطمئن شود که عیسی واقعاً مرده است یا خیر. مصلوب شدن، یعنی همان مرگ بر روی صلیب معمولاً یک مرگ آهسته بود. در برخی موارد، مردان تا دو یا سه روز پس از میخکوب شدن بر صلیب نمی‌مردند. عیسی کمتر از هشت ساعت پس از میخکوب شدن بر صلیب درگذشت. پیلطس مایل بود به یوسف اجازه دهد تا جسد را بردارد. در اینجا مکث کنید و اگر گروه هنوز عکس‌هایی از صلیب و مصلوب شدن افراد ندیده‌اند، چنین عکس‌هایی را به گروه نشان دهید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. این بخش به ما می‌گوید که یوسف بدن عیسی را برای دفن آماده کرد. زمان بسیار کمی برای انجام این وظیفه وجود داشت و انجام آن کار آسانی نبود. اگر چه مرقس نمی‌گوید که یوسف کمی داشت، اما بسیاری از افراد معتقدند که یوسف از خدمتکاران خود کمک گرفته بود. یوسف بدن مرده عیسی را در پارچه‌ای بلند از کتان پیچید. کتان نوعی پارچه باکیفیت است که از گیاه کتان تهیه می‌شود. بر اساس رسم یهودیان، مردم اجساد مرده را در چنین پارچه‌ای می‌پیچیدند. مرقس اشاره نمی‌کند که یوسف قبل از پیچیدن جسد، بدن عیسی را شسته است یا خیر، اما پژوهشگران معتقدند که یوسف بدن عیسی را شسته بود. شستن بدن مرده چنان بخش مهمی از رسوم دفن یهودیان بود که قانون یهود اجازه می‌داد مردم بدن مرده را در روز شنبه بشویند. پس از پیچیدن بدن عیسی، یوسف او را در قبری قرار داد که از سنگ تراشیده شده بود. سنگ بزرگی بر ورودی قبر قرار داده شد. در اینجا مکث کنید و به شکل گروهی به عکسی از پارچه کتان و همچنین عکسی از قبری تراشیده شده از سنگ یا سنگ بزرگی در ورودی آن نگاه کنید. در مورد آداب دفن در میان مردم خودتان بحث کنید. چگونه بدن مرده برای دفن آماده می‌شود؟ بدن پس از آمادسازی برای دفن کجا قرار داده می‌شود؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید. مریم مجدلیه و مریم، مادر یعقوب و یوسس دیدند که یوسف از رame بدن عیسی را کجا قرار داد. در فرهنگ یهودیان، زنان شاهدان معتبر محسوب نمی‌شدند. اما زنان تنها کسانی از شاگردان عیسی بودند که شاهد آنچه بر بدن عیسی گذشت، بودند. مرقس با ارائه جزئیات دقیق از آنچه رخ داد، نشان می‌دهد که این روایت یک داستان واقعی است. در اینجا مکث کنید و این سوالات را به شکل گروهی بررسی کنید: در فرهنگ شما، زنان چه نقشی به عنوان شاهد رویدادها دارند؟ چه کسانی حق دارند که شاهد یک رویداد باشند و آنچه رخ داده را بازگو کنند؟

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌ها (مرقس 15: 40 — 47)

یک بار دیگر و با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 15: 40 — 47 گوش دهید

در این مرحله، گروه باید صحنه‌ها، شخصیت‌ها و فضای این بخش از متن را تعریف کنند. سپس گروه باید این متن را تجسم کند

این بخش دارای سه صحنه است

در صحنه اول: عیسی بر روی صلیب جان سپرده است. زنانی که از پیروان عیسی بودند، از فاصله‌ای دور نظاره‌گر این رویداد هستند. آنها شامل مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوسف، و سالومه هستند

در صحنه دوم: اوایل غروب است، روز قبل از شبات و یا همان روز قبل از شنبه است. یوسف اهل رame نزد پیلطس می‌رود تا اجازه بگیرد بدن عیسی را دفن کند. پیلطس از یک فرمانده نظامی رومی می‌پرسد که آیا عیسی واقعاً مرده است و سپس پیلطس به یوسف اجازه می‌دهد که بدن عیسی را دفن کند.

در صحنه سوم: یوسف بدن عیسی را برای دفن آماده می‌کند. او بدن عیسی را در یک پارچه کتانی بلند می‌پیچد. یوسف بدن عیسی را در قبری که از سنگ تراشیده شده بود، قرار می‌دهد. سنگ بزرگی بر روی ورودی قبر گذاشته می‌شود. مریم مجدلیه و مریم، مادر یعقوب، مشاهده می‌کنند که بدن عیسی کجا گذاشته شد

شخصیت‌های حاضر در این بخش عبارتند از:

- عیسی
- مریم مجدلیه
- مریم مادر یعقوب کوچک و یوسف
- سالومه
- سایر زنانی که عیسی را دنبال می‌کردند
- یوسف اهل رame
- پیلطس
- و یک فرمانده نظامی رومی

به صورت گروهی به این بخش‌های فضای متن توجه کنید

در صحنه اول، عیسی بر روی صلیب جان سپرده است. بسیاری از زنانی که از پیروان عیسی بودند، از فاصله‌ای دور نظاره‌گر هستند؛ و این در حالی است که آنها دور از صلیب ایستاده بودند. این زنان در زمان حضور عیسی در جلیل به او کمک کرده بودند. در میان این زنان، مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوسف، و سالومه حضور دارند.

اکنون اوایل غروب روز قبل از شنبه است. زمانی که شنبه شروع شود، یهودیان باید از قوانینی پیروی کنند که تعیین می‌کند چه کارهایی را در این روز می‌توانند انجام دهند و چه کارهایی را نمی‌توانند، از جمله اینکه اجازه نداشتند بدن مرده را حرکت دهند یا دفن کنند.

یوسف اهل رامه نزد پیلاتس می‌رود و از او اجازه می‌خواهد تا بدن عیسی را دفن کند. باید به خاطر داشت که یوسف از اعضای محترم شورای یهودی یعنی سنهترین بود و در انتظار آمدن پادشاهی خداوند بود. طبق سایر روایت‌های انجیل، یوسف تا زمان مرگ عیسی، به صورت پنهانی پیرو عیسی بود. درخواست یوسف از پیلاتس برای دفن بدن عیسی، اقدامی شجاعانه و جسورانه بود.

پیلاتس از یک فرمانده نظامی رومی می‌پرسد که آیا عیسی واقعاً مرده است. پیلاتس از سرعت مرگ عیسی تعجب می‌کند، چراکه در برخی موارد قربانیان صلیب پس از دو یا سه روز جان می‌سپردند. فرمانده نظامی رومی به پیلاتس اطلاع می‌دهد که عیسی مرده است.

یوسف بدن عیسی را آماده کرده و در پارچه‌ای کتانی بلند می‌پیچد. طبق سنت یهود، بدن مرده را پیش از دفن در پارچه‌ای کتانی می‌پیچیدند. یوسف بدن عیسی را در قبری که از سنگ تراشیده شده بود، قرار می‌دهد و سنگ بزرگی بر ورودی قبر گذاشته می‌شود. باید به یاد داشته باشید که دو زن به نام مریم، جایی که بدن عیسی گذاشته شده بود را مشاهده کردند.

اکنون گروه باید داستان را به تصویر بکشند و آن را به شکل عملی اجرا کنند.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 15: 40-47)

یک بار دیگر و با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این داستان گوش دهید.

در این مرحله، گروه باید داستان را به شکل نمایش اجرا کند.

این داستان دارای سه صحنه است.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از:

- عیسی
- مریم مجدلیه
- مریم، مادر یعقوب کوچک و یوسف
- سالومه
- زنان دیگر که پیرو عیسی بودند
- یوسف اهل رامه (یوسف از رامه)
- پیلاتس
- و یک فرمانده نظامی رومی

گروه شما باید دو بار داستان را به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند.

در بار اول، داستان را بدون توقف اجرا کنید. به مکالمات، روند داستان، و ترتیب اتفاقات توجه کنید. مراقب باشید که بخش‌های دشوار یا مهم داستان حذف نشوند. به اعضای گروه کمک کنید تا تمام بخش‌های داستان را به یاد بیاورند. پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در بار دوم که گروه نمایش را اجرا کرد، در برخی موارد نمایش را متوقف کرده و از فردی که نقشی را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" فردی که از او سوال می‌شود باید نظر یا احساس خود را در رابطه با نقشی که دارد بیان کند. سپس نمایش را ادامه دهید. پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید.

در ادامه، نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی ارائه شده است.

عیسی به تازگی بر روی صلیب جان داده است. زنانی که پیرو عیسی بودند از دور به این صحنه نگاه می‌کنند. این زنان شامل مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوسف، و سالومه هستند. این زنان به عیسی در زمان حضور او در جلیل کمک می‌کردند. اجرای نمایش را متوقف کنید و از افرادی که نقش زنان را بازی می‌کنند بپرسید: "چه حسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" آنها ممکن است پاسخ دهند که: "غمگین هستیم! ای کاش می‌توانستیم به او و شاگردانش غذا بدهیم"، "قلبان شکسته است." و "بسیار ناراحت هستیم. چگونه توانستند او را بکشند؟ او نجات‌دهنده موعود بود." سپس نمایش را ادامه دهید.

اوایل عصر، روز قبل از سبت است. یوسف اهل رامة به نزد پیلطس می‌رود تا اجازه دفن بدن عیسی را بگیرد. اجرای نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقش یوسف را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخ‌هایی مانند: "می‌خواهم عیسی را تکریم کنم. او شایسته دفن مناسبی است"، "شجاعت را جمع کردم. می‌دانم که پیلطس دستور کشتن عیسی را صادر کرده، اما باید از او اجازه بخواهم"، یا "در عجله‌ام. باید قبل از آغاز سبت، عیسی را به درستی دفن کنیم" بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

پیلطس از فرمانده نظامی رومی می‌پرسد که آیا عیسی واقعاً مرده است. فرمانده به پیلطس می‌گوید که این حقیقت دارد و عیسی مرده است. اجرای نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقش پیلطس را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" ممکن است پاسخ‌هایی مانند: "تعجب می‌کنم. چطور عیسی این‌قدر زود مرد؟ چند ساعت بیشتر نگذشته"، یا "احساس گناه می‌کنم. عیسی بی‌گناه بود. باید او را آزاد می‌کردم. حالا می‌خواهم این درخواست را بپذیرم" بشنوید. سپس نمایش را ادامه دهید.

پیلطس به یوسف اجازه می‌دهد تا بدن عیسی را دفن کند. یوسف بدن عیسی را در پارچه‌کثانی بلندی می‌پیچد. سپس بدن عیسی را در قبری قرار می‌دهد. سنگ بزرگی بر روی ورودی قبر غلتانده می‌شود. مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب کوچک می‌بینند که بدن عیسی کجا قرار داده می‌شود. اجرای نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقش یوسف را بازی می‌کند بپرسید: "چه حسی داری یا چه فکری می‌کنی؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "احساس آرامش می‌کنم. توانستیم این کار را قبل از سبت انجام دهیم"، یا "خوشحالم که توانستم به این شکل عیسی را تکریم کنم".

پercردن جاهای خالی

پercردن جاهای خالی (مرقس 15: 40-47)

یک بار به ترجمه آسان‌فهم کتاب مقدس از مرقس 15: 40-47 گوش دهید

در این مرحله، گروه شما باید درباره‌ی واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی این بخش بحث کند.

1. مرگ عیسی بر صلیب: ** عیسی به تازگی بر روی صلیب مرده است. از همان کلمه یا عبارت برای اشاره به صلیب و ** مصلوب شدن استفاده کنید که در بخش‌های قبلی به کار برده‌اید. به یاد داشته باشید که "صلیب" و "مصلوب شدن" در فرهنگ لغات اصلی موجود است. (در اینجا مکث کنید و به تصویری از صلیب یا مصلوب شدن نگاه کنید. پخش صوتی را در این زمان متوقف کنید)
2. شب قبل از سبت: ** این زمان، شب قبل از سبت است، یعنی روز استراحت مذهبی یهودیان. از همان کلمه یا عبارت برای ** اشاره به "سبت" استفاده کنید که قبلاً به کار برده‌اید. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی "سبت"، به فرهنگ لغات اصلی مراجعه کنید.
3. یوسف از رامة: ** یوسف از یکی از اعضای محترم شورا بود. شورای عالی یهودی به نام "سنهترین" متشکل از ** کاهنان اعظم، بزرگان، و معلمان شریعت مذهبی است. از همان کلمه برای اشاره به "شورا" یا "سنهترین" استفاده کنید که قبلاً به کار برده‌اید. تعریف کامل شورا را می‌توانید در فهرست "سنهترین" در فرهنگ لغات اصلی پیدا کنید.
4. اجازه دفن عیسی: ** یوسف از پیلطس اجازه خواست تا بدن عیسی را دفن کند. پیلطس از یک یوزباشی، که افسر نظامی ** رومی است، پرسید که آیا درست است که عیسی مرده است. یوزباشی تأیید کرد که عیسی مرده است. از همان کلمه برای یوزباشی استفاده کنید که قبلاً به کار برده‌اید. به یاد داشته باشید که این واژه در فرهنگ لغات اصلی موجود است.
5. مقبره و دفن: ** یوسف بدن عیسی را در یک پارچه‌کثانی پیچید و آن را در یک مقبره که از صخره تراشیده شده بود، قرار داد. مقبره، محل دفن است. طبق رسوم یهودیان، مردگان را در غارهای طبیعی یا غارهایی که از صخره تراشیده شده بودند دفن می‌کردند. یک سنگ بزرگ روی ورودی مقبره غلتانده شد. از همان کلمه برای "مقبره" استفاده کنید که در بخش‌های قبلی به کار برده‌اید و به یاد داشته باشید که "مقبره" در فرهنگ لغات اصلی موجود است. در اینجا مکث کنید و به تصویری از غارهای دفن و مقبره‌ای که از صخره تراشیده شده، نگاه کنید.

مرقس 1:16-8

شنیدن و حفظ کردن

شنیدن و حفظ کردن (مرقس 16: 1-8)

آیات مرقس 16: 1-8 را بشنوید و آنها را در قلب خود حفظ کنید. 3 بار به متن گوش دهید (در صورت امکان بهتر است تا با استفاده از ترجمه‌های مختلف به متن گوش دهید) و سپس به شکل گروهی به سوالات زیر پاسخ دهید

1. از چه چیزی در این داستان خوششان آمد؟
2. از چه چیزی در این داستان خوششان نیامد و یا کدام قسمت از آن را به خوبی درک نکردید؟

3. این داستان در رابطه با عیسی مسیح و یا خدا چه چیزی به ما می‌گوید؟
4. این داستان در رابطه با مردم چه چیزی به ما می‌گوید؟
5. این داستان چه تاثیری بر زندگی عادی و هر روزه ما دارد؟
6. آیا افرادی را می‌شناسید که نیاز به شنیدن این داستان داشته باشند؟

آماده کردن صحنه

آماده کردن صحنه (مرقس 1: 16 — 8)

به یک نسخه صوتی از مرقس 1: 16 — 8 در آسان‌ترین ترجمه قابل فهم گوش دهید

در بخش قبلی، عیسی توسط مقامات حاکم کشته شده بود. پس از مرگ، جسد او در مقبره‌ای متعلق به یوسف از رامة قرار داده شد. مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و یوسف به دنبال او رفتند تا مکان دفن عیسی را بدانند. آنها قصد داشتند بدن عیسی را با روغن‌ها و ادویه‌ها طبق رسوم خود برای دفن آماده کنند. آنها نتوانستند این کار را انجام دهند زیرا روز شنبه، روز استراحت مذهبی، فرا رسیده بود. اکنون روز استراحت به پایان رسیده و این زنان به همراه سالومه روغن‌ها و ادویه‌های مورد نیاز برای تطهیر بدن عیسی را خریداری کرده‌اند.

رسم دفن این بود که بدن مرده را با روغن‌ها، مرهم‌ها و ادویه‌های خوشبو برای دفن آماده کنند. این یک روش برای احترام گذاشتن به فرد متوفی بود هدف از این روغن‌ها و ادویه‌ها پنهان کردن بوی بدی بود که از تجزیه بدن ایجاد می‌شد. آنها برخلاف دیگر فرهنگ‌ها، قصد حفظ جسد از فساد را نداشتند. ما دقیقاً نمی‌دانیم این زنان چگونه می‌خواستند بدن عیسی را تطهیر کنند، اما به یاد داشته باشید که بدن عیسی در پارچه‌های بلندی پیچیده شده بود، بنابراین احتمالاً آنها می‌خواستند روغن‌ها و ادویه‌ها را بر روی پارچه‌ها بمالند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از ادویه‌ها و روغن‌ها به گروه نشان دهید. در رابطه با روش‌هایی که مردم در فرهنگ شما برای احترام به یک شخص متوفی انجام می‌دهند بحث کنید. در فرهنگ شما چگونه یک بدن برای دفن آماده می‌شود؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

این زنان خیلی زود هنگام صبح، همزمان با طلوع آفتاب به سوی مقبره‌ای که عیسی در آن دفن شده بود حرکت کردند. یادتان باشد که مقبره‌ای که عیسی در آن دفن شده بود، با سنگ بزرگی پوشانده شده بود. سنگ‌هایی که درب مقبره‌ها را می‌پوشاندند ممکن است صاف یا گرد باشند. معمولاً افراد، حتی یک مرد بسیار قوی، می‌توانستند سنگ را جلوی درب مقبره بغلتانند و درب را بپوشانند. اما حرکت دادن سنگ برای باز کردن درب مقبره برای زنان بسیار دشوار بود. وقتی زنان به سوی محل دفن حرکت می‌کردند، شروع به صحبت کردن با یکدیگر کردند که چه کسی ممکن است سنگ را برایشان جابجا کند تا بتوانند وارد شده و بدن عیسی را تطهیر کنند. وقتی به مقبره رسیدند، با تعجب دیدند که سنگ قبلاً جابجا شده است.

در اینجا مکث کنید و تصویری از یک مقبره به گروه نشان دهید. پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

زنان وارد مقبره شدند و مرد جوانی را که لباسی سفید پوشیده بود دیدند. متی و لوقا در انجیل‌های خود این مرد جوان را فرشته و یا همان پیام‌آور خدا توصیف می‌کنند. مرقس او را تنها به عنوان یک مرد جوان که لباسی سفید پوشیده توصیف می‌کند. لباس در اینجا به معنای لباس بیرونی بلند است. مرد جوان در سمت راست زنان، داخل مقبره نشسته بود. اصطلاح "مرد جوان" در اینجا احتمالاً به جوانی اشاره دارد که به اندازه‌ای بالغ است که بتواند ازدواج کند.

در اینجا مکث کنید و تصویری از یک لباس را به گروه نشان دهید. درباره اینکه چرا مرقس فقط فرشته را توصیف می‌کند و او را فرشته نمی‌نامد، بحث کنید. در فرهنگ شما چگونه مردم بدون استفاده از نام افراد یا اشیاء درباره آنها صحبت می‌کنند؟ پخش صوتی را در اینجا متوقف کنید

وقتی زنان مرد جوان را دیدند، شگفت‌زده شده و ترسیدند. مرد به آنها گفت که نترسند و فردی که به دنبالش هستند، یعنی عیسی ناصری که روی صلیب کشته شد، اکنون زنده است. خدا او را دوباره زنده کرده است. او به آنها گفت که به جایی که بدن عیسی بود نگاه کنند، که احتمالاً یک طاقچه سنگی داخل مقبره بود. مرقس می‌خواهد به وضوح بیان کند که این فرد واقعی در تاریخ، یعنی عیسی ناصری، مرده بود اما اکنون زنده شده است. سپس به زنان می‌گوید که این خبر را به شاگردان، از جمله پطرس، برسانند. شاید علت اینکه او پطرس را نام می‌برد این است که پطرس عیسی را انکار کرده بود و نیاز داشت بداند که عیسی او را به یاد می‌آورد و دوستش دارد. مرد جوان گفت که عیسی به سوی ناحیه جلیل خواهد رفت و آنها او را در آنجا خواهند دید، درست مانند چیزی که قبل از مرگش به آنها گفته بود. زنان با ترس و لرز از مقبره بیرون رفتند. آنها به دلیل ترس، چیزی به کسی نگفتند.

در اینجا مکث کنید و نقشه‌ای از اسرائیل که شامل اورشلیم و ناحیه جلیل باشد را به گروه نشان دهید

توصیف صحنه‌ها

توصیف صحنه‌ها (مرقس 1: 16 — 8)

یک بار دیگر و یا با استفاده از آسان‌ترین ترجمه کتاب مقدس به این آیات مرقس 1: 16 — 8 گوش دهید

در این مرحله، گروه صحنه‌ها، شخصیت‌ها، و تنظیمات این بخش از متن را تعریف خواهند کرد. سپس گروه باید این قسمت را به صورت تصویری به تصویر بکشد

این قسمت دارای چهار صحنه است

در صحنه اول: این صحنه در روز پس از سبت، روز استراحت مذهبی یهودیان، آغاز می‌شود. زنان به خرید روغن‌ها و ادویه‌ها می‌روند تا بتوانند بدن عیسی را مسح کنند.

در صحنه دوم: زنان به سمت مقبره حرکت می‌کنند. آنها در طول راه درباره این‌که چگونه سنگ بزرگ ورودی مقبره را جابجا کنند صحبت می‌کنند. وقتی به نزدیکی مقبره می‌رسند، مشاهده می‌کنند که سنگ بزرگ از ورودی مقبره جابجا شده است.

در صحنه سوم: زنان وارد مقبره خالی می‌شوند و جوانی را با لباس سفید می‌بینند. جوان به زنان می‌گوید که نترسند. او می‌گوید که عیسایی که آنها به دنبالش هستند، اینجا نیست. او به آنها می‌گوید که به مکانی که بدن عیسی خوابیده بود نگاه کنند. او زنده است و به پطرس و دیگر شاگردان بگویند که عیسی به سمت جلیل پیش می‌رود و آنها را در آنجا خواهد دید.

در صحنه چهارم: زنان مقبره را ترک می‌کنند. آنها گیج و وحشت‌زده هستند و به کسی چیزی نمی‌گویند.

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- مریم مجدلیه
- مریم مادر یعقوب و یوسف
- سالومه
- جوانی با لباس سفید

به شکل گروهی به این قسمت‌های ساختار متن توجه کنید: در آغاز صحنه اول، به یاد داشته باشید که زنان منتظر پایان یافتن روز سبت بودند تا بتوانند روغن‌ها و ادویه‌های لازم برای مسح بدن عیسی را طبق رسوم دفن خریداری کنند. شنبه شب پس از غروب خورشید، روز سبت به‌طور رسمی به پایان می‌رسد. این زمانی است که زنان ادویه‌ها و روغن‌های خوشبو را برای بدن خریداری می‌کنند. صبح روز بعد، اولین روز هفته است و در حوالی طلوع آفتاب یا کمی پیش از آن زنان به سمت مقبره می‌روند. وقتی زنان به سمت مقبره می‌روند، درباره دشواری جابجا کردن سنگ ورودی مقبره با هم صحبت می‌کنند. به یاد داشته باشید که آن سنگ بسیار بزرگ و سنگین بود و شاید نزدیک به یک متر قطر داشت. وقتی به مقبره نزدیک می‌شوند، می‌بینند که کسی سنگ را از ورودی مقبره جابجا کرده است.

آنها وارد مقبره می‌شوند و جوانی را با لباس سفید می‌بینند. مرد داخل مقبره نشسته و در سمت راست زنان قرار دارد. آنها با دیدن او دچار ترس می‌شوند به یاد داشته باشید که جوان می‌گوید: "نگران نباشید و نترسید. شما به دنبال عیسی از ناصره هستید که مصلوب شد. او اینجا نیست. او برخاسته است، یا خدا او را از مرگ زنده کرده است!" به یاد داشته باشید که باید او جایگاهی را که بدن عیسی قرار داشت به زنان نشان دهد. جایگاه بدن عیسی احتمالاً یک طاقچه سنگی در داخل مقبره بود که از سنگ تراشیده شده بود. سپس مرد جوان به زنان می‌گوید که به شاگردان و پطرس بگویند: "او به سمت جلیل پیش می‌رود. شما او را در آنجا خواهید دید، همان‌طور که قبلاً به شما گفته بود." زنان مقبره را ترک می‌کنند. آنها به شدت ترسیده‌اند و وحشت‌زده‌اند و به کسی چیزی نمی‌گویند.

حال گروه باید داستان را به تصویر کشیده و آن را به صورت عملی نمایش دهد.

مجسم کردن متن

مجسم کردن متن (مرقس 1:16-8)

یک بار دیگر به نسخه‌ای از مرقس 1:16-8 با استفاده از راحت‌ترین ترجمه کتاب مقدس گوش دهید

در این مرحله، گروه شما باید این بخش از متن را به صورت نمایش اجرا کند

این بخش از متن شامل چهار صحنه است

شخصیت‌های حاضر در این داستان عبارتند از

- مریم مجدلیه
- مریم مادر یعقوب و یوسف
- سالومه
- جوانی با لباس سفید

گروه شما باید داستان را دو بار به شکل نمایش اجرا کند. آنها باید با زبانی که برایشان ترجمه می‌شود این داستان را اجرا کنند

در بار اول، نمایش را بدون توقف اجرا کنید. به دیالوگ‌ها، جریان داستان، خط داستانی و ترتیب وقایع توجه کنید. مطمئن شوید که هیچ یک از بخش‌های مهم و دشوار داستان را حذف نمی‌کنید. به یکدیگر کمک کنید تا همه جزئیات داستان را به یاد داشته باشید. در این زمان، پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را اجرا کنید

گروه باید این بخش از متن را بار دوم نیز اجرا کند. در برخی موارد، نمایش را متوقف کنید و از فردی که نقشی را در این نمایش بازی می‌کند بپرسید که "چه حس و یا نظری دارد؟" فردی که از او سؤال می‌شود باید نظر و یا حس خود را در رابطه با نقشی که دارد بگوید. سپس نمایش را ادامه دهید. در این زمان، پخش صوتی را متوقف کنید و نمایش را برای بار دوم اجرا کنید.

نمونه‌ای از این نمایش و پاسخ‌های احتمالی به شرح زیر است

از گروه خود بخواهید تا صحنه‌ای را اجرا کنند که زنان برای خرید روغن و ادویه‌جات به منظور تذهین بدن عیسی به راه می‌افتند. آنها بعد از خریدهای خود، به سوی قبر می‌روند و در مورد وظیفه‌ای که پیش روی آنها است صحبت می‌کنند. نمایش را متوقف کنید و از افرادی که نقش زنان را بازی می‌کنند بپرسید "چه حس و یا نظری دارند؟" نمایش را ادامه دهید.

زنان به قبر نگاه می‌کنند و می‌بینند که در آن باز است. آنها وارد می‌شوند و جوانی با لباس‌های سفید را می‌بینند که در سمت راست قبر نشسته است. او می‌گوید: "ترسید. شما به دنبال عیسی ناصری هستید که مصلوب شد. او اینجا نیست! او از مرگ برخاسته است. نگاه کنید! اینجا جایی است که بدن او را قرار داده بودند. حالا بروید و به شاگردان او و پطرس بگویید که عیسی پیش از شما به جلیل خواهد رفت و او را در آنجا خواهید دید، درست همان‌طور که پیش از مرگ به شما گفته بود. "نمایش را متوقف کنید. از فردی که نقش مرد جوان را بازی می‌کند بپرسید "چه حس و یا نظری دارد؟" او احتمالاً پاسخ خواهد داد که "افتخار می‌کنم که این خبر خوش را به زنان می‌دهم" یا "چرا زنان تعجب کردند؟ عیسی گفته بود که دوباره زنده خواهد شد". نمایش را ادامه دهید.

زنان از قبر خارج می‌شوند، ترسیده و به کسی نمی‌گویند که چه اتفاقی افتاده است. اجرای نمایش را متوقف کنید. از افرادی که نقش زنان را بازی می‌کنند بپرسید "چه حس و یا نظری دارند؟" آنها احتمالاً پاسخ خواهند داد که "گیج شده‌ایم. عیسی کجاست؟ آیا واقعاً زنده است؟"، "ترسیده‌ایم. آیا کسی حرفمان را باور می‌کند؟"، "هیجان‌زده‌ایم. عیسی زنده است!" یا "گیج شده‌ایم، آن جوان چه کسی بود؟"

پercردن جاهای خالی

پercردن جاهای خالی (مرقس 16: 8-1)

به نسخه صوتی آیات مرقس 16: 1-8 در ساده‌ترین ترجمه موجود گوش دهید

در این مرحله اعضای گروه باید در رابطه با واژه‌ها و مفاهیم کلیدی این بخش از داستان با هم تبادل نظر داشته باشند

روز سبت، که روز استراحت مذهبی یهودیان است، به پایان رسیده است. بر اساس قانون مذهبی یهودیان، که به قانون موسی نیز معروف است، مردم در این روز اجازه نداشتند کاری انجام دهند. این ممنوعیت شامل رفتن به بازار برای خرید اقلام مورد نیاز نیز می‌شد. از همان کلمه‌ای برای اشاره به روز سبت استفاده کنید که در بخش‌های دیگر استفاده کرده‌اید. برای اطلاعات بیشتر در مورد سبت به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب و یوسف، و سالومه ادویه‌جاتی که با روغن مخلوط شده بود را خریدند تا بر اساس رسوم تدفین خود، بدن عیسی را مسح کنند. در اینجا، مسح کردن به معنای مالیدن یا ریختن روغن یا پماد بر بدن فرد متوفی برای آماده‌سازی آن برای تدفین است. این ادویه‌ها و روغن‌ها به بدن در حال تجزیه کمک می‌کرد تا بوی بهتری داشته باشد. بدن عیسی قبلاً در پارچه پیچیده شده بود، بنابراین زنان احتمالاً قصد داشتند روغن را بر روی پارچه بریزند یا آن را به پارچه بمالند.

در اینجا مکث کنید و در رابطه با واژه‌ای که برای مسح کردن در ترجمه استفاده خواهید کرد تبادل نظر کنید. برای اطلاعات بیشتر در مورد مسح کردن به فرهنگ لغات مراجعه کنید. زنان به مقبره یا محل دفن عیسی رفتند. از همان کلمه‌ای برای اشاره به مقبره استفاده کنید که در بخش‌های دیگر به کار برده‌اید. برای اطلاعات بیشتر در مورد واژه مقبره به فرهنگ لغات مراجعه کنید.

زنان وارد مقبره شدند و مرد جوانی را دیدند که ردای سفیدی پوشیده بود. این مرد جوانی است که به سن از دواج رسیده است. ما از سایر اناجیل می‌دانیم که این مرد جوان در واقع یک فرشته بوده است. از همان کلمه‌ای برای اشاره به ردای استفاده کنید که در بخش‌های دیگر به کار برده‌اید و به خاطر داشته باشید که ردای فرهنگ لغات اصلی ذکر شده است. مرد جوان می‌گوید: "شما به دنبال عیسی ناصری هستید که مصلوب شد." از همان کلمه‌هایی برای اشاره به ناصره یا ناصری استفاده کنید که در بخش‌های دیگر به کار برده‌اید. برای اطلاعات بیشتر در مورد ناصره به فرهنگ لغات مراجعه کنید. همچنین از همان کلمه‌ای برای اشاره به مصلوب شدن استفاده کنید که در بخش‌های دیگر به کار برده‌اید و به خاطر داشته باشید که مصلوب شدن نیز در فرهنگ لغات اصلی ذکر شده است.

مرد جوان به زنان می‌گوید: "بروید و به شاگردان او از جمله پطرس بگویید که عیسی به سمت جلیل، منطقه‌ای که قبلاً به شما گفته بود، می‌رود." از همان کلمه‌هایی برای اشاره به شاگردان و جلیل استفاده کنید که در بخش‌های دیگر به کار برده‌اید و به خاطر داشته باشید که این واژه‌ها نیز در فرهنگ لغات اصلی ذکر شده‌اند.